

نماز و نوروز

پیژوهه و مهارت ■ خبر و رسانه ■ پیرونده ویژه

يَا مُقَلِّدِي الْقُلُوبِ وَالْأَمْصَاغِ
يَا مُدَبِّرِي السَّكْرِ فِي لَبِّهَا
يَا مُجَلِّدِي الْحَوَى وَالْإِحْوَالِ
حَوْلَ حَالِنَا إِلَى الْحَسْرِ وَالْحَالِ

سیره اهل بیت (ع) در سفر / مطالبات رهبری (مد ظله العالی) از مدیریت حمل و نقل
نهار، نماز، ۲۰ دقیقه / یک چادر ۲ امداد / یک نماز خورده



کمبود مسجد در شهر و شهرک و
روستا؛ نبود جایگاه نماز در مراکز
اجتماعات همچون ورزشگاه و
بوستان و ایستگاه و مانند آن؛ مراعات
نشدن وقت نماز در وسائل
مسافرت‌های دور دست... و هر کمبود
دیگری از این قبیل ها، نقاط ضعفی
است که باید همتهای بلند بر زدودن
آن برانگیخته شود. ان شاء الله
سیدعلی خامنه‌ای
در پیمایش به بیست و دومین اجلاس سراسری نماز
شهریور ۱۳۹۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کاری از مرکز تخصصی نماز
تهیه: واحد پژوهش و مطالعات راهبردی
مدیر مسئول: محمد صادق کفیل
سردبیر: ابوالفضل علی آبادی

سر مقاله ۴

پژوهه و مهارت

- یک حرف بس است ۶
- سویه‌های روان‌شناسانه نماز ۹
- چند کیلومتر تا عمل ۱۲
- مقدمات و تعقیبات نماز مدیران! ۱۶
- کوتاه و خواندنی از نماز ۲۰
- فرصت‌ها المثنی ندارند ۲۲
- وقتی خداوند به حضرت زهرا علیها السلام مباحث می‌کند ۲۵

هنر و رسانه

- تبلیغ نماز در رسانه ۳۲
- نماز می‌خوانم پس هستم ۳۴
- انشای نماز ۳۷
- حی علی البهشت و به سرمستی مدام ۳۸
- معرفی شاعر ۴۱
- تابلوی نماز ۴۲

نماز و نوروز

- نقطه‌ای که راه اول بودن را پیدا می‌کند ۴۴
- دو رکعت تفرج ۴۵
- فصلی تا نورانیت ۴۹
- بررسی فعالیت تبلیغی حوزه علمیه در ترویج نماز ۵۳
- راهیان معراج ۵۷
- نماز، نهار، ۲۰ دقیقه ۶۰
- چادرهایی از جنس مسجد ۶۳
- یک چادر دو امداد ۶۶
- یک سین در هفت سین ۶۷
- یک نماز خوردنی ۷۱
- نوروز و نهال بندگی ۷۲
- نماز، نوروز دل ۷۵
- قبله‌ام یک گل سرخ ۷۸



■ قنوت در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
■ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان آنهاست.
■ نقل، تکثیر و توزیع قنوت برای تمامی افراد آزاد است.
■ با تشکر از تمامی عزیزانی که ما را در تهیه قنوت یاری کردند.



همکاران تحریریه: حجج الاسلام: حسین صفری، روح الله حبیبیان، اصغر آیتی، مجید فیاضی، هادی عجمی، محمد رضا نظری
سرویس پژوهش و مهارت: مهدی اخلاقی / سرویس هنر و رسانه: مهدی بهرامی / پرونده ویژه: مهدی منتظری / مدیر اجرایی: سید میثم مرادخانی
ویرایش: جعفر مروچی
مدیر هنری: محمد حسین مؤیدی



۱۶



۲۸



۳۲



۴۹



۷۲



اندکی تأمل در باب نماز

سخن سردبیر

قبولی سایر اعمال، پذیرفته شدن این فریضه الهی می‌باشد. برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر نماز، در هر دو حوزه فردی و اجتماعی، مطالبی با عنوان «آداب نماز» در آموزه‌های دینی موجود است که عوامل زمینه‌ساز حضور قلب و توجه بیشتر را برای مخاطب مشخص می‌سازد. ترویج نماز، چگونگی تعلیم و آموزش نماز محور برای کودک و نوجوان، برخورد و رفتار با کسانی که نگاه و رفتار سطحی به نماز دارند، گوشه‌ای از این آداب را تشکیل می‌دهد.

چند دغدغه مهم:

* آیا آن‌طور که برای موضوع عید نوروز و برنامه‌های آن، در سطح جامعه، آماده‌سازی و برنامه‌ریزی عمومی وجود دارد، برای موضوع نماز و فعالیت‌های مرتبط با آن، تلاشی صورت می‌گیرد؟

* امور مورد علاقه کودکان و نوجوانان، در ایام نوروز - چه در فضای خانواده و چه در برنامه‌های حاکمیتی همانند رسانه - دارای اولویت است. آیا برای ترویج نماز هم همین‌گونه رفتار می‌شود؟

۱. هرساله با نزدیک شدن به روزهای آخر سال، جنب و جوش خاصی در بین مردم اتفاق می‌افتد؛ آمادگی برای ورود به سال جدید، که از خانه تکانی و تعویض وسایل منزل شروع می‌شود و با خرید لباس و تهیه آجیل و میوه برای میزبانی مناسب، پایان می‌یابد. شاید در یک نگاه کوتاه، تفاوت چندانی بین روزهای پایانی و آغازین سال وجود نداشته باشد. از وضعیت جوی گرفته تا حتی امور معیشتی مردم، هیچ‌یک دستخوش تغییر خاصی نمی‌شود. اما با این حال، همیشه مردم نسبت به تغییر سال و برگزاری برنامه‌های خاص در زمان مقررش، اهتمام ویژه دارند. دور هم بودن اعضای خانواده بر سر سفره عید نوروز، حضور در اماکن مقدسه، تبریک گفتن به دوستان و آشنایان، دعا برای موفقیت در سال پیش رو و حتی دقت در انتخاب هدیه برای دوستان و آشنایان، همه و همه نشان‌دهنده اهمیت این ایام در میان خانواده‌ها است. در این بین تمامی سازمان‌ها و بعضی از اقشار جامعه، برای دستیابی به اهداف خود در سال جدید، برنامه منسجمی را طراحی می‌کنند.

۲. روایات فراوانی درباره اهمیت نماز وارد شده است؛ به گونه‌ای که شرط

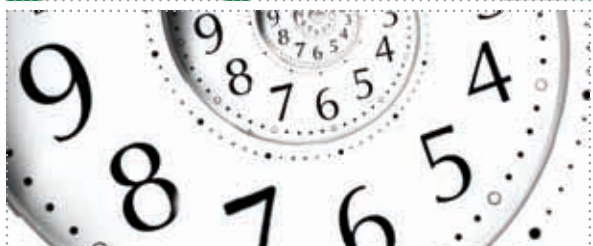
ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

فتوت

۴

پژوهه و مهارت





یک حرف بس است

مقدمه‌ای برای آسیب‌شناسی تبلیغات نماز در جامعه

همهٔ خادمان نماز محفوظ است. با فرض گرفتن تمامی خدمات آنان و با هدف ارتقا کیفیت در باب «تبلیغ برای نماز» به سوی تذکرات دوستانه و نقد اصلاح‌گرانه خواهیم رفت.

حکم راهبردی

تبلیغ برای نماز، ذیل عنوان عمومی تبلیغ دین قرار می‌گیرد؛ دینی که خداوند نماز را ستون آن قرار داده و مسیر هدایت و چراغ راه آینده را در قرآن بیان کرده است. یکی از

مقدمه

منادیان اقامه نماز و آمران به مهم‌ترین معروف، کم نیستند. دعوت‌گران به صلاح و صلاحه در روزگار ما بیشمارند. به همت همین مبلغان دینی که به صورت فردی یا گروهی در جمع‌های خصوصی و نهادهای فرهنگی مشغول ترویج فرهنگ اسلام ناب هستند، ستون دین دیگر غبار غربت گذشته را بر چهره ندارد. در آغاز این یادداشت که قصد دارد به سراغ شناسایی آسیب‌ها و کاستی‌های احتمالی این حوزه رود، حق





آیات قرآن کریم که صراحتاً وظیفه و منش مؤمنان برای تبلیغ دین را بیان می‌کند، این آیه است: «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن؛^۱ (ای رسول) مردم را به حکمت و پندجویی به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریقه با آنان بحث کن». در اینجا اولین میزان سنجش و معیار داوری برای ما مشخص می‌شود. در بررسی هر مصداقی باید این دست سؤالات را بپرسیم: آیا این برنامه تلویزیونی لحظاتی قبل از پخش اذان، بر مبنای حکمت الهی تنظیم شده است؟ آیا دیوارنوشته‌های مدارس در دعوت دانش آموزان برای شرکت در نماز از مصادیق موعظه حسنه است؟ آیا بحث برادر مؤمن با راننده‌ای که اقامه نماز اول وقت را به اولین استراحتگاه جاده‌ای موکول می‌کند، جدال احسن بود؟ داوری در هر کدام از این موضوعات نیازمند ملاک و قانونی است که این آیه شریفه یکی از مهم‌ترین آنها است.

کلیشه

در ادامه همین بحث، لازم است به مسئله ثبات در شیوه‌ها و اسلوب‌ها اشاره کرد. هر جمله و شیوه‌ای در اولین جلوه‌هایش تازگی دارد و طعم خلاقیت و جذابیت. اما چنانچه بارها و بارها تکرار شود، دیگر اثر اولیه خود را ندارد. نماز، همیشه نماز است و سخن گفتن با خداوند، در صورتی که حرف زدن با معشوق باشد، همیشه تازه و دلنشین است. اما اقدام ما در تبلیغ برای نماز نمی‌تواند همان شکل و قالب همیشگی را داشته باشد. لازمه تبلیغ اثرگذار و هنرمندانه، خلاقیت و تازه‌نمایی است. برای مثال، اگر در برنامه‌ای تلویزیونی، یک تیزر خاص ده سال و به صورت ثابت قبل از وقت اذان پخش شود، رفته رفته جذابیت خود را از دست می‌دهد و مخاطب اصلاً آن را نمی‌شنود. در نتیجه به مسئله‌ای عادی بدل می‌شود و به صورت طبیعی متوجه نکته آن نمی‌شود. چه بسا برای او ملکه شده باشد و در ضمیر ناخودآگاهش بگوید: «خودم می‌دانم».

مخاطب‌شناسی

یکی از مشکلات عمده در باب مباحث تبلیغی، مسئله «حکم کلی» است. اینکه بگوییم وظیفه ما امر به معروف است و ما به وظیفه خود عمل می‌کنیم، مثل تکرار جمله حکیمانه و استراتژیک «نماز ستون دین است»^۲. با در دست داشتن این جمله، همه مخاطبان را یک‌سان تلقی کرده و از مهد کودک تا مدرسه و دانشگاه و اداره، همه و همه را با این جمله به نماز دعوت می‌کنیم. به نظر می‌رسد باید

یکی از مشکلات عمده در باب مباحث تبلیغی، مسئله «حکم کلی» است. اینکه بگوییم وظیفه ما امر به معروف است و ما به وظیفه خود عمل می‌کنیم، مثل تکرار جمله حکیمانه و استراتژیک «نماز ستون دین است». با در دست داشتن این جمله، همه مخاطبان را یک‌سان تلقی کرده و از مهد کودک تا مدرسه و دانشگاه و اداره، همه و همه را با این جمله به نماز دعوت کنیم.

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

بیش شماره سوم فروردین ۱۳۹۴

۷ **عزت**





تکرار

کرده است. وقت نماز نزدیک است و هنوز مباحث به نتیجه نرسیده است. آیا بهترین روش برای تبلیغ نماز، ترک جلسه است؟ آیا ما می‌توانیم میان یک سخنرانی رسمی، بلند شویم و با صدای بلند اذان بگوییم و بعد از آن، از همه بخواهیم اول نماز بعد کار؟ یا اینکه روی این مسئله حساس شویم و برای جلسات بعد طوری برنامه‌ریزی و وقت را تنظیم کنیم که دیگر این مشکل تکرار نشود؟ یا با ارسال یک برگه کوچک به سخنرانی که گرم بحث است، او را متوجه وقت اذان کنیم و با اندک اختلاف زمان، برای اقامه نماز اقدام کنیم؟ انتخاب هر کدام از این تصمیمات، به زمان‌شناسی و موقعیت‌شناسی افراد بستگی دارد.

نتیجه

بررسی این دست‌مورد به مجالی بیشتر، دقت نظر و کارشناسی‌های دقیق‌تری نیاز دارد و این فهرست و عناوین قابل‌گسترش و ادامه است. به دلیل محدودیت این نوشتار و آگاهی اندک نگارنده، به تذکر این چند نکته کفایت کرده و بیش و بیشتر گفتن از این مسئله مهم، یعنی «تبلیغ برای نماز» را به فرصت‌های دیگر و عزیزان دیگر موکول می‌کنم.

درباره اولویت کمیت بر کیفیت یا کیفیت بر کمیت، نمی‌توان حکم کلی داد. هر دو اینها مهم هستند. مدیران و برنامه‌ریزان فرهنگی، هم در مرحله طرح و برنامه و هم در زمان اجرا، نباید از هیچ کدام آنها غافل شوند. مثلاً کسی بگوید: «در خانه اگر کس است، یک حرف بس است» و تبلیغ برای اقامه نماز را یک بار و برای همیشه جدی بگیرد. در صورتی که در اینجا ملاک اهمیت و به ثمر رسیدن این تبلیغ، استمرار آن است. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که یک اثر باکیفیت، توانایی، اثرگذاری و ماندگاری دارد و به این ضرب‌المثل اشاره کرد: «یک ده آباد به از صد شهر خراب». برای مثال می‌توان به سراغ معماری مساجد رفت. اگر در زمان ساخت مسجد نهایت دقت و ظرافت لحاظ شود و هزینه و زمان ساخت چند مسجد در یک شهر به صورت متمرکز صرف ساخت یک مسجد تاریخی شود، چه بسا به مقصود نزدیک‌تر باشد.

زمان‌شناسی

از بزرگانمان آموخته‌ایم: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد». این جمله حکیمانه به ما تذکر می‌دهد که زمان‌شناس باشییم و با دقت، مطالعه و فکر، بدانیم در این لحظه و موقعیت چگونه رفتار کنیم. برای مثال در موضوع بحثمان می‌توانیم به تذکر وقت اذان در جلسات رسمی اشاره کنیم. مواردی دیده می‌شود که جلسات و همایش‌ها به دلایل گوناگون با زمان اذان تلاقی پیدا



نماز، همیشه نماز است و سخن گفتن با خداوند، چنان‌که حرف زدن با معشوق باشد، همیشه تازه و دلنشین است. اما اقدام مادر تبلیغ برای نماز نمی‌تواند همان شکل و قالب همیشگی ردا داشته باشد. لازمه تبلیغ اثرگذار و هنرمندانه، خلاقیت و تازه‌نمایی است.

ماهنامه فرهنگ ترویجی
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۸ قوت



پی‌نوشت‌ها

۱. نحل: ۱۲۵.

۲. «الصلوة عمود الدین»: برقی، محاسن، ج ۱، ص ۱۱۶.



سوپه‌های روان‌شناسانه نماز

کاربرد نشانه‌های رمزی و سلامت روانی در نماز

مهدی یزدی

مقاله

شخص نمازگزار
یا ایمان به
قدرت لایتناهی
پروردگاری که در
مقابلش کرنش
می‌کند، خود
را در مقابل هر
عاملی که قصد
به خطر انداختن
او را داشته باشد،
ایمن می‌یابد و
ضمن تکرار این
باور اعتقادی در
نمازهای پنج‌گانه،
این ایمنی را به
روان خود تلقین
می‌کند و سرانجام
آرامش عمیقی را
در وجودش ملکه
می‌سازد.



میان افراد غیرمذهبی دیده می‌شود. کارل یونگ می‌گوید: در طول سال‌ها درمان بیماری‌های روانی، حتی یک بیمار را ندیدم که مشکل اساسی‌اش نیاز به گرایش دینی در زندگی نباشد.^۲ به جرئت می‌توان گفت: همه بیماران روانی به این دلیل بیمار شده‌اند که از درون مابیه‌های دینی در زندگی بی‌بهره بودند و تنها وقتی به طور کامل درمان شدند که به دین و دیدگاه‌های دینی بازگشتند. افرادی که تعلقات مذهبی بسیاری دارند، به هر میزان که ایمان محکم‌تری داشته باشند، همان قدر از بیماری روانی فاصله بیشتری پیدا

دین بزرگ‌ترین هدیه خداوند متعال به بشر برای حرکت به سمت سعادت و کمال است. آموزه‌های دین بسیار زیادند؛ اما در میان آنها، عبادت و ذکر خداوند از جایگاه خاص و تأکیدشده‌ای برخوردار است و در پرورش روح و آرامش روانی مؤمنان نقشی اساسی به عهده دارد. به عبارت دیگر، «تا زمانی که سلامت و بهنجاری اعتقادی حاصل نشود، سلامت روانی هم حاصل نمی‌گردد»^۱ از منظر روان‌شناسان، بیشتر بیماری‌های روانی که از فشارهای روانی و ناکامی‌های زندگی برمی‌خیزد، در

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۹

خوبت



نماز و قرآن و اعمال مذهبی روی آورده‌اند، در درجات عالی تر درمان قرار گرفتند. بنابراین آرامش روان و خاطر، در پرتو نماز حاصل می‌شود. نماز این عالی‌ترین جلوه نیاز، ارتباطی گسترده با ابعاد مختلف زندگی انسان دارد. از میان تمام فرایضی که از لحاظ دینی بر مسلمانان واجب شده است، نماز بیشترین ارتباط را با انسان دارد. هر روز پنج بار این کتاب نیایش را ورق می‌زنیم و این چنین است که نماز کلاس درسی می‌شود که آموختنی‌هایش تمامی ندارد.

از نظر بسیاری از روان‌شناسان یکی از عوامل رشد و باروری شخصیت، استفاده از نشانه‌های رمزی است. آدمی هر چه بیشتر ترقی کند و به کمال نزدیک‌تر شود، علائم و سیگنال‌های رمزی بیشتری به کار می‌برد. عکس این مطلب نیز صحیح است؛ یعنی هر چه بیشتر در حال تنزل باشد، نشانه‌های رمزی کمتری استفاده می‌کند. فواید نشانه‌های رمزی بسیار است. برای مثال نشانه‌های رمزی توان آن را دارد که به جای انگیزه‌های غریزی و تمایلاتی که ابراز آنها مقتضی یا مناسب یا مقدور نیست، قرار بگیرد و به التیام و کاهش تنیدگی و ناراحتی در فرد که ناشی از عدم ارضای آنها است، کمک کند. قرآن با تأکید بر این مطلب، می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ همانا نماز انسان را از بدی و زشتی باز می‌دارد».

می‌کنند. از این روی یکی از نتایج زندگی در عصر حاضر که به عصر مدرنیته معروف است، افزایش بیماری‌های روانی و عصبی است.

آنچه تاکنون بدان اشارت رفت، نقد و نظری بود که روان‌شناسان براساس تجربه و دانش خود بدان دست‌یازیده بودند. حال آنکه کلام خداوند متعال در این زمینه سخنان و راهکارهای راهگشایی دارد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ آنها که به خدا ایمان آورده‌اند، دل‌هاشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باشید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دل‌ها است».

از جمله آثار یاد خدا آرامش خاطر است و این اثر، در اقامه نماز آشکار است؛ زیرا اقامه نماز، مصداق بارز و کامل یاد خدا است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ نماز را به خاطر یاد من به پا دارید».

شخص نمازگزار با ایمان به قدرت لایتناهی پروردگاری که در مقابلش کرنش می‌کند، خود را در مقابل هر عاملی که قصد به خطر انداختن او را داشته باشد، ایمن می‌یابد و ضمن تکرار این باور اعتقادی در نمازهای پنج‌گانه، این ایمنی را به روان خود تلقین می‌کند و سرانجام آرامش عمیقی را در وجودش ملکه می‌سازد. طبق تحقیقات، بیماران مضطربی که در کنار درمان‌های رایج، به خواندن



پژوهشگران مختلفی در سراسر جهان درباره تأثیر مذهب، محیط‌های مذهبی و آداب و رسوم دینی در سلامت روانی افراد، بهداشت روانی جامعه و بهبودی بیماران روانی و مقاوم کردن افراد در برابر رخداد‌های دردناک و ایجاد آرامش پژوهش کرده و به دستاوردهای مهمی رسیده‌اند.

کسی که اهمیت ذکر خداوند را بداند، به خوبی درمی‌یابد که روی گردانی از یاد خداوند، خسارت بزرگی است. اگر این حقیقت را درک کنیم که حیات دل انسان به ذکر خدا است، درمی‌یابیم کسی که از یاد خداوند روی گرداند، از حیات قلب محروم می‌ماند. افسردگی دل و آتش حرمان از حیات معنوی دل، هر لحظه او را می‌آزارد و حسرتی جانکاه بر دلش می‌نشانند. امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه ثمالی می‌فرماید: «مَوْلایِ بِذِکْرِکَ عَاشَ قَلْبِی وَ بِمُنَاجَاتِکَ بَرَزْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّی؛ ای مولای من، با یاد تو دلم زنده است و با مناجات تو، درد ترس (فراق) را در خود فرو می‌نشانم».

یکی از دانشمندان شهیر اسلامی در کتاب مکاشفه القلوب، در خصوص همین مطلب چنین گفته است: با ذکر، همه ترس‌ها از میان برمی‌خیزد و همه ناراحتی‌ها از آدمی سترده می‌شود. آنگاه که فرد به یاد خدا می‌افتد، قلبش با طمأنینه، آباد می‌شود و از خشنودی الهی سرشار می‌گردد؛ قلبی که پیش‌تر از ترس و یأس آکنده بود. لطف و توجه

پروردگار، قلب ذاکر را زیر سایه خود قرار می‌دهد و انسان، به این یقین می‌رسد که رهیدن از ناراحتی‌های درونی، آسان و هموار است و می‌توان وسوسه‌های شیطانی را در هم کوبید و گمان‌های باطل را از خود دور ساخت. چنین فردی، همواره با خدا است و از هیچ امری بیم ندارد و به هیچ عارضه‌ای روانی دچار نمی‌گردد. این حالت، به خاطر ثباتی که خداوند در دل او ایجاد می‌کند، به هم می‌رسد.^۶

نوشته خود را با کلامی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به پایان می‌برم که در واقع، نتیجه این سطور نیز محسوب می‌شود. آن حضرت در روایتی فرمودند: «ذکر الله شفاء القلوب؛^۷ یاد خدا شفای دل‌ها است».

پی‌نوشت‌ها

۱. امرالله ابراهیمی و حمید نصیری، «بررسی رابطه میزان افسردگی سال‌مندان مقیم خانه سالمندان با نگرش و عملکردهای دینی آنها»، ۱۳۷۶.
۲. به نقل از: محبوبه البرزی و حسن سامانی، «بررسی رابطه اعتقادات مذهبی با افسردگی، اضطراب و فشار روانی در نوجوانان»، مقالات اولین همایش بین‌المللی نقش دین در بهداشت روان، تهران، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، ۱۳۸۰.
۳. رعد: ۲۸.
۴. طه: ۱۴.
۵. عنکبوت: ۴۵.
۶. محمد بن محمد غزالی، مکاشفه القلوب، ص ۱۴۵.
۷. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۱۹.

از نظر بسیاری از روان‌شناسان یکی از عوامل رشد و باروری شخصیت، استفاده از نشانه‌های رمزی است. آدمی هر چه بیشتر ترقی کند و به کمال نزدیک‌تر شود، علائم و سیگنال‌های رمزی بیشتری به کار می‌برد. عکس این مطلب نیز صحیح است؛ یعنی هر چه بیشتر در حال تنزل باشد، نشانه‌های رمزی کمتری استفاده می‌کند. فواید نشانه‌های رمزی بسیار است.

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم فروردین ۱۳۹۴

۱۱ **عنایت**



حد ترخص



چند کیلومتر تا عمل

بررسی جایگاه احکام و تکالیف دینی

اتاقشان می‌اندازید، شک نمی‌کنید که این بنده خدا تنها جسمش در دارغوزآباد سفلی است! والا روحش در شانزه لیزه پاریس یا منهتن نیویورک یا ونیز ایتالیا و امثال آن مشغول ادامه حیات است.

از این مطلب که بگذریم، به طور کلی عشق به مسافرت یک میل درونی و ذاتی در ما انسان‌ها است. مسافرت یکی از قدیمی‌ترین تفریحات انسان بوده و احتمالاً اجداد بزرگ ما، حضرت آدم و حوا علیهم‌السلام نیز بیشترین بهره را از همین تفریح سالم و بی‌هزینه برده‌اند و خدا می‌داند قبل از ولادت اولاد متعددشان، چه مسافت‌هایی را عاشقانه طی کردند و چه مناظر بدیعی را تماشا کرده و لذت برده‌اند.

ما انسان‌ها هم هرچه باشد، فرزندان همان پدر و مادریم و عاشق سیاحت و گشت و گذار. حال اگر پا داد به بهانه تحصیل و تجارت یا تفریح ایام نوروز راهی فلان

از روزی که مرحوم حسن مقدم نویسنده قدیمی کشور، نمایشنامه معروف «جعفرخان از فرنگ برگشته» را نوشت، بیش از نود سال می‌گذرد. هر چند در این سال‌ها تب و تاب سفرهای برون مرزی تا حد زیادی کاهش پیدا کرده، اما هنوز کم نیستند افرادی که آرزوی بزرگشان و به قول مداح‌ها در رأس حوائجشان سفر به یکی از کشورهای خارجی به خصوص از نوع اروپایی و آمریکایی. قرار دارد و اگر این توفیق رفیقشان شود، دیگر از دار دنیا آرزویی برایشان باقی نمی‌ماند.

البته درصد این عشق و علاقه در افراد گوناگون متفاوت است. مثلاً گروهی هستند که وصف حالشان همان داستان معروف «من در میان جمع و دلم جای دیگر است» بوده و وقتی پای صحبتشان می‌نشینید یا نگاهی به ریخت و قیافه یا تصاویر صفحه موبایل یا کامپیوترشان و حتی در و دیوار



ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۱۲ قوت

10 Km ۱۰ Km

50

30

کشور فرنگ شدیم، زهی سعادت؛ و الا به سفرهای درون وطنی هم راضی هستیم. خلاصه آنکه ایرانی‌جماعت بخش عمده عمر خود را در سفر می‌گذرانند که البته این علاقه، بسیار خوب و مورد تأیید دین اسلام نیز است. فقط می‌ماند یک نکته کوچک و آن، رعایت تکالیف و وظایف دینی در این مسافرت‌ها است که گاهی انسان را دچار تحیر و تردید می‌کند. اگر توفیق رفیق باشد، در چند شماره به مباحث مختلف مربوط به احکام شرعی - به خصوص نماز و مسافرت - خواهیم پرداخت؛ اما در این شماره به یک مقدمه مهم نگاهی دوباره می‌اندازیم.

واقعاً حقیقت احکام شرعی همینه؟

شاید هنگام مطالعه رساله‌های عملیه یا در گیرودار به دست آوردن احکام شرعی، این سؤال برایتان پیش آمده که آیا این همه قوانین و مقررات شرعی، از یک ساختار نظام‌مند و قانونی حکیمانه تبعیت می‌کنند یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا در پشت این همه احکام پر پیچ و خم، حقیقتی هم وجود دارد یا قضیه فقط انجام یک رفتار صوری و تشریفاتی است؟ واقعیت این است که بسیاری از افراد از حد این سؤال فراتر رفته، تقریباً به این اعتقاد رسیده‌اند که احکام و ضوابط شرعی در ابتدا این قدر دست و پاگیر و مشکل‌آفرین نبوده؛ بلکه وظایفی کاملاً روشن و همه‌فهم و متناسب با عقل انسان و شرایط خاص همان زمانه بوده، اما به مرور زمان نه تنها کاربردی و معقول بودن خود را از دست داده، بلکه آن قدر به سرو ته آن قید و شاخه و تبصره و ماده، وصله پینه شده که

به قول قدما:

بس که بیستند براو برگ و ساز

گرتو بینی نشناسیش باز
یعنی از حقیقت خود فاصله گرفته و تغییر ماهیت داده و دیگر نه تنها کمک‌کار زندگی و بندگی نیست، بلکه دست و پاگیر و به قول بچه‌ها حال‌گیر هم هست. مثلاً همین مسئله مجسمه‌سازی، در صدر اسلام به علت اینکه تا چند سال پیش از آن بت‌پرستی و دولاراست شدن پیش مجسمه‌های سنگی و گلی کار هر روز مردم بود، اسلام ساختن مجسمه را حرام اعلام کرد تا فیل خلائق یاد هندوستان نکنند. اما الان که دیگر این حرف‌ها معنا ندارد و بت‌پرستی به ذهن یک مسلمان خطور هم نمی‌کند، باز همان حکم حرمت ساختن مجسمه به قوت خود باقی است.

یا همین معضل نماز مسافر که گریبان‌گیر هر دانشجو و طلبه و سربازی است. در صدر اسلام چون با اسب و الاغ و قاطر جابه‌جا می‌شدند، با طی کردن چهار فرسخ (حدود ۲۲/۵ کیلومتر) الحق و الانصاف جان را کب و مرکوب بالا می‌آمد و خدامی‌داند در آن گرما و زمان طولانی، دورکعتی شدن نمازهای چهاررکعتی چه نعمتی بود. اما الان که دیگر به جای آن حیوانات چهارپا، مرکب‌های شش‌سیلندر، آدم را جابه‌جا می‌کنند و با احتساب ترافیک و هزار گرفتاری دیگر، حداکثر یک ربع طول می‌کشد این مسافت طی شود.

با اجازه خوانندگان محترم همین‌جا از خودمان یک تشکر جانانه بکنیم از طرف همه افرادی که این سؤال یه جورایی ته

شاید هنگام مطالعه رساله‌های عملیه یا در گیرودار به دست آوردن احکام شرعی، این سؤال برایتان پیش آمده که آیا این همه قوانین و مقررات شرعی، از یک ساختار نظام‌مند و قانونی حکیمانه تبعیت می‌کنند یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا در پشت این همه احکام پر پیچ و خم، حقیقتی هم وجود دارد یا قضیه فقط انجام یک رفتار صوری و تشریفاتی است؟

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

بیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۱۳

حقوق

5

80

90

25

مصلحت‌سازی‌ها
فلسفه بافی‌های مابرای
احکام شرعی، خود
قصه پرغصه‌ای است
که سال‌هاست گریبان
دین را گرفته است.
مامعتقدیم خداوند
حکیم، احکام خود را
بر اساس مصالحی
حکیمانه تعیین و
تنظیم فرموده، اما در
بسیاری از موارد این
مصالح برای ما بیان
نشده و این ماییم که
خودمان برای واجبات
و محرمات، فلسفه‌ای
می‌سازیم و با نبود آن
مصلحت و ملامت،
برای آن حکم شرعی
تاریخ انقضاصادر
می‌کنیم؛ درحالی‌که
این کمال ساده‌انگاری
و سطحی‌نگری است؛
زیرا در بسیاری از موارد
برداشت‌های ما غلط از
آب درمی‌آید

ماه‌نامه فرهنگ ترویجی
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۱۴ قوت

40

15

30

دلشان بود و نمی‌توانستند آن را این‌طور
پرملاط و جالب و مزین به دو مثال جانانه
مطرح کنند. اما خواهشمندیم کانال را
عوض نفرمایید و صفحه را ورق نزنید؛ یعنی
کمی دندان روی جگر بگذارید تا جواب را
هم عرض کنیم.

و اما جواب

اولاً: خیال همه را راحت کنیم که قضیه
احکام شرعی هیچ وقت به این راحتی‌ها
نبوده است. در سال‌های آغازین اسلام به
خاطر سطحی بودن درک دینی افراد، خیلی
از احکام و واجبات و محرمات به صورت
کامل و دقیق تشریح نشده بود؛ اما در زمانی
کوتاه، فقه به عنوان علم شناخت حلال و
حرام و تعیین وظایف شرعی، جای خود را
در جامعه اسلامی باز کرد و اهل بیت علیهم‌السلام
بخش عمده اوقات خود را صرف تعلیم و
حل اشکالات و پاسخ به سؤالات و مسائل
فقهی می‌کردند. جالب اینکه همیشه
افرادى بودند که دلشان می‌خواست خیلی
از مسائل را زیرسبیلی رد کنند و خیلی گیر
ندهند؛ یعنی این‌طور وانمود کنند که مسائل
شرعی آن قدرها هم جدی نیست. برای
نمونه، روزی مردی خدمت امام باقر علیه‌السلام
رسید و گفت: اگر یک موش در داخل یک
ظرف بزرگ روغن مایع بیفتد و بمیرد، چه
باید کرد؟ حضرت فرمود: نباید از آن روغن
خورد. مرد که حاضر نبود به خاطر تماس
یک موش کوچک از یک خمره بزرگ روغن
زیتون بگذرد، گفت: این موش کوچک‌تر و
کم‌ارزش‌تر از آن است که از روغن بگذرم.
حضرت فرمود: تو موش را کوچک نشمردی،

بلکه دینت را کوچک و کم‌اهمیت شمردی.^۱
از این قبیل روایات به خوبی روشن می‌شود
که مسائل شرعی حتی در زمانی که به خاطر
یک موش کوچک از یک ظرف بزرگ روغن
نمی‌گذشتند، به طور جدی و ضابطه‌مند
به مخاطبان ارائه می‌شد و توقع رعایت و
حساسیت در قبال آن وجود داشت.

دین خدا و عقل گنجشکی ما

ثانیاً: نگاه ساده و سطحی به احکام و مسائل
شرعی ممکن است دوری از ساختار منطقی،
مستدل و نظام‌مند احکام شرعی را به ذهن
متبادر سازد؛ اما انصاف قضیه این است که
نمی‌توان با حساب‌های ظاهری و دودو تا
چهار تایی عقل گنجشکی خودمان به این
نتیجه‌ها رسید. روایت زیبایی ابان بن تغلب
از اصحاب امام صادق علیه‌السلام. نمونه واضحی
از نظام‌مندی فقه اسلام است:

روزی ابان به محضر امام رسید و پرسید: اگر
کسی یک انگشت زنی را قطع کند، چقدر
دیه باید بپردازد؟ حضرت فرمودند: ده شتر.
دو انگشت چطور؟

بیست شتر.

سه انگشت؟

سی شتر.

و چهار انگشت؟

بیست شتر.

ابان با تعجب گفت: سبحان الله با قطع
سه انگشت سی شتر ولی چهار انگشت
بیست شتر؟! ما این حکم را در عراق شنیده
بودیم ولی آن را دروغ خواندیم و راوی آن را
شیطان نامیدیم! حضرت فرمودند: آهسته!
آرام باش ابان! این حکم رسول الله است که

یا همین معضل نماز
مسافر که گریبان گیر
هر دانشجو و طلبه
و سرپازی است. در
صدر اسلام چون با
اسب و الاغ و قاطر
جایه جامی شدند، با
طی کردن چهار فرسخ
(حدود ۲۲/۵ کیلومتر)
الحق و الانصاف جان
راکب و مرکب بالا
می آمد و خدامی داند
در آن گرما و زمان
طولانی، دورکتی
شدن نمازهای
چهار رکعتی چه نعمتی
بود. اما الان که دیگر
به جای آن حیوانات
چهارپا، مرکب های
شش سیلندر، آدم را
جایه جامی کنند و با
احتساب ترافیک و
هزار گرفتاری دیگر،
حداکثر یک ربع طول
می کشد این مسافت
طی شود.

چه بسا یک حکم شرعی دارای ملاک ها و مصالح متعددی باشد که با نبودن بعضی از آنها هنوز ضرورت برقراری آن حکم برای مسلمانان وجود داشته باشد. جدای از آنکه دلیل اصلی تکالیف شرعی، تعیین میزان اطاعت پذیری و تسلیم بودن بندگان در برابر اوامر و نواهی خداوند است که این دلیل، بالاتر و پیشتر از همه حکمت ها و مصالح احتمالی قرار می گیرد. در نتیجه مثلاً چنانچه بر فرض یکی از حکمت های حرمت گوشت خوک وجود انگل ها و بیماری های ویژه آن باشد، نمی توان به مجرد تولید دارو یا موادی که باعث نابودی آن انگل ها و بیماری ها می شود، حکم به حلال بودن مصرف این گوشت داد و حکم حرمت را پایان یافته خواند.

بله دوستان! باید قدری از سطحی نگری فاصله گرفت. قرائن و شواهد بسیاری وجود دارد که همین آداب و رسوم و ریزه کاری های شرعی، آثار و نتایجی در باطن کارها ایجاد می کند که بر چشم ظاهربین ما مخفی است. امیدواریم این بحث نسبتاً مبسوط و دنباله دار، قدری از دغدغه ذهنی خیلی از شما دوستان درباره ریشه و اساس احکام شرعی را پاسخ گفته باشد. اگر توفیق باشد، در شماره های بعد به توضیح احکام شرعی در مسافرت ها خواهیم پرداخت.

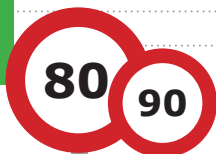
زن تا یک سوم دیه کامل، همسان و همانند مرد دیه می گیرد؛ ولی در بیش از آن، نصف مرد. در بیش از سه انگشت دیه بیش از یک سوم می شود و طبق قاعده به نصف تبدیل می گردد. در انتها حضرت جمله زیبایی فرمودند: ای ابان! سنت هرگاه با قیاس (و حساب و کتاب عقل خودمان) بررسی شود، دین نابود می گردد. ^۲ بالا غیرتاً اگر این توضیح حضرت نبود، ما هم به راحتی این حکم را ناعادلانه و غیرمنطقی نمی دانستیم؟

هر چه آن خسرو کند شیرین بود

ثالثاً: مصلحت سازی ها و فلسفه بافی های ما برای احکام شرعی، خود قاصه پرغصه ای است که سال ها است گریبان دین را گرفته است. ما معتقدیم خداوند حکیم، احکام خود را بر اساس مصالح حکیمانه تعیین و تنظیم فرموده، اما در بسیاری از موارد این مصالح برای ما بیان نشده و این ماییم که خودمان برای واجبات و محرمات، فلسفه ای می سازیم و با نبودن آن مصلحت و ملاک، برای آن حکم شرعی تاریخ انقضا صادر می کنیم؛ درحالی که این کمال ساده انگاری و سطحی نگری است؛ زیرا در بسیاری از موارد برداشت های ما غلط از آب درمی آید؛ مثلاً در همین مسئله مجسمه سازی در بسیاری از روایات مربوط به آن، دلیل دیگری برای حرمت آن ذکر شده؛ نه ترویج و یادآوری بت پرستی. افزون بر اینکه اگر آن ملاک و مصلحت هم صحیح باشد، انحصار یک حکم شرعی در همین ملاک و فلسفه معلوم نیست.

پی نوشت ها

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۰۶.
۲. کلینی، کافی، ج ۷، ص ۳۰۰.





مقدمات و تعقیباتِ نماز مدیران!

همان‌گونه که برای کیفیت بخشی به نماز فردی، آداب و راهکارهایی برای مقدمات، مقارنات و تعقیبات وجود دارد، مدیر و مسئولی که دغدغه اقامه نماز را در محیط کاری خود دارد، بداند که برای هرچه بهتر اقامه کردن نماز در محیط کاری، مقدمات، مقارنات و تعقیباتی به عهده آنهاست که تا به آنها عمل نکند، سخن از کیفیت بخشی اقامه نماز و تعهد به آن، ادایی است گزاف!

حاکم اسلامی، به محمد ابن ابی بکر نماینده حکومت و بالاترین مقام مدیریتی آن روز مصر می نویسد: «همیشه نماز را سر وقت بجای آر... بدان که تمام اعمال و رفتار پیرو نماز خواندن است»^۱. مقام معظم رهبری در این باره به مدیران دستور می دهند که: «مدیران دستگاه های اداری و دولتی، خود متصدی اقامه نماز در آن دستگاه ها شوند»^۲.

تحقیقات میدانی نشان می دهد که کارمندان به حضور و عدم حضور مدیران ارشد و مسئولان بلند پایه در نمازهای جماعت، توجه ویژه دارند. تحقیقی در سال ۱۳۸۷ از سوی ستاد اقامه نماز با همکاری معاونت فرهنگی ـ اجتماعی وزارت کار و امور اجتماعی صورت گرفته است که جامعه آماری آن، کارمندان بخش های مختلف وزارت کار و امور اجتماعی بوده اند. حدود

مقدمات

برای اقامه هرچه بهتر نماز در محیط اداری مقدماتی لازم است؛ از جمله آنها:

۱) اهتمام و اولویت دهی مدیران مقدمه اساسی، اهتمام خود مدیران به اقامه نماز است. اهتمام مدیر به نماز در حکومت اسلامی توصیه نیست، وظیفه است. امیرمؤمنان علی ع، به مثابه پیشوای

۹۰٪ کارکنان و کارمندان از انتظار خود نسبت به حضور مسئولان و مدیران ارشد همگام با کارمندان در نمازهای جماعت، سخن به میان آورده‌اند.^۲ این رقم گویای این حقیقت است که حضور مدیران و مسئولان بلندپایه در حضور و دلگرمی کارمندان سطوح مختلف اداری به نماز نقش بسزایی دارد.

اهتمام مدیران ارشد به نماز فقط به حضور جدی آنها در اقامه نماز منحصر نمی‌شود؛ بلکه باید اهتمام خود را در برنامه‌ریزی‌ها، اختصاص بودجه و به‌کارگیری نیروهای پرتوان در این زمینه نشان دهند. بنابراین اگر مدیری در برنامه‌ریزی‌ها، نماز را در صدر قرار نداد، بودجه لازم را اختصاص نداد، از نیروهای ضعیف در فرهنگ‌سازی اقامه نماز استفاده کرد، سخن او درباره اقامه نماز شعاری است که نشان از بی‌تعهدی حقیقی او دارد!

مقارنات

هنگام اذان و اقامه نماز نیز اعمالی برای مدیران و برنامه‌ریزان وجود دارد که برای کیفیت بخشی اقامه نماز لازم است.

۱. رسا بودن صدای اذان

اذان یک دعوت عمومی به نماز نیست. اذان دعوتی خصوصی از جانب خداوند به یکایک مؤمنان است؛ بنابراین وظیفه مسئولان، رساندن زیبایی این ندای دعوت به افراد حاضر در محیط تحت مدیریت آنها است. در این بین بهترین صدا، اذانی است که خود کارمندان در فضای اداری طنین‌افکن کنند. گاهی مصنوعی بودن

صدای اذان است که سبب می‌شود توجه کمتری به آن شود؛ اما اگر مدیر یا کارمندی در سالن اداره شروع به گفتن اذان کند، این دعوت اثربخش‌تر است.

۲. جذاب برگزار کردن نماز

یکی از عوامل جذابیت نماز در محیط اداری طولانی نکردن آن است. امیرمؤمنان (ع) می‌فرمایند: «آخرین سخنی که با آن از محبوب دلم رسول خدا ﷺ جدا شدم این بود که فرمود: ای علی وقتی نماز می‌کنی چنان نماز کن که متناسب با حال ضعیف‌ترین مأمومین پشت سرت باشد».^۴ عامل دیگر، دعوت از پیش نماز شایسته است. امام جماعت منبع اطلاعات و معارف مذهبی مأمومان و الگوی رفتاری آنها به شمار می‌رود. در تحقیقی که بر کارمندان وزارت کار انجام پذیرفته، قریب ۸۳٪ پاسخ دهندگان مقبولیت امام جماعت را به عنوان عنصر تأثیرگذار در استقبال کارکنان از نماز جماعت عنوان کرده‌اند و بیش از ۵۰٪ معتقد بوده‌اند که از عوامل دلسردی افراد به نماز جماعت و اقتدا به پیش نماز، رفتار پیش نماز در دیگر مواقع است.

عامل دیگر، توجه به به کرامت انسانی کارمندان است. گاهی ارتباط نادرست و ناراحتی کارمندان از مدیر و از طرفی حضور این مدیر در نماز، سبب دوری آنها از نماز می‌شود؛ بنابراین ایجاد فضای صمیمی، میان کارمندان به خصوص میان آنها با مدیر مجموعه، زمینه‌ساز ایجاد فضای تربیتی در آنجا است.

۳. مشارکت دادن دیگران

از راهبردهای مؤثر در حضور کارمندان و



اردوهای تفریحی کوتاه مدت نمازگزاران، بسته‌های فرهنگی، فرصت آشنایی با مدیران ارشد و شخصیت‌های میانی کشوری، برگزاری مسابقه پرسش و پاسخ و در نظر گرفتن جایزه برای پاسخگویان، برگزاری نمایشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی با تخفیف قابل اعتنا در نمازخانه‌های ادارات، انگیزه حضور در نماز جماعت را در میان کارکنان ادارات تقویت می‌کند.

تعقیبات

وظایف مدیران به اقامه نماز تمام نمی‌شود و برای بعد اقامه نیز در راستای مداومت بر نماز و کیفیت بخشی آن در آینده، برای آنها وظایفی وجود دارد. از جمله آنها تکریم نمازگزاران و خادمان آنها است. تجلیل از کسانی که در مسیر فرهنگ سازی نماز در

مدیران در نماز جماعت این است که آنها نیز در برگزاری مراسم و برنامه ریزی آن سهمی داشته باشند. در صورت حضور و مشارکت آنان در برنامه ریزی‌ها و اجرای مراسم، با برنامه‌ها احساس بیگانگی نکرده و همدلانه با آن برخورد می‌کنند.

۴. پیوند خدمات رسانی‌ها با اقامه نماز

انسان‌ها آمیزه‌ای از روح و جسم‌اند و تعلقات و نیازهای مادی و معنوی را توأمان دارند. هر دو بُعد زندگی انسان در شکل دهی حقیقت و فراهم سازی تکامل او سهم دارند. بنا بر این اصل، باید در برنامه ریزی‌ها به هر دو جنبه توجه شود. در قرآن هرگاه از نماز سخن به میان آمده، از رفتارها و عملکردهای دنیوی و اجتماعی نیز سخن گفته شده که گویای این امر است که نماز باید با برخی رفتارهای دیگر، همراهی داشته باشد. از جمله آنها، همراهی نماز با مشورت، زکات، قرض الحسنه، انفاق، قربانی، تزکیه، امر به معروف و نهی از منکر، خدمات اجتماعی و برادری است. نمود این همراهی می‌تواند با فعال کردن گروه‌های خدمات اجتماعی نظیر بسیج، هلال احمر میان نمازگزاران، بنیان گذاری صندوق قرض الحسنه نمازخانه، برگزاری جلسات اداری قبل از ساعات نماز یا بعد از ساعات نماز، برگزاری جلسات مشاوره یا اخلاق خانواده به صورت گروهی یا عمومی در نمازخانه باشد. در همین راستا می‌توان بسیاری از برنامه‌های پاداشی را که در طول سال برای کارکنان در نظر گرفته می‌شود، به بعد از نماز و در نمازخانه موکول کرد تا سبب شرکت بیشتر افراد در نماز و تداعی نماز با خاطرات خوش شود.

این نوشتار عمده محتوای خود را به سمت و سوی مقوله پژوهش در حوزه پژوهش‌های نماز محور در علوم مختلفی مانند روان شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فقه و دیگر علوم سوق داده و با عنایت به مسئله، اهداف، اهمیت و محوریت موضوع، درصدد تبیین و پیشنهاد موضوعات علمی در تحقیق‌های این چنینی و ارائه ساختار مناسب «نظام پژوهشی» نماز محور است.



معنوی را با خطی مشی آنان سامان خواهند بخشید. به همین مناسب شایسته است روزی به نام «روز نماز» یا «روز نمازگزار» اختصاص داده شود و در همین روز، در سطوح مختلف اداری و کشور، مدیران و کارمندان مقید به نماز مورد تقدیر قرار گرفته و تجلیل شوند.

اداره تلاش می‌کنند یا تکریم برخی نمازگزاران جوان به ویژه کسانی که از روند بی‌نمازی یا سبک‌شماری تغییر مسیر داده‌اند. در قرآن الگوی تجلیل به کار گرفته شده است. در سوره مبارکه معارج نمازگزاران مورد تکریم قرار گرفته و با صفات شایسته تجلیل شده‌اند و «مورد اکرام الهی قرار گرفتن»^۱ را به آنان بشارت داده‌اند.

با تکریم و تجلیل از خادمین فرهنگ نماز و نیز افرادی که با تلاش فراوان، اهتمام به نماز را در زندگی خود ارتقا داده‌اند، زمینه تشویق دیگران به نماز فراهم می‌گردد. کاربرد اصلی این راهبرد این است که افراد خاصی که جلوه‌های معنوی بیشتری در زندگی کاری‌شان حاکم ساخته‌اند، به عنوان الگوی کارمند و یا مدیر ادارات معرفی گردیده و دیگران تقیدات خود نسبت به امور

پی‌نوشت‌ها

۱. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۳۸۴، ۳۸۵.
۲. پیام مقام معظم رهبری به ششمین اجلاس نماز؛ ۱۳۷۵/۶/۳۱.
۳. رضا علی‌اکبری معلم، بررسی نگرش کارکنان وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به شرکت در نماز جماعت، ناظر تحقیق: محسن شریف‌زاده، ۱۳۸۷، زیر نظر ستاد اقامه نماز.
۴. شیخ صدوق؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸۳.
۵. «أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ». معارج: ۳۵.

کوتاه و خواندنی از نماز

سمانه بغیری

یادداشت



نکته اول

نماز صبح و بهداشت خواب

انسان‌ها به طور معمول یک سوم عمر خود را در خواب به سر می‌برند. در علم پزشکی تأثیر خواب بر جسم و روان انسان به اثبات رسیده است و تغییرات خواب می‌تواند نشان‌دهنده زمینه ابتلا به بیماری باشد. برای مثال در اشخاصی که به افسردگی مبتلا هستند، میزان خواب به طور چشمگیری افزایش یا گاهی نیز به ندرت کاهش می‌یابد. تغییرات خواب در بسیاری از بیماری‌های جسمی نیز مشهود است. با این مقدمه می‌توان گفت بهداشت خواب که شامل خواب خوب، به اندازه و به موقع می‌شود، یکی از موارد جلوگیری از ابتلا به بسیاری از بیماری‌ها خواهد بود و عوامل مؤثر در منظم کردن بهداشت خواب، به

نحوی پیشگیری‌کننده و حتی درمانگر بسیاری از مشکلات جسمی و روانی به شمار می‌روند. آنچه امروز در ایجاد بهداشت خواب توسط جدیدترین منابع علمی دنیا توصیه می‌شود، بیدار شدن صبح‌ها در یک زمان مشخص از خواب است.^۱ دین اسلام به عنوان آخرین دین الهی که شامل برنامه‌های دنیایی و آخرتی است، با برنامه‌ریزی ساعات نماز، علاوه بر توجه به بُعد معنوی و رشد روحی انسان به واسطه عبودیت خداوند، به دنبال سلامتی بدن و روان وی نیز بوده است. با نگاهی به ساعات نماز صبح که در طول سال و با توجه به حرکت وضعی و انتقالی زمین، زمانی مشخص و معین است، متوجه این امر خواهیم شد که وجوب نماز صبح در این زمان به بهداشت خواب انسان

ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۲۰

کوتاه

به طور قطع كمك خواهد كرد؛ چیزی که شاید در تجربه های شخصی افراد مشهود باشد. نشاط، سرحالی و شادابی افرادی که مرتب در این زمان بیدار می شوند، بر کسی پوشیده نیست و این افراد کمتر در معرض بیماری هایی هستند که به واسطه تغییرات خواب و نامنظم بودن آن پیش می آید.

نکته دوم

نماز صبح و تأثیر آن بر شادابی

خنده بر هر درد بی درمان دوا است. گاهی از بزرگ ترها این ضرب المثل را می شنیدیم، ولی در عالم کودکی فکر می کردیم کاربرد این ضرب المثل هم مانند مابقی آنها برای این است که جمله ها از عریضه و نمک خارج نباشد. ولی حداقل در مورد این جمله امروزه پزشکی به این نتیجه رسیده است که کسانی که لب های خندان تری دارند و در طول روز بارها و بارها دندان های نیششان به واسطه خنده و لبخند بر دیگران نمایان می شود، به مراتب کمتر از کسانی که ابروهای درهم کشیده و چهره ای عبوس و ناراحت دارند، دچار بیماری های جسمی و روانی می شوند. شادابی و عواملی که باعث شادی های واقعی و نه کاذب می شوند، همواره به سلامت جسم و روح انسان كمك کرده اند. صرف نظر از ذهن و روح قوی که در بسیاری از موارد مانع از بیماری های جسمی نیز می شود، «افزایش يك ماده شیمیایی به نام دوپامین در بدن سبب می شود انسان بدون آنکه بخواهد، دچار ناراحتی شود و کاهش این ماده نیز سبب شاد شدن غیر ارادی انسان

خواهد شد».^۲ از طرف دیگر افزایش ماده شیمیایی به نام کورتیزول در بدن که در ساعات های سحرگاهی حجم آن در بدن به شدت افزایش می یابد، باعث شادی و نشاط غیر اختیاری انسان خواهد شد؛ البته به شرطی که در این ساعات ها انسان در خواب نباشد. کورتیزول ماده ای است که می توان به عنوان منبعی نشاط آور برای فعالیت های روزانه از آن نام برد.

با کمی مسامحه و ذوق می توان گفت آنچه در ادبیات عرفا و شعرا از آن به «اسرار سحر» یاد می شود و در علم پزشکی امروز به عنوان سرخوشی صبحگاهی شناخته شده است (البته با يك نگاه فیزیولوژیکی)، می تواند همان کورتیزول باشد. بنابراین ضرب المثل فوق و اینکه «سرخیز باش تا کامروا باشی» از جمله داروهایی است که همواره انسان ها آن را برای شاد زیستن و سالم ماندن به یکدیگر توصیه می کرده اند. با این رویکرد تأکید بر سرخیزی در اسلام به عنوان امری مستحب و همچنین اقامه نماز صبح به عنوان امری واجب، می تواند یکی از عوامل مهم در شادابی و نشاط برای انسان به شمار رود. در پایان این شعر حافظ را به عنوان حسن ختام می آوریم:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

پی نوشت ها

۱. با اقتباس از: هارولد کاپلان و پنجامین سادوک، روان پزشکی، ترجمه نصرت الله پورافکاری، ج ۳، ص ۱۱۱.
۲. همان.





غلامحسین صفری

یادداشت

فرصت‌ها المثنی ندارند

دانایی‌ها و توانایی‌های مدیریت اقامه نماز

بگذریم. هیچ امکانی بالاتر از فرصت‌ها نیست. فرصت‌ها داشته‌های ما هستند. فرصت‌ها را کجا هزینه می‌کنید؟

انبیاء و فرصت‌ها

سخن‌گفتن از قصه بندگان مخلصی که نامشان لایق ثبت در کلام الهی شد، کسانی که جز خدا را نپرستیدند و جز رضای او ترازوی دیگر ندیدند و از سفره خان کرمش جز او نخواستند، «مشق بندگی» است. اگر قصص قرآن به شهادت قرآن، برای عبرت و

امروزه اجلاس‌ها، سمینارها، کلاس‌ها و حلقه‌های متعددی درباره نماز تشکیل می‌شود و سخن بسیار سرمی‌دهند؛ اما دریغ از ارائه راهکاری و بیان تکنیکی که فرستنده را دارا و گیرنده را سرشار کند. کمبودها و ضعف‌ها را درکجا باید جست؟ در رفتار دینداران یا در بیان و عمل فرستنده‌ها؟ یا اینکه اصلاً گیر از گیرنده‌هاست؟ شاید هم رقیب، میدان را از ما ربوده و مجال جولان را تنگ کرده؟ یا نبود ردیف بودجه که امور مالی، خالی از دارایی‌ها...

ماهنامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۲۲
قوت



آموختن ملاک‌های الهی است و اگر غرض، معرفی الگویی برای هدایت مسلمانان، داستان رسالت موسای کلیم علیه السلام عبرتی است آموختنی و الگویی است هادی. الهام‌گیری از این داستان، افق‌هایی روشنی را پیش روی ما می‌گذارد تا بیابیم موسای کلیم فرصت پیش آمده را کجا و چگونه صرف می‌کند. روایت رسالت موسوی علیه السلام در سوره طه از برگزیدگی او برای مأموریتی رقم می‌خورد و او شایسته انجام دستوری می‌شود که بشر برای آن خلق شده و آن «بندگی» است و نماد آن، نمازی است که نشانگر حد بندگی و ستون خیمه دینداری. بنابراین آنانی که فرصت یافتند و خواهان خرج این فرصت در اقامه دین‌اند و طالب احتزاز پرچم حاکمیت بر عرصه عالم‌اند و کسانی که به غیب روی آورده‌اند و به متاع قلیل دنیا رضایت نداده‌اند، باید ستون‌ها را برپا کنند که ستون‌ها خواندنی نیستند، برپاکردنی‌اند و این خود، رزق دانایی و توانایی قابل توجهی می‌طلبد. این فرصت طلبان شایسته، بایسته تمسک به قرآن و اقامه نمازند: «وَالَّذِينَ يَمْسِكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ»^۱.

و حکم خداست بر انسان که عطیه تمکّن و توانایی را در اولویت‌ها این‌گونه هزینه کند: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...»^۲.

نماز هم سنگین است و هم بهترین موضوع^۳ و چنان جدی است که تعطیلی ندارد. در گاه سفر تخفیف داده می‌شود و در زنان معذور، تبدیل به ذکر و دعا و قرائت

قرآن می‌شود؛ چون رزق جان است و تحریم عبادت باعث توقیف عبودیت است و توقف نیز نقض غرض است؛ بنابراین اقامه چنین صلاتی، مدیریتی در خور می‌طلبد و تحقق این امر نیاز به راه‌کارهای ویژه‌ای دارد. با این مقدمات و با الهام از گزارش تاریخی قرآن از رسالت حضرت موسی علیه السلام، به سیره آن حضرت در یافتن چگونگی بارورکردن فرصتی که خدا به او عطا فرمود، می‌پردازیم.

اصول و شیوه‌های مدیریت اقامه نماز

مدیریت اقامه نماز همچون دانش‌های دیگر اصول و روش‌هایی دارد؛ از جمله آنها فراگیری مهارت‌ها و پرداخت به اولویت‌هاست که مدیر را در انجام مسئولیت صحیح یاری خواهد کرد.

دو اصل در اقامه فرهنگ نماز اجتناب‌ناپذیر است: یکی دانایی و دیگری توانایی.

۱. دانش با دانایی

دانش، دانستنی که ثمره‌اش دانایی است. ممکن است کسی اطلاعات زیادی درباره نماز داشته باشد؛ اما این اطلاعات باوری برای او به ثمر نمانند. این اطلاعات فقط حجم متورمی از اندوخته‌هایی است که نه تنها باعث تحرك نیست، باعث توقف است. مقصود ما از دانستن، آگاهی‌هایی است که نتیجه‌اش باور و نشر آن موجب باروری است. گفته‌هایی به رفتاری انجامد که از افق باورها طلوع کرده باشد. از نماز گفتن، همچون دور حوض دویدن است، نه از حوض سیراب شدن. انسان‌ها چون

با درک این حقیقت که برپایی نماز یعنی اقامه دین خدا و بندگی خدا و دمیدن روح تعبد و معنویت در پهنه جامعه، اکنون خود قضاوت کنیم مدیری که برپایی نماز روزی‌اش شده، باید چه همتی به کار گیرد و چه راهکاری پیش روی گذارد.



تغییر می‌کنند، از نماز، هم باید گفت و هم باید شد. انسان‌ها شدن را از گفتار کسی می‌گیرند که خود مسیر شدن را طی کرده باشد؛ خلاصه آنکه نماز دیدنی است.

۲. مهارت با توانایی

مهارت، توانستنی است که محصول آن توانایی است. کسانی قادر به برپایی نماز و ترویج آن‌اند که توانایی لازم را با کسب مهارت‌ها به دست آورده باشند. با کلی‌گویی‌های ملالت‌آور و پندهای تکراری، وقت‌ها را پر می‌کنیم، نه دل‌ها را. لازم است راهکاری (تاکتیک) و فنی (تکنیک) در پیش گیریم. به یقین با مراجعه به کلام وحی که کتاب هدایت، شفا، رشد و بینات است، و مرور مناجات موسای کلیم با خدای حکیم، می‌توان ریشه‌هایی از اصول و مهارت‌ها و راهکارها را یافت.

درک مسئولیت و دانستن وظیفه، اولین شرط ورود به عرصه مدیریت کلان است. خدای متعال در سوره طه، ابلاغ حکم به حضرت موسی علیه السلام و مراسم معارفه او را این‌گونه به نمایش می‌گذارد:

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي: همانا منم الله. جز من خدایی نیست؛ پس مرا بندگی کن و نماز را برپا دار تا به یاد من باشی»^۴.

فرصت جن و انس از حیات دنیایی، هزینه کردن در وادی عبودیت است. عبودیت مقصد جن و انس است، نه مقصد و مقصود الهی که اگر جن و انس بندگی نکردند، خداوند از هدفش باز بماند! از آن رو که او کمال مطلق است، خودش هدف است و هدفی دیگر برای او معنا ندارد. حال اگر جن

و انس بندگی پیشه کنند، مطابق هدفی که برای آن خلق شده‌اند، عمل کرده‌اند، وگرنه زندگی آنان پوچ و بی‌ثمر خواهد بود. این فرصت عبودیت است که انسان را لایق «خلیفه الله شدن» می‌کند و این عبودیت است که نفوس اماره را شایسته نفوس مطمئنه می‌کند. عبودیت انسان را خدایی و شایسته تجلی اسما و صفات جمال و جلال الهی می‌کند: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^۵.

همین است که حکم مأموریت تمام انبیا، رساندن انسان به عبودیت است و عبودیت، بنیاد رسالت محمدهای تاریخ: «... يَا قَوْمِ اغْبُدُوا لِلَّهِ»^۶. نماد عبودیت، نماز است و فلسفه نماز توجه به حضرت باری تعالی.

با درک این حقیقت که برپایی نماز یعنی اقامه دین خدا و بندگی خدا و دمیدن روح تعبد و معنویت در پهنه جامعه، اکنون خود قضاوت کنیم مدیری که برپایی نماز روزی اش شده، باید چه همتی به کار گیرد و چه راهکاری پیش روی گذارد.

این پاره خط‌ها را در دیدارهای بعدی ادامه خواهیم داد.

راستی، نماز فرصت دیدار است. فرصت‌ها را غنیمت شمارید. فرصت‌ها المثنی ندارند!



پی‌نوشت‌ها

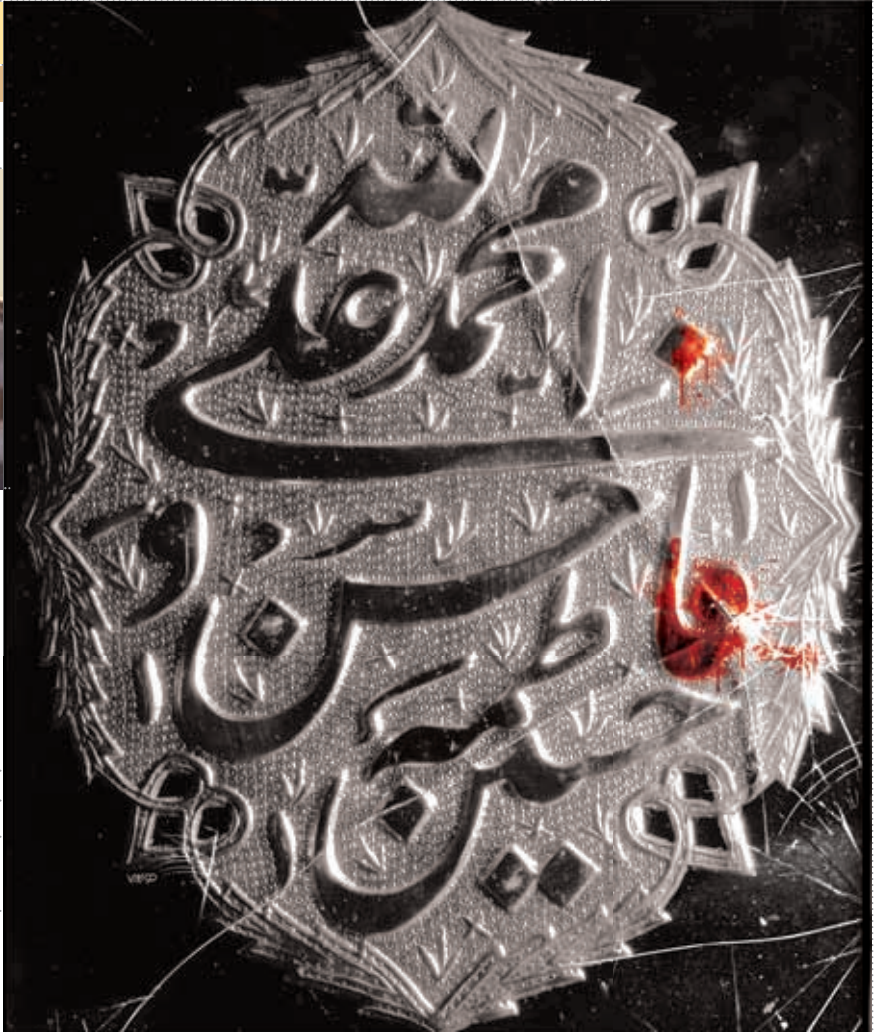
۱. اعراف: ۱۷۰.
۲. حج: ۴۱.
۳. شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۵۲۳.
۴. طه: ۱۴.
۵. بقره: ۳۱.
۶. اعراف: ۵۹.



وقتی خداوند به حضرت زهرا علیها السلام مباحات می کند

گفتگوی محمدرضا نظری با
حجت الاسلام خانجانی

مصاحبه



ماهنامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۲۵

حقوق

از تماس، به احترام حضرت زهرا علیها السلام قبول می کنند. حجت الاسلام قاسم خانجانی مؤلف، نویسنده و عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است.

معرفی: موضوع مصاحبه، سلوک عبادی حضرت زهرا علیها السلام است. در میان لیست اسامی که می گردم، نام حجت الاسلام خانجانی بیشتر از همه به چشمم می آید. بعد



◀ با تشکر از وقتی که در اختیار نشریه قنوت قرار دادید. به نظرم اگر نگاهی کلی به آیات و روایاتی ببندازیم که درباره شخصیت حضرت صدیقه طاهره هستند، خواهیم دید که یکی از مهم‌ترین مطالبی که حول شخصیت ایشان انعکاس داده شده، موضوع عبادت و نماز است. آن روزی که خداوند قرار است کوثر را به پیامبر عنایت کند، دستور به خواندن نماز می‌دهد. از وجه تسمیه آن حضرت به زهرا و تسبیحات ایشان تا توصیفات ائمه اطهار علیهم‌السلام در مورد عبادت مادر بزرگوار خود، در همه اینها نماز عنصر برجسته‌ای است. در پاسخ به اولین سؤال، بفرمایید سیره آن حضرت در اهتمام به عبادت چگونه بوده است؟

بحث اهمیت دادن ایشان به نماز را در مقام عمل باید دنبال کرد؛ یعنی باید ببینیم در مقاطع حساس زندگی چه مقدار به نماز اهمیت می‌دادند. ما یک کار پیش پا افتاده را بر نماز مقدم می‌کنیم؛ اما حضرت زهرا در مواقع حساس و بزنگاه‌ها که افراد کمتر به نماز توجه دارند، به مسئله نماز پرداخته‌اند.

◀ می‌شود نمونه‌ای را بیان کنید؟

موارد زیادی نقل شده است که من به یکی دو نمونه اشاره می‌کنم. مثلاً نقل شده که در شب زفاف حضرت زهرا علیها‌السلام وقتی ایشان به منزل حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمدند، امیرالمؤمنین علیه‌السلام دیدند که گویا ایشان در فکر چیزی هستند و حالت خاصی دارند. البته این در روایت نیامده، اما شاید گمان می‌کرده‌اند که حضرت زهرا علیها‌السلام از انتقال از منزل پدر به خانه حضرت امیر دلتنگ هستند یا در فکر موضوع خاصی هستند.

حضرت وقتی علت را می‌پرسند، حضرت زهرا علیها‌السلام جواب می‌دهند که این انتقال مرا به یاد انتقال به منزل آخرت انداخت. بعد از حضرت علی علیه‌السلام می‌خواهند که آن شب را به نماز و عبادت خدا سپری کنند. این از اموری است که کمتر کسی به آن می‌اندیشد. اولاً به این انتقال همچون انتقال از دنیا به آخرت نگاه می‌کنند. ثانیاً چیزی که در اینجا خیلی کمک می‌کند به انسان که خود را با شرایط جدید وفق دهد (البته این تعبیر بنده است و در روایت نیامده است، اما می‌شود آن را با آیات و روایات تطبیق داد)، نماز است. آن حضرت نه به تنهایی، بلکه از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌خواهند که با هم به نماز بایستند. این همان استعانت از نماز است که قرآن می‌فرماید: «استعینوا بالصبر والصلوه». همچنین می‌شود به نماز شب

این نوشتار عمده محتوای خود را به سمت و سوی مقوله پژوهش در حوزه پژوهش‌های نماز محور در علوم مختلفی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فقه و دیگر علوم سوق داده و با عنایت به مسئله، اهداف، اهمیت و محوریت موضوع، درصدد تبیین و پیشنهاد موضوعات علمی در تحقیق‌های این چنینی و ارائه ساختار مناسب «نظام پژوهشی» نماز محور است.

ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۲۶ قنوت

ایشان اشاره کرد که یک کار همیشگی و دائمی بود و در بدترین وضعیت و حتی در آخرین روزهای عمر بابرکتشان ترک نشد. اهمیت دادن به نماز در این مواقع می تواند مسئله خیلی مهم و عبرت آموزی باشد. نکته دیگر اینکه کیفیت نماز نیز مسئله ای مهم است. ممکن است انسان به حساب عادت، نماز اول وقت را ترک نکند که البته بسیار خوب است، اما باید همراه نماز، روح و توجه به نماز و خضوع و خشوع در نماز نیز حاصل شود. در مورد نماز حضرت در روایت آمده است که از خوف خداوند متعال نَفَس ایشان به شماره می افتاد. ما در مورد امام حسن مجتبی علیه السلام داریم که رنگ حضرت تغییر می کرد یا در مورد ائمه دیگر تعبیرهایی داریم؛ اما تعبیر «به شماره افتادن نفس» را بنده فقط در مورد حضرت زهرا علیها السلام دیده ام. ایشان آن قدر خوف داشتند که نفسشان به شماره می افتاد. گویی می خواهند در محضر سلطان بزرگی یا وجود با عظمتی حاضر شوند که آرام و قرار از ایشان گرفته می شد. درک عظمت و بزرگی خداوند باعث می شد که ایشان چنین حالی داشته باشند. البته این عظمت را همه درک نمی کنند. حضور قلب و توجه حضرت در نماز آن قدر بالا است که در برخی از روایات آمده است که در نماز حتی به صدای کودکان توجهی نداشتند. در روایات آمده است که ملائکه گهواره فرزندان ایشان را می گرداندند؛ در حالی که حضرت به نماز مشغول بودند. این نماز است که طبق روایات، خداوند متعال هرگاه حضرت فاطمه علیها السلام به نماز می ایستاد، به

فرشتگان مباحثات می کرد و می فرمود: این بنده مرا ببینید که چگونه از خوف من به نماز ایستاده است؟ این روایات نشان دهنده اهمیت نماز از نظر این بانوی بزرگوار است که باید برای ما درس و عبرت باشد.

◀ در روایات به مسائلی همچون پوشش و امور جانبی دیگر، اشاره شده است؟

در همان بحث اهمیت دادن به نماز، ایشان حتی به نوع حضور ظاهری در نماز اهمیت ویژه می دادند. مثلاً بهترین لباسشان را برای نماز قرار داده بودند و از عطر استفاده می کردند. حتی در روایتی، آمده است که حضرت در ساعات آخر عمر از اسماء بنت عمیس می خواهند ایشان را در وقت نماز صدا بزنند. تعبیر روایت این است که به اسماء می فرمایند عطر بیاور تا من خود را خوشبو کنم و لباس نماز مرا بیاور. این روایت نشان دهنده چند چیز است: اولاً لباسی مخصوص نماز دارند. ثانیاً این لباس بهترین لباس برای نماز است. ثالثاً این لباس را همیشه بر تن نمی کردند؛ یعنی با این لباس آشپزی یا کارهای دیگر نمی کردند؛ بلکه مخصوص نماز بوده است. این لباس را معطر می کنند که نشان دهنده اهمیت آن حضرت به نوع حضور ظاهری در نماز است. این اهمیت به ظاهر، باطن و وقت نماز، نشان می دهد که مجموعاً نماز در زندگی آن حضرت در بهترین جایگاه و بالاترین موقعیت در ذهن و فکر و عمل حضرت زهرا علیها السلام تبلور پیدا کرده است؛ از این رو نماز آن حضرت می تواند آثاری این چنین عمیق داشته





مجتبی و زینب کبری علیهما السلام تربیت شوند. **سیره و سبک آن حضرت در تربیت عبادی فرزندان چگونه بوده است؟** مواردی مثل همین موردی که از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده، بیشتر به تربیت عملی آن حضرت مربوط می‌شود؛ یعنی ما در این بخش باید به دو بعد نگاه کنیم: یکی تربیت عملی است؛ همانند روایتی که در وصف آن حضرت

باشد.

◀ به نظرم موضوع مهم دیگر مسئله آثار و نمود نماز در زندگی حضرت زهرا علیها السلام است. تحلیل شما از نقش نماز در زندگی آن حضرت چیست؟

در مورد آثار نماز ایشان باید گفت: برخی آثار ظاهری هستند که حتی به بدنه خانواده سرایت می‌کند. طبق روایتی مشهور، احوال حضرت زهرا علیها السلام در نماز به گونه‌ای بوده که نورافشانی می‌کرده است؛ یعنی نماز ایشان آثار ظاهری داشته که دیگران هم می‌توانستند آن را ببینند. البته این روایت بیشتر ناظر بر ملکوت است و در روایت امام صادق علیه السلام درباره علت نام آن حضرت آمده است که او را بدین سبب زهرا نامیده‌اند که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، نور ایشان برای اهل آسمان می‌درخشید؛ همان گونه که نور ستاره‌ها برای اهل زمین می‌درخشد. در روایت دیگری، امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: دیدم در شب جمعه مادرم در محراب عبادت ایستاد و تا سپیده دم دائم در رکوع و سجود بود و من می‌شنیدم که در نمازش برای مؤمنان دعا می‌کرد و نام آنها را می‌برد؛ درحالی که برای خودش دعا نمی‌کرد. پرسیدم: مادر جان، برای همه دعا کردید جز خودتان. حضرت آن جمله معروف را می‌فرمایند که: «الجار ثم الدار»؛ پسرم اول همسایه و بعد اهل خانه و خانواده. آن نماز با آن کیفیت و آثار، در بدنه خانواده و تربیت فرزندان چنین اثر عمیقی دارد و طبیعی است که به تعبیر حضرت امام (رحمه الله علیه) در این خانه گلی و خشتی، فرزندان مثل امام حسن و امام حسین



ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۲۸ قوت

است .

◀ تربیت کلامی و توصیه‌های نمازی آن حضرت چگونه بوده است؟

این مطلب به بُعد دوم تربیت عبادی ایشان ناظر است. حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند که نماز سدی در برابر نفوذ خودپسندی و غرور در جان انسان‌ها است. ایشان روی مشکل اساسی انسان انگشت گذاشته‌اند. انسان اگر به جایی نمی‌رسد، به خاطر توهم رضایت از خود است. حضرت روی همین دست می‌گذارند و می‌فرمایند نماز سدی در برابر خودپسندی است. اگر این سد به وجود آمد و موجب رضایت نفس و خودپسندی و غرور ما شد، خود را نیازمند نخواهیم دید. به لحاظ روان‌شناسی نیز ثابت شده کسی که از خودش راضی باشد، برای کسب کمالات تلاش نخواهد کرد. اگر حضرت زهرا علیها السلام می‌فرمایند نماز سدی در برابر خودپسندی است، یعنی نماز احساس نیازمندی را در انسان پدید می‌آورد. چنانچه انسان خود را نیازمند نماز بداند، دچار غرور، خودشیفتگی و عجب نمی‌شود و هیچ وقت طغیان و سرکشی نمی‌کند. طغیان و سرکشی انسان که باعث سقوط می‌شود، به فرموده حضرت زهرا علیها السلام با نماز درمان می‌شود. نماز اگر بر اساس نیاز انسان در زندگی، جایگاه خود را بیابد و انسان خود را نیازمند آن و ارتباط معنوی بداند، بسیاری از دردهایی که امروزه بسیاری گرفتار آن شده‌اند، درمان خواهد شد.

من می‌خواهم این‌طور جمع‌بندی کنم که می‌توان عبادت و نماز آن حضرت را در سه ساحت مطرح کرد. محور اول اهمیت نماز



می‌فرماید: در دنیا کسی عابدتر از ایشان نبود. این، نمایش عملی عبادت و نماز حضرت است که این‌گونه نقل شده و از میان عبادات، تأکید بر نماز ایشان بوده است. گفته شده که حضرت زهرا علیها السلام آن قدر به نماز می‌ایستاد که پاهای مبارکشان ورم می‌کرد. البته درباره سجده‌های طولانی و گریه در عبادت ایشان نیز روایات بسیاری نقل شده

نامزد انتخابات

علی بانیشی

خودش طیب بود، اما همیشه در تب می سوخت؛ تب خدمت به مردم.

توجه به نیازمندان شهرتش را دوچندان کرده بود و مردم، او را پزشکی نمونه در درمان رایگان بیماران نیازمند می شناختند؛ به طوری که حتی حق التالیفی را که بابت چاپ کتاب هایش دریافت می کرد، به کتابخانه ها و افراد نیازمند اهدا می کرد. دوست داشت در طول زندگی اش ۱۱۰ جلد کتاب بنویسد؛ اما در کنار فعالیت های انقلابی و مردمی و طبابت و ... تا زمان شهادتش فقط توانست ۴۲ عنوان کتاب را به پایان برساند. برای او نماز اول وقت بسیار اهمیت داشت؛ حتی با اینکه نویسندگی و طبابت از یک طرف و دغدغه انتخابات مجلس از طرف دیگر حسابی او را مشغول کرده و زمان را از او گرفته بود، مواظب نماز اول وقتش بود.

شب انتخابات اما، به قدری درگیر رفت و آمد و مسائل آن شده بود که مجبور بود تا نیمه های شب بیدار بماند.

شهید سید رضا پاک نژاد وقتی بیدار شد که نمازش قضا شده بود. از این مسئله به شدت ناراحت شد و گفت: اگر می دانستم یک روز نمازم به خاطر نامزد شدن قضا می شود، هرگز نامزد انتخاباتی نمی شدم.

نزد آن حضرت است که عمل به نماز اهمیت می دادند. محور دوم نقش نماز و آثار آن در زندگی آن حضرت است. همان آثاری که گفته شد و می تواند الگویی برای ما باشد. محور سوم هم توصیه های آن حضرت به نماز است.

اینکه در روایات آمده آن حضرت در محراب عبادت می ایستاد، به محل خاصی برای عبادت اشاره دارد که مثلاً حضرت گوشه ای از منزل خود را محراب قرار داده بودند یا اینکه منظور از محراب عام بوده و به نماز خواندن آن حضرت اشاره دارد؟ آن چیزی که از روایت برمی آید، حالت نماز بوده است و لزوماً یک مکان خاص منظور نیست. یعنی از روایت نمی توان فهمید که منظور مکانی خاص برای عبادت باشد؛ گرچه از روایات دیگر برمی آید که خوب است انسان محلی را در خانه به عبادت اختصاص دهد و در آنجا نماز بخواند. جایی که خلوت و ساکت باشد و انسان بتواند در آنجا به راحتی با معبودش راز و نیاز کند.

پرسش آخر بنده راجع به بازتاب نماز در منابع اهل سنت است. در کتاب های اهل سنت بازتابی از نماز آن حضرت وجود دارد؟ روایت مربوط به عابدترین بودن آن حضرت در میان مردم و تورم پاهای مبارک آن حضرت به هنگام نماز، از حسن بصری نقل شده است. اما بنده در منابع اهل سنت روایتی درباره نورافشانی آن حضرت به هنگام نماز ندیده ام؛ هرچند مهم تر از آن را از عایشه نقل کرده اند که می گفت: ما در تاریکی شب در پرتو نور چهره حضرت فاطمه پشم ریزی و سوزن نخ می کردیم.



هنر و رسانه





احسان جندقی

یادداشت

تبلیغ نماز در رسانه

گردد. در این برداشت بیشتر به تولید برنامه‌های مناسبی و تبلیغی اسلامی اکتفا می‌گردد. اما تصویر دیگری وجود دارد که به نظر می‌رسد کامل‌تر و مورد انتظار جوامع اسلامی باشد و آن اینکه مبانی و معارف اسلامی در تمام برنامه‌های رسانه ساری و جاری باشد.

برای رسانه‌های جمعی کارکردهای متعددی، از جمله اطلاع‌رسانی، تعلیم و تربیت (آموزشی) و سرگرمی و تفریح در نظر گرفته می‌شود. به بیان بسیاری از کارشناسان، کاربرد صحیح توانایی‌های

رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در زمان ما تحول چشمگیری داشته‌اند. بعد از انقلاب اسلامی ایران تغییری که در سطح رسانه‌های ایران رخ داد، اضافه شدن پسوندهای اسلامی به آنها بود. حضور تلویزیون، رادیوی ملی و مطبوعاتی که با عنوان رسانه اسلامی شناخته می‌شدند، در جامعه جدی‌تر شد و انتظاراتی را ایجاد کرد.

باید توجه داشت که دو تصویر مختلف از رسانه اسلامی وجود دارد. در برداشت اول به این میزان بسنده می‌شود که برخی برنامه‌های اسلامی از این رسانه‌ها پخش

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۳۲
قنوت

رسانه، استفاده صحیح و هم‌زمان از تمام توانایی‌های یک رسانه است. با توجه به این تعریف، تولید محتوای آموزشی یا تبلیغی در رسانه بدون در نظر گرفتن جنبه‌های سرگرمی، مضر است و کارآمدی کافی نخواهد داشت.

در علم روان‌شناسی این مسئله پذیرفته شده است که فقط از راه تغییر در درون فرد زمینه برای تغییر در رفتارهای بیرونی حاصل می‌شود و با استفاده از دوروش اعطای بینش و دعوت به ایمان، تلقی درونی انسان از امور تغییر می‌کند. بینش نوعی آگاهی عمیق و گسترده است که انسان را با واقعیت مورد نظر که در بحث ما مسئله نماز است، پیوند می‌زند و ایمان همان محرک و برانگیزاننده انسان است به سمت انجام عمل مورد نظر. کارکردهای رسانه باید به گونه‌ای باشد تا بینش فرد تصحیح گردد و انسان را به تحقق مقدمات اقامه نماز، به ویژه در اول وقت، وادارد، نه اینکه آن را مختل سازد. واکاوی وضعیت موجود و نقد محتوای رسانه‌های اسلامی در امر تبلیغ نماز از چند جنبه گوناگون قابل بررسی است.

۱. اولین و ساده‌ترین مسئله‌ای که در اینجا مطرح است، طراحی و تنظیم زمانی برنامه‌ها (کنداکتور) رسانه‌های همچون تلویزیون و رادیو است. انتظار می‌رود که برنامه‌های پخش شده به نحوی باشد که پیش از اذان مخاطبان برای نماز آماده باشند و برنامه‌های بعد از اذان نیز متناسب با حال معنوی نماز باشد یا حتی الامکان از قرار گرفتن اذان قبل یا بلافاصله بعد از یک برنامه جذاب که ذهن مخاطب را درگیر خود می‌نماید، پرهیز شود.

۲. تولید برنامه‌ها و محتوای متناسب با شرایط اجتماعی و سنی مخاطب، یکی از چالش‌های رسانه‌های عمومی کشور ما است. کارشناسان رسانه به این مسئله اذعان دارند که نمی‌توان مخاطبان را در دیدن، شنیدن یا خواندن محتوای رسانه به طور کامل از هم تفکیک نمود و به ناچار باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمود که محتوای برنامه تولیدشده برای تمام سطوح قابل استفاده باشد. اما در تنظیم و تولید برنامه‌های با محتوی دینی و به ویژه تبلیغ اقامه نماز، باید دیدگاه‌های مطرح در علم روان‌شناسی و تعلیم و تربیت در مورد سطوح مختلف جامعه را در نظر داشت.

کارشناسان علم روان‌شناسی انسان‌ها را به لحاظ سنی حداقل در سه سطح تقسیم می‌کنند. سطح نخست (سطح اخلاق پیش‌قراردادی) سطح کودکان زیر هفت سال است که در آن باید بر اساس اخلاق پیش‌قراردادی، از جایزه و تشویق استفاده نمود. سطح دوم (سطح اخلاق قراردادی) سطح کودکان هفت تا دوازده سال است که در آن قراردادهای ارزشی در جامعه مورد توجه است و مخاطب به دنبال دریافت درجه ارزشی اعطاشده و توجه دیگران است. در این سطح مخاطب ضمن نیاز به تشویق دیگران، خود را در معرض تقسیم‌بندی ارزشی سایرین در دسته‌های پسر یا دختر خوب قرار می‌دهد. سطح سوم (سطح اخلاق فوق قراردادی) که در آن انسان رشد کرده است و توانایی کافی برای تفکر انتزاعی و مجرد دارد و برنامه‌های این دسته از مخاطبان می‌تواند و باید، با استدلال منطقی



نماز می‌خورد

نگاهی به فیلم سینمایی سر به مهر

هادی مقدم‌دوست متولد ۱۳۵۰ تهران فیلم‌ساز، فیلم‌نامه‌نویس و روزنامه‌نگار است که البته چند سال اخیر را بیشتر به فیلم‌نامه‌نویسی گذرانده است. وی، کارگردانی در سینما را از سال ۱۳۸۹ با فیلم چسب زخم آغاز کرد؛ اما فعالیت سینمایی وی به سال هفتاد و حضور در گروه فیلم‌سازی «کودکانی از آب و گل» برمی‌گردد. وی سپس در سال ۸۲ در فیلم پروانه‌ای در باد به بازیگری پرداخت و پس از آن حضور وی در کالبد سینما شکل عمیق‌تری به خود گرفت و سمت و سوی نویسندگی پیدا کرد. تولدی دیگر، بی‌پولی، چسب زخم و سر به مهر، چهار فیلمی هستند که مقدم‌دوست فیلم‌نامه آنها را نوشته است و دو فیلم آخر را نیز علاوه بر نویسندگی، کارگردانی نموده است.

سر به مهر عنوان آخرین ساخته بلند سینمایی است که هادی مقدم‌دوست در آن هم‌زمان به نویسندگی و کارگردانی پرداخته که حرفه‌ای‌ترین و قابل‌عرضه‌ترین اثر سینمایی وی بوده است. سر به مهر فیلمی است که اگر به موضوع

همراه باشد.

اکنون باید با دیدی منصفانه محتوای رسانه‌های جمعی را بررسی و جستجو کرد که تا چه میزان مطبوعات یا رادیو و تلویزیون ما بر اساس سطوح مختلف مخاطبان خود، به تولید برنامه‌های جایزه‌ای و تشویقی برای کودکان و برنامه‌های عقلانی‌ترو دارای بحث‌های مستقیم یا غیرمستقیم به منظور تبلیغ امر نماز پرداخته‌اند.

۳. روش اسوه‌سازی در رسانه یک اصل پذیرفته شده است. در این روش با نمایش الگویی خوب، نمونه رفتار و کردار درست، عملاً به مخاطب ارائه می‌گردد و به‌گونه‌ای او را به پیروی از آن الگو وامی‌دارد. در همین زمینه استفاده از شخصیت‌های اجتماعی، تاریخی، ملی و مذهبی مطرح در زمینه تبلیغ نماز می‌تواند مؤثر باشد.

۴. زیبایی‌خواهی یکی از خواسته‌های فطری انسان است. این اصل مورد پذیرش همگان است که می‌توان از توجه به زیبایی‌های مادی به مثابه زمینه‌ای برای گرایش و توجه به زیبایی‌های معنوی بهره برد. اما پیش از این مرحله و بسیار ابتدای‌تر باید در نظر داشت که توجه به زیبایی‌های ظاهری و جذابیت برای مخاطب می‌تواند در تبلیغ و تهییج احساسات مثبت اخلاقی در جهت اقامه نماز بسیار مؤثر باشد. استفاده از رنگ‌های زیبا، کلام آهنگین، شعرو مواردی از این دست، گویا مسئله فراموش شده در سطح رسانه‌های ما است. با توجه به اهمیت نماز در دین اسلام، رسانه اسلامی باید تمام توان خود را در هرچه زیباتر جلوه دادن نماز به کار گیرد.

دو تصویر مختلف از رسانه اسلامی وجود دارد. در برداشت اول به این میزان بسنده می‌شود که برخی برنامه‌های اسلامی از این رسانه‌ها پخش گردد. در این برداشت بیشتر به تولید برنامه‌های مناسبی و تبلیغی اسلامی اکتفا می‌گردد. اما تصویر دیگری وجود دارد که به نظر می‌رسد کامل‌ترو مورد انتظار جوامع اسلامی باشد و آن اینکه مبانی و معارف اسلامی در تمام برنامه‌های رسانه ساری و جاری باشد.

ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۳۴

فنون

وانم پس هستم

نقد فیلم

علیرضا دهخوارقانی



شروع به خواندن نماز کرده؛ اما اینک شهادت ندارد به خواستگارش بگوید که نماز می‌خواند؛ چراکه به نوعی از این کار خجالت می‌کشد. این نکته که دختر در آخر فیلم راز خود را بازگو می‌کند، انتخاب نام «سر به مهر» برای این فیلم را دارای ایهام جلوه می‌دهد؛ زیرا هم به نماز خواندن و سر بر سجده گذاردن اشاره دارد و هم به رازی که تا آخر فیلم سر به مهر باقی می‌ماند.^۱

فیلم با قطعات و تکه‌های به هم چسبیده و مونتاژی از یادداشت‌هایی که در فضای مجازی و اینترنت منتشر شده و مطالبی که در سایت‌های جستجوگر جست‌وجو شده، شروع می‌شود. این‌گونه عنوان‌بندی حداقل در فیلم‌های ایرانی، بدیع و تازه به نظر می‌رسد و می‌توان این‌گونه بیان کرد که علاوه بر ظاهر نو و متفاوتی که دارد، به صورت هدفمند صورت‌بندی شده و کارکرد دیگری نیز برای نویسنده در ادامه خواهد داشت. به عبارتی این عنوان‌بندی ابتدایی فیلم علاوه بر اینکه مخاطب را از عنوان‌بندی‌های کلیشه‌ای فیلم‌های ایرانی خارج می‌سازد، باعث می‌شود وی از

و خط داستان آن نگاه کنیم، باید به آن لقب دینی بدهیم؛ اما چنانچه بخواهیم شاخصه‌های فیلمی با ملاحظات دینی را مدنظر قرار دهیم، شاید نتوان آن را با قاطعیت قبل، یک فیلم در ژانر دینی نامید. این جمله، نقد ناقدانی است که در خصوص دینی نامیدن این فیلم توسط کارگردان آن گفته‌اند. «برای ساختن یک فیلم دینی، تنها نیت کافی نیست». شاید این گفته مسعود فراسی، در پاسخ به این سخن مقدم‌دوست که مهم‌ترین عامل در تولید یک فیلم دینی، نیت است، مهم‌ترین نقد این فیلم باشد.

از نقدهای تند و تیز ناقدان که بگذریم، سر به مهر فیلمی است که در آن مخاطب مشاهده می‌کند که چگونه می‌توان در این دنیای مدرن و شلوغ که هر روز بر غلظت سیاهی آن افزوده می‌شود، با چنگ زدن به معنویت، به آرامش درونی دست یافت. فیلم داستان دختر تنها و خسته‌ای است که زندگی‌اش را در وبلاگش می‌نویسد و برادر دوستش از او خواستگاری می‌کند و صحبت‌های اولیه ازدواج را انجام می‌دهند. او که نماز نمی‌خوانده، بنا به وضعیت زندگی

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۳۵

عزت



سربه مهر عنوان
آخرین ساخته
بلندسینمایی
است که هادی
مقدم دوست
در آن هم زمان
به نویسندگی
و کارگردانی
پرداخته که
حرفه‌ای‌ترین و
قابل‌عرضه‌ترین
اثر سینمایی وی
بوده است. سر
به مهر فیلمی
است که اگر به
موضوع و خط
داستان آن نگاه
کنیم، باید به آن
لقب دینی بدهیم

همان ابتدا با دغدغه‌ها و سؤال‌های درونی شخصیت اصلی سربه مهر آشنا گردد. عباراتی مانند تا چه سنی می‌توان باردار شد، داروی ضد افسردگی، سایت‌ها و مؤسسات کاریابی و همه و همه، در جهت تزریق ذهنیات کاراکتر اول فیلم به مخاطب است.

صبا شخصیتی است که در تشخیص نزدیک‌ترین افرادش دچار مشکل است و هنگامی که بنزین ماشینش تمام می‌شود، از پیتزافروشی که در آنجا اشتراک دارد، طلب کمک می‌کند. او مطالبی را که در وبلاگش می‌نویسد، به اطرافیان نمی‌گوید و حتی با تلفن. و نه به صورت حضوری. از مشاوره روان‌شناس استفاده می‌کند. در صورتی که مشاور تأکید دارد که برای مشاوره بیشتر باید حضوری مراجعه کند. در مجموع همه این اتفاق‌ها ساختار اصلی فیلم را به خوبی شکل می‌دهد. داستان بسیار کم‌افت و خیز پیش می‌رود. البته شاید گفته شود و گفته نشده که کمبود اتفاقات و افت‌وخیزها با شخصیت‌پردازی‌ها جبران شده است؛ اما شخصیت‌پردازی جای اتفاقات را در فیلم نمی‌گیرد. شخصیت با کنش دراماتیک کامل می‌شود. شخصیت‌پردازی باید توجیه‌کننده رفتارها و اتفاقات مهم فیلم باشد؛ نه اینکه به واسطه شخصیت‌پردازی خوب توقع داشته

باشیم با هر کنش و رفتار ساده و کم‌جذابیتی، مخاطب، فیلم را همراهی کند.

از مباحث فنی که بگذریم، نوبت به نکات نغز فیلم و هوشمندی‌های کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس می‌رسد که در اینجا هر دو یک نفرند. وبلاگ‌نویس بودن صبا و پیوند این ویژگی با نماز، نکته بسیار در خور توجهی است. کمک خواستن‌ها و درد و دل‌های صبا با مخاطبان مجازی خود و در ادامه، هدایت این اتفاق روزمره مجازی به سمت خدا، توکل و توسل صبا به پروردگار عالم، نکته نغز و شاید پیام اصلی داستان است؛ چراکه به وضوح صبا و در ادامه مخاطب، نزدیک‌ترین و صمیمی‌ترین محمل را برای ابراز رازها و نیازها می‌بیند و فیلم به زیبایی خلوت و بلاگی را که ویژگی نسل‌های امروز و مخاطبان آشفته قرن ۲۱ است، به سوی خلوت عبادت هدایت نموده است. گویی صبا می‌گوید من نماز می‌خوانم، پس هستم.

در پایان این دو نکته قابل ذکر است که سر به مهر در جشنواره فیلم فجر سیمرغ بلورین بخش کارگردانی نگاه نو، جایزه فیلم‌سازان اول را دریافت نموده و در دومین جایزه گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان فیلم شایسته تقدیر، انتخاب شده است.

پی‌نوشت

۱. داستان فیلم به نقل از ویکی‌پدیا است.

ماهنامه فرهنگ‌ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۳۶

قنوت



انشای نماز

حمید اسماعیل زاده

همین دیروز که ما داشتیم انشاء می نوشتیم چیزی شد که ما فهمیدیم بابایمان حواسش خیلی خیلی جمع است. داشتیم جلوی تلویزیون انشایمان را می نوشتیم که...

- جلالی، یه نمره ازت کم کردم.

- چرا آقا؟

- به خاطر اینکه جلوی تلویزیون انشانوشتی. آقا ببخشید. قول می دم دیگه این کار رو نکنم.

بله ما داشتیم داخل اتاقمان انشاء می نوشتیم که صدای بابایمان بلند شد. رفتیم داخل هال و دیدیم که بابایمان جلوی تلویزیون نشسته و دارد می گوید که هر سال می گویند عیدی کارمندها را زیاد می کنند، ولی آخرش... آقا ما تازه ما عید پارسال فهمیدیم که آدم بزرگ ها هم عیدی می گیرند. ما می دانیم که عیدی کارمندان چیز خوبی است. پدرم پارسال به ما گفت که پسر من سال دیگر که عیدی بیشتری به من دادند، برایت دوچرخه می خرم. ولی من عید امسال دوچرخه نمی خواهم، موتور می خواهم!

بابایمان بلند شد و مقابل تلویزیون ایستاد. اخبار شروع شد و او به من گفت: پسر، صدای آن تلویزیون را بلندتر کن و بعد دست هایش را بالا آورد و «الله اکبر» گفت و شروع کرد به نماز.

بنابراین نتیجه گرفتیم که پدرم چقدر حواسش در نماز جمع است که همه اخبار را گوش می دهد ولی حواسش از نمازش هم پرت نمی شود.



- جلالی پاشو بیا انشاتو بخون.

- چشم آقا... موضوع انشاء: چگونه سر نماز حواسمان را جمع کنیم؟ به نام خدا

موضوع انشای ما این است که چه کار کنیم تا وقتی نماز می خوانیم، حواسمان فقط به نمازمان باشد. ما برای اینکه بفهمیم باید چه کار کنیم تا وقتی نماز می خوانیم حواسمان جمع باشد، یک تحقیق میدانی در داخل فک و فامیل و خانه مان کردیم.

- جلالی؟

- بله آقا!

- تو مگه می دونی تحقیق میدانی یعنی چی؟ - نه آقا!

- پس چرا از این کلمه استفاده کردی؟

- آقا دیشب اخبار گفت.

- ادامه بده.

بله یک تحقیق میدانی در داخل فک و فامیل و خانه مان کردیم. ما بابایمان خیلی سر نماز حواسش جمع است، و برای ما یک الگوی خوب است.

- آفرین.

ماه نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۳۷

خبرنگار



ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۲۸
قنوت

حی علی البهشت و به سرمستی مدام

مؤذن در تدارک اذان است. برمی خیزد و بانگ برمی دارد تا ندا دهد آزمونی دیگر در راه است؛ وقت آن رسیده تا مشغله، دلبستگی‌ها و وابستگی‌هایی که تو را به خود مشغول ساخته است و پایانی بر آن متصور نیست، به کناری بگذاری و

علیرضابشیری

یادداشت

وظیفه‌ای را که هستی‌آفرین بر گرده‌ات نهاده به انجام رسانی. وضو می‌سازی و مهیای انجام عبادت می‌شوی؛ به این امید که با شهادت بر حقانیت خداوند و به خاک افکندن خود در برابرش، اندک لبخندی از رضایت پروردگارت را کسب نمایی. قطره قطره آب شوی تا شاید جرعه جرعه عطش بندگی‌ات را مداوا نمایی. پرچمی را برافرازی تا به یگانه هستی و معبود بی‌همتایت بگویی: می‌خواهی از پاکان باشی و نیازمند یاری‌اش هستی.

دل را به نور عشق صفا می‌دهد نماز جان را به یاد دوست جلا می‌دهد نماز از خارزار شرک اگر بگذری به صدق

باغ تو را ز جلوه صفا می‌دهد نماز^۲ آری، مهیای نماز می‌شوی. سجاده را که می‌گشایی، حوری‌وشی آن میان خودنمایی می‌کند. چند مثقالی خاک است؛ اما چه زیبا وصال این تن خاکی را با کمال مطلق مقدور می‌سازد. با اینکه هم تو از خاکی و هم او، لیکن باید به او غبطه خورد؛ چه، خاک تو آلوده به مطامع و منافع دنیایی شده و می‌خواهد اندک اندک جسم و سپس روحت را در خود فرو ببرد و این خاک، همچنان بی‌غل و غش و پاک مانده است. این چند ساله که هر روز چند باری به دیدار یکدیگر می‌روید تا تو با یزدان پاک بیعتی دوباره نمایی، پاک مانده تا پاکی را هر روز به تو یادآور شود و برای این خاک پاک چه محفلی بهتر از میانه سجاده و تسبیح و دعا؛ و چه مکانی بهتر از پیشانی عابد هنگامه اظهار بندگی برای معبود و به هنگام تضرع و زاری ساجد برای مسجود؟

شمیم دلگشای این چند مثقال خاک هم حکایت خود را دارد. عطر دلنوازش عقل و دل را با هم به مسلخ می‌برد و وجودت را مست خود می‌نماید. بویش هُرم حرم حسینی علیها السلام را در روبه‌روی چشمانت به تصویر می‌کشد. گویی هم‌اینک ضریح شش‌گوشه سید شهیدان و یاور مظلومان را در آغوش کشیده‌ای؛ می‌بویی و می‌بوسی و راز و نیاز می‌کنی.

دست بر رویش که می‌کشی، خنکای وجودش تو را مسحور خود می‌نماید. سر را بر سجده می‌گذاری و خاک جسمت را بر خاک آستان پروردگار متعال می‌افکنی و پیشانی بر مهر بندگی‌اش می‌نهی. ناگاه خنکای مهر بر پیشانی‌ات می‌نشیند. این خنکا را که به پیشانی نچشانی و سر بر سجده در برابر معبود نگذاری، گرمایی طاق‌فرسا را خواهی چشید؛ گرمایی که ایزد منان - چه در قرآنش و چه از زبان رسول ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و چه از لسان امامان همامش (علیهم صلوه الله) - بارها و بارها یادآور شده و آن را حتمی‌ترین عاقبت خطاکارانی خوانده است که راه راست را دیده‌اند، اما سودای بازگشت به سر راه نداده‌اند.

از زمانه خلقت آدم ابوالبشر تاکنون صالحان و پاکان همگی بارها و بارها سر بر آستان خاک گذارده و دل را به سوی معبود روانه نموده‌اند و بر خاک افتادند و سر بر خاک آستان یار ساییدن را افتخار خود بر شمرده‌اند. به حق، سر بر تراب آستان یار نهادن افتخاری بس بزرگ است و چه خاکی بالاتر و والاتر از خاک مطهر بارگاه

دست بر رویش
که می‌کشی،
خنکای وجودش
تو را مسحور
خود می‌نماید.
سر را بر سجده
می‌گذاری و خاک
جسمت را بر خاک
آستان پروردگار
متعال می‌افکنی
و پیشانی بر مهر
بندگی‌اش می‌نهی.
ناگاه خنکای مهر
بر پیشانی‌ات
می‌نشیند. این
خنکا را که به
پیشانی نچشانی
و سر بر سجده
در برابر معبود
نگذاری، گرمایی
طاق‌فرسارا
خواهی چشید

نظاره‌نمایی، سخن‌ها برای بازگویی دارد. آری، خموش است و مهر بر لب دارد؛ مهری به قدمت تاریخ؛ اما گفتنی‌های بسیاری برای تو دارد. از رسول اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود خاك خبرهای گذشته و آینده تا روز قیامت را برای او باز می‌گوید و چه زیبا پیامبر گرامی ما که درود خدا بر او باد، امیرمؤمنان علی علیه السلام را ابوتراب^۳ لقب نهاد. تو نیز کافی است به گوش جان نبوش کنی.

برخیز و کمی به او گوش فرا ده و اندکی بیشتر او را دریاب، پیشانی بر رویش بگذار و پروردگار را بخوان تا ناگفته‌هایی را که باید با گوش جان نبوش کنی و حجاب دنیا مانع شنیدن آن شده است، برای تو بازگو نماید.

اما خودمانیم، آن‌که جرعه‌ای از دریای لذت بی‌منتهای نماز را چشیده باشد، به خوبی می‌داند سجده بر مهر. آن‌هم مهر تربت پاک و مطهر حسینی. لذتی ازلی و سرمستی ابدی را برای انسان معنا می‌کند. حی علی البهشت و به سرمستی مدام بی‌تو تمام لذت‌مان می‌شود حرام^۴



بی‌نوشت‌ها

۱. دانش‌آموخته خارج فقه و اصول حوزه علمیه و کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی
۲. مشفق کاشانی.
۳. ابوتراب به معنای آغشته به خاک است. رسول اکرم ﷺ، علی علیه السلام را ابوتراب نامید و فرمود: «خاك خبرهای گذشته و آینده تا روز قیامت را برای او باز می‌گوید». علامه امینی، الغدير، ج ۶، ص ۳۳۸.
۴. سید مهدی نژادهاشمی.

اهل بیت رسول الله ﷺ که همو ایشان را چراغ راه نامیده بود و اگر قرار باشد سجده بر خاک بارگاه امامان همام علیهم السلام شرک تلقی گردد، سجده بر فرش و سنگ و چوب و چیزهای دیگر شرکی بس شدیدتر است. خوب که بر مهری که بر آن سجده می‌کنی،

معرفی شاعر

یک پنجره و دو شعر

فکر همه جاهست، ولی پیش خدا نیست
سجاده زد روز که محراب دعا نیست
از شدت اخلاص من عالم شده حیران
تعریف نباشد، ابد اقصا نیست!
از کمیت کار که هر روز سه وعده
از کیفیتش نیز همین بس که قضایست
یک ذره فقط کند تراز سرعت نورا است
هر رکعت من حائز عنوان جهانی است!
این سجده آخر نکند سجده سهواست؟
چندی است که این حافظه در خدمت ما
نیست

ای دلبر من! تا غم وام است و تورم
محراب به یاد خم ابروی شما نیست
یک سکه سپردند، دو تاسکه گرفتند
گفتند که این بهره بانکی است، ربانیست!
از بس که پی نان حلالیم شب و روز
در سجده ما رونق اگر هست، صفایست
به به، چه نمازی است! همین است که گویند
راه شعرا دور ز راه عرفا نیست!

نمی دانم سعید طلایی را می شناسید یا نه؟
شاعر شعر بالا را می گویم. همان کسی که پانزده
اسفند شصت و هشت در تهران به دنیا آمد.
همان شاعری که از قضای روزگار دانشجوی
ارشد عمران در دانشگاه امیر کبیر است. باز هم
نشناختید؟ او برای مجموعه مجلات رشد و
چند تا مجله دیگر کار طنز تولید می کند. حتی
برای رادیو هم می نویسد و اجرا می کند و البته
گاهی هم برای تلویزیون می نویسد.
هنوز هم او را به یاد ندارید؟ خوب که دقت
کنید یادتان می آید. حتماً او را دیده اید،

وقتی که شعر بالا را ماه رمضان سال ۹۳ در
جمع شاعران در حضور مقام معظم رهبری
می خواند.

نماز خودم قبوله

شاید شما هم مثل من وقتی نام مصطفی
رحماندوست را می شنوید، طعم ترش و شیرین
انار را زیر زبانتان احساس می کنید.
شاعر نام آشنایی که دغدغه کودکان، محور و
اساس تمام فعالیت ها و کتاب های او است.
من یک پیشنهاد دارم برای پدر و مادرها و
برای مربیانی که دوست دارند نماز و احکام
آن را به زبان شیرین بازی در دل بچه ها
جای دهند. شما می توانید دست فرزندتان را
در دست خود بگیرید و با خواباندن یک یک
انگشت هایش ترانه زیر را که از سروده های
مصطفی رحماندوست است برایش بخوانید.
این ترانه در دل یک کتاب نشسته بود که آن
را برایتان انتخاب کردم. پنج تا انگشت بودند
که ...

چهار نفر پشت سریکی ایستاده بودند و نماز
می خواندند.
اولی گفت: مسجد ما خوشگله.
دومی گفت: حرف زدی و نماز تو باطله.
سومی گفت: تو هم که حرف زدی بابا!
چهارمی گفت: من یکی که حرف نزدم، شکر
خدا!
آن که جلو ایستاده بود،
حرف هاشونو گوش داده بود.
داد زد و گفت: نه دراز و نه کوتوله
نماز خودم قبوله ...

اکرم عیسی آبادی

مقاله



مصطفی رحماندوست



سعید طلایی

ماه نامه فرهنگی ترویجی

بیض شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۴۱

خوبت



تابلوی نماز

- عمری است در جست و جوی توام، اما هنوز قطار نمازم به مقصد تو نرسیده است.
- همه سفرهایم ناتمام مانده اند، اما می ترسم از نمازی که بی تو به پایان رسیده است.
- قنوت درخت سرشار از ذکر گنجشک ها است.
- مثل آفتابگردان باش که همیشه قبله نما می دلش فعال است.
- خدایا تو ۲۴ ساعته خدای منی، کمکم کن ۲۴ ساعته بندهات باشم.
- از جاده نماز که به سوی تو می آیم، راه نزدیک است؛ اگر گاه و بیگاه در ایستگاه مشغله های روزانه ام پیاده نشوم.
- خداوند یک بار هزار نامش را به دریا گفت. دریایی درنگ قیام کرد و سپس چنان به سجده افتاد که هیچ از هزار موج او باقی نماند.
- مردم تماشا می کردند. عده ای پیام دریا را دانستند، پس قیام کردند و چنان به سجده افتادند که هیچ از آنها باقی نماند.
- نقطه سرسبز؛ بچه ها بنویسید!
- با خط درشت، عشق را بنویسید تکلیف شب شما است در دفتر دل صد مرتبه از روی خدا بنویسید
- نیایش:
- یک لحظه شاعرانه در این صحرا قامت به نماز بسته نخلستان ها
- یک پای این معامله می لنگد هر روز بی شمار نعمت ها از تو به خاطر من و تنها هفده رکعت از من به خاطر تو!
- خوشا نماز و نیاز کسی که از سردرد به آب دیده و خون جگر طهارت کرد
- یسبح الله ما فی السموات و ما فی الارض (جمعه: ۱)
- تمامی کائنات تسبیح گوی خداوند هستند.
- طعم خدا کسی نماز نمی خوانده، به آقای بهجت رحمته می گویند که فلانی نماز نمی خواند. آقای بهجت فرمودند: بهش بگویند نماز خوشمزه است! چرا نماز نمی خوانی؟
- داستان من و نماز: قطار تمام شد. پنجره ها ولی ادامه دارند کسی که باید پیاده شود سوار نشده است

نماز و نوروز





نقطه‌ای که راه اول بودن را پیدا می‌کند

خاکی که زیرورو می‌شود، مثل مادری است که می‌تواند یک جنین را به سلامت، به مقصد برساند.

جنس خاک را طوری ساخته‌اند که به نو و تازه شدن نیاز دارد. اینکه در زمستان بخواهد و در بهار بیدار شود تا یک خاک دیگر شود؛ یک خاک نو و تازه. خاک کهنه، بی‌رمق است؛ بذرها را خوب رشد نمی‌دهد. ریشه‌ها در آن پا نمی‌گیرند.

بهار، سهم اول هر سال زمین است؛ اما نسخه زندگی‌اش را برای هر روز زمین، آدم‌ها تجویز کرده‌اند.

هر روز، یک نقطه است برای یک شروع تازه تا تن خاکی آدم‌ها از خواب بیدار شود؛ با آبی پاک وضو بگیرد، بایستد زیر باران رحمت، دست‌هایش را ببرد بالا، تکبیر بگوید، خم شود، بلند شود، به خاک بیفتد، دوباره بلند شود. کاسه خالی دست‌هایش را به طرف آسمان بگیرد تا خاک وجودش را تقویت کند، تا بذره‌های بندگی بتوانند در جان‌ش ریشه کنند و جان بگیرند.

لحظه لحظه هر نماز، یک بهار است که جان را از خواب بیدار می‌کند و دست در دست تمام هست‌ها و هستی‌ها، آدم را در میدان بزرگ قبله قرار می‌دهد. نماز نقطه آغاز همه رویش‌ها است.

نقطه اولی که اگر باشد، بقیه نقطه‌های زندگی هم درست پشت سر هم ردیف می‌شوند، بدون هیچ جای خالی.

دنیا پُر از نقطه است؛ نقطه‌های اول، نقطه‌های دوم، سوم، چهارم... نقطه‌ها، هیچ وقت تمام نمی‌شوند؛ ولی همه چیز، از همان نقطه اول شروع می‌شود.

نقطه‌ای که راه اول بودن را پیدا می‌کند، همیشه اول می‌ماند و اولین قدم می‌شود برای هرکار و راهی.

یک سال زمین هم، پُر از نقطه است. نقطه اول هر سال، درست همان لحظه‌ای است که بهار می‌آید، دست می‌گذارد روی سر زمین، آن را آرام آرام تکان می‌دهد و از خواب سرد زمستانی، بیدار می‌کند.

زمین که از خواب بیدار می‌شود، یک جور دیگری به دنیا نگاه می‌کند. به همه چیز دل می‌دهد. لباس سال قبش را درمی‌آورد. دامن سبزش را می‌پوشد و دوباره شروع می‌کند دانه‌ها را در دل خود، پرورش دهد و برایشان مادری کند.

بهار، چشمه‌ها را به شوق می‌آورد، باد و بارانش را می‌فرستد تا به درخت‌ها کمک کند، قد بکشند و ریشه‌هایشان را در دل زمین، محکم‌تر کنند.

بهار به خورشید می‌گوید: گرم‌تر بتاب تا کوه‌ها بتوانند تشنگی زمین را سیراب کنند.

بهار می‌آید تا آب و باد و باران و خورشیدش، خاک زمین را جاندارتر و محکم‌تر کنند.

نیره قاسمی زادبان

یادداشت

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۴۴





علی عبدالهی

مقاله

دو رکعت تفرج

سیره اهل بیت در سفر

ماهنامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۴۵

عقودت

فوق العاده روحی و جسمی بر زندگی دارد. بسیاری از تشویش‌ها و اضطراب‌ها، خستگی‌ها و فرسودگی‌ها، با سفر درمان می‌شود. رعایت آداب سفر، می‌تواند سفری با خیر و برکت برای انسان به ارمغان بیاورد و آدمی را از یکنواختی و روزمرگی برهاند و در عوض انبوهی از تجربه و آگاهی را به او هدیه دهد. برخی از فواید سفر عبارتند از:

«کار... کار... و فقط کار. خودم که خسته شده بودم هیچ، خانواده هم حسابی به هم ریخته بود. لحظه شماری می‌کردیم که مدرسه بچه‌ها تمام شود و از این‌همه مشغله و درگیری و دغدغه فکری دور شویم.» یکی از لذت‌بخش‌ترین تفریحات خانواده‌ها سفر و مسافرت است که آثار





بعضی ها فکر می کنند چون در سفر هستند، پس خیلی راحت باید باشند و هر کاری که دلشان خواست، می توانند انجام دهند. بعضی از این مسافران عزیز، با لباس راحتی در بازدید از اماکن عمومی و تاریخی دیده شده اند. فکرش را بکنید: مشغول بازدید از حافظیه هستید که یک عده با پیژامه و زیرپوش از کنارتان عبور می کنند.

ماهنامه فرهنگ ترویجی
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴



۱. گسترش و تقویت تعقل؛

۲. رسیدن به تعالی؛

۳. آشنایی با فرهنگ ها؛

۴. کسب تجربه؛ چنان که سعدی می گوید: «بسیار سفر باید تا پخته شود خامی».

با توجه به هدفی که انسان از سفر دنبال می کند، می توان مسافرت را به سه دسته تقسیم کرد:

۱. معنوی؛ ۲. سیاحتی و تفریحی؛

۳. کاری و برای تأمین معاش.

پیامبر گرامی اسلام فرمود: «انسان خردمند شایسته نیست جز در سه مورد از وطن کوچ کند: به قصد معاش یا ساختن توشه برای معاد یا لذتی در غیر حرام».

بعضی ها فکر می کنند چون در سفر هستند، پس خیلی راحت باید باشند و هر کاری که دلشان خواست، می توانند انجام دهند. بعضی از این مسافران عزیز، با لباس راحتی در بازدید از اماکن عمومی و تاریخی دیده شده اند. فکرش را بکنید: مشغول بازدید از حافظیه هستید که یک عده با پیژامه و زیرپوش از کنارتان عبور می کنند.

یا مثلاً چون در حال مسافرت و تفریح هستند، هر موسیقی ای را میلشان کشید، می توانند با صدای بالا بدون در نظر گرفتن حال دیگران گوش دهند.

مسافرت هم مثل خیلی چیزهای دیگر آداب و رسوم خاص خودش را دارد که برای داشتن یک سفر عالی، باید آنها را رعایت کرد. یکی از این آداب، همسفر خوب داشتن یا همسفر خوب برای همراهان بودن است. پیامبر ﷺ می فرمایند: «نخست همسفر را بیاب و بعد آماده حرکت شو».

داشتن همسفر و یار در هر سفری، می تواند سفر را لذت بخش تر و آسان تر کند؛ اما در انتخاب همسفر باید شروطی را در نظر گرفت؛ مثل همسفر شدن با فردی هم سلیقه و هم فکر؛ چراکه همسفر بد و ناهمگون، بسیار ناگوارتر و دشوارتر از بی همسفری است.

نکته دیگر اینکه در سفر گروهی باید یک نفر را به عنوان مسئول و تصمیم گیرنده نهایی انتخاب کرد تا از بروز اختلافات و ناهماهنگی ها جلوگیری شود. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هرگاه سه نفر همسفر شدند، از میان خود یک نفر را به سالاری انتخاب کنند».



باید حال همسفر را رعایت کرد و رفتاری انجام نداد که موجب ناراحتی آنها شود. بعضی‌ها فقط نقش ساز مخالف را بازی می‌کنند و تحمل ندارند کسی برخلاف میلشان کاری انجام دهد. در سفارش‌های لقمان به فرزندش آمده است: «هر گاه با گروهی همسفر شدی، در کار خود و آنان با ایشان زیاد مشورت کن و در چهره آنان بسیار لبخند بزن و آنچه را همراه داری، سخاوتمندانه در اختیار آنان بگذار و هرگاه دعوت کردند، بپذیر و هر وقت از تو کمک خواستند، به کمک آنان بشتاب و در سه چیز بر آنها پیشی داشته باش: خاموشی بسیار و خواندن نماز زیاد و سخاوتمندی



نسبت به کالاهایی که همراه داری؛ از مرکب و دارایی و توشه».^۶ در انتخاب شریک سفر و نوع سفر باید دقت کرد. هیچ کدام از اینها نباید مانعی برای انجام تکالیف باشد. اصلاً بعضی کارها هستند که انجام دادن و ندادنشان به چیزی بستگی ندارد؛ مثل غذا خوردن. یکی از این وظایف نماز است. بحث اهمیت نماز در سفر نیست؛ چراکه نماز هم مثل بعضی از کارها جزئی از سبک زندگی دینی ما است و در هر حال باید اقامه شود. حضرت امام علی علیه السلام می‌فرماید: «انسان نباید به سفری رود که می‌ترسد در آن به دین و نمازش لطمه‌ای وارد آید».^۷ فرصت همراهی با چند خانواده در یک مسافرت را نباید از دست داد. یکی از بهترین فرصت‌های تربیتی برای فرزندان، حضور در جمع خانوادگی و دوستانه است. اقامه نماز در فرصت‌ها و مکان‌های متفاوت، اهمیت انجام این فریضه را برای فرزندان روشن خواهد کرد.

بهترین روش اقامه نماز در مسافرت، این است که از بین افراد گروه، یک نفر را که مقبولیت بیشتری دارد، انتخاب نمایند و در اوقات نماز، با دعوت از دیگر همراهان، نماز را به جماعت اقامه نمایند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر گاه سه نفر همسفر شدید، باید یکی از شما امام [جماعت] شما شود. آن‌که قرائتش بهتر باشد، به امامت سزاوارتر است».^۸ در جایی دیگر می‌فرماید: «هر گاه سه نفر همسفر شدند، آن‌که قرائتش بهتر است. گرچه سنش کمتر باشد. باید امامت [نماز] را به عهده

بهترین روش اقامه نماز در مسافرت، این است که از بین افراد گروه، یک نفر را که مقبولیت بیشتری دارد، انتخاب نمایند و در اوقات نماز، با دعوت از دیگر همراهان، نماز را به جماعت اقامه نمایند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر گاه سه نفر همسفر شدید، باید یکی از شما امام [جماعت] شما شود. آن‌که قرائتش بهتر باشد، به امامت سزاوارتر است».

نباید فکر کرد چون مسافریم و خسته، می توان نماز را نخواند. یکی از حکمت های نماز مسافر که شکسته است، همین رفع مشقت و سختی سفر است. علاوه بر اینکه برای شکسته خواندن نماز در سفر به ثواب هم می رسیم. امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمودند: «بهترین شما کسانی هستند که در سفر نمازهای خود را شکسته خوانده و روزه نمی گیرند».

ماهنامه فرهنگ ترویجی
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۴۸
توبه

گیرد. وقتی امام آنها شد، سالارشان نیز هم او است».^۹

اینکه کجا باید توقف کرد، کی توقف کرد، چه چیزهایی را به همراه داشت، باید با توجه به نماز صورت بگیرد. شخصی به خدمت حضرت امام صادق علیه السلام رسید و برای انجام مسافرت طلب استخاره کرد. جواب استخاره اش بد آمد؛ اما جواب استخاره را ندیده گرفت و برای تجارت به سفر رفت. اتفاقاً به او خوش گذشت و سود فراوانی هم برد. با خودش گفت: سفر خوش و پرسودی بود؛ پس چرا استخاره بد آمد؟ خدمت امام صادق علیه السلام رفت و قضیه را بازگو نمود.

امام تبسمی نمود و فرمود: یادت هست در فلان استراحتگاه خسته بودی، نماز مغرب و عشايت را خواندی، شام خورده و خوابیدی؛ بعد یک وقت بیدار شدی که آفتاب زده و نماز صبحت قضا شده بود؟

جواب داد: بله، یا بن رسول الله.

امام فرمود: اگر خدا دنیا و آنچه را در آن است، به تو داده بود، جبران آن خسارت نمی شد. خیلی ضرر کرده ای و متوجه نیستی.^{۱۰}

نباید فکر کرد چون مسافریم و خسته، می توان نماز را نخواند. یکی از حکمت های نماز مسافر که شکسته است، همین رفع مشقت و سختی سفر است. علاوه بر اینکه برای شکسته خواندن نماز در سفر به ثواب هم می رسیم. امیر المؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمودند: «بهترین شما کسانی هستند که در سفر نمازهای خود را شکسته خوانده و روزه نمی گیرند».^{۱۱}

البته عده ای هم هستند که در

مسافرت بیشتر اوقات خود را صرف دعا و نماز و نیایش می کنند و از اینکه در سفر با همراهان، همکاری و همراهی کنند، غافلند. در حضور پیامبر از مردی سخن به میان آمد و گفته شد: او آدم خوبی است. ای رسول خدا! آن مرد همسفر حج ما بود. هرگاه در منزلی پیاده می شدیم، پیوسته در حال نماز خواندن بود تا آنکه حرکت می کردیم و در بین راه نیز همواره قرآن می خواند و ذکر خدا می گفت، تا دوباره اتراق می کردیم. پیامبر فرمود: پس چه کسی شترش را علفه می داد و غذایش را درست می کرد؟ عرض کردند: ما. حضرت فرمود: شما از او بهترید.^{۱۲}

پی نوشتها

۱. محمدتقی فلسفی، الحدیث، روایات تربیتی، ج ۲، ص ۱۴۵.
۲. همان، ج ۲، ص ۱۴۶.
۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۶.
۴. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۵۱.
۵. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸۷۸۷.
۶. سید ابن طاووس، آداب سفر در فرهنگ نیایش، (ترجمه الأمان)، ترجمه محمدی شاهرودی، ص ۱۱۰.
۷. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸۸۰۴.
۸. همان، ج ۸۷۸۸.
۹. همان، ج ۸۷۸۹.
۱۰. حسین مظاهری، جهاد با نفس، ج ۱، ص ۷۶، ص ۷۷.
۱۱. شیخ صدوق، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ترجمه بندریگی، ص ۱۵۴.
۱۲. ری شهری، میزان الحکمه، ج ۸۷۹۰.

فصلی تا نورائیت

مطالبات رهبری فرزانه از مدیریت حمل و نقل

پرونده
ویژه

علی مهدی زاده

مقاله

خطبه اعجاز آمیزی که بعد از واقعه عظیم غدیر خم، حجت را دوباره بر مردم تمام کرد. خطبه ای غنی، معجزه ای ماندگار، منشوری کامل برای همه زمان ها، با کلماتی کوتاه، اما بس عظیم و سرنوشت ساز.

پانوی عصمت عَلَيْهِ السَّلَام در مطلع این خطبه آتشین، خطاب به خواص جامعه دینی و بزرگان امت اسلامی و نیز رو به مردم، کلام خود را این گونه آغاز می فرمایند که: «فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشِّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ مِنَ الْكِبْرِ...»^۱ خداوند ایمان را برای تطهیر و پاکی شما از شرک واجب نموده و نماز را برای پاک

حاضران انتظار نداشتند دختر یگانه رسالت، همچون پدر گرامی اش این گونه معجزه بیافریند و برای همیشه غاصبان را رسوا کند.

سیده زنان عالم در عمر کوتاه خود، اولین کسی بود که پس از شهادت رسول رحمت صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خطبه خوانده است. در این خطبه برای پیشگیری از انحراف مسلمانان، استوار ساختن پایه های اصلی اسلام، طرح حیاتی ترین مسائل و اساسی ترین نیازهای بشر، به مواردی اشاره فرموده و نقش هر کدام را برای خانواده و جامعه تبیین می سازند و عمل به آن را متضمن سعادت دنیا و آخرت انسان بیان می فرمایند.

ماهنامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۴۹

حقیقت





ساختن و دوری تان از تکبر و خودپرستی قرار داده است...».

پرواضح است که بیان فریضه نماز نسبت به سایر اعمال عبادی، آن هم در کنار ایمان به خداوند و دوری از شرک، خود بر اهمیت آن در جامه اسلامی دلالت دارد که دخت پیامبر اعظم علیها السلام چنین مهم به آن اشاره می فرمایند.

در جامعه ما باید برای نماز فصلی مهم در همه سطوح گشوده شود؛ چراکه نماز، رکن اصلی دین بوده و باید اصلی ترین جایگاه را در زندگی مردم داشته باشد. لذا با به پا داشتن ستون دین در جامعه، همگان از برکات و آثار آن برخوردار گردیده و درخشش معنویت و صفای ذکر الهی، همه آفاق جامعه را روشن و مصفا می کند و تن ها و جان ها در پناه نماز طمانینه و استحکام می یابد.

نوروز فاطمی علیها السلام

تقارن نوروز امسال با ایام شهادت جانگداز بانوی بی نشان، قطعاً لباس حُزن و عزا بر تن همگان می پوشاند. به رسم اسلامی مردم ایران زمین، این تعطیلات فرصت بسیار مناسبی برای به جا آوردن دستور الهی مبنی بر انجام سنت حسنه صله رحم به شمار می رود.

با شروع سفرهای تبلیغی طلاب و فضلا در ایام فاطمیّه علیها السلام و نیز سفرهای نوروزی و تراکم ایاب و ذهاب جاده ای، ریلی و هوایی مسافران، مسئولان بخش های مختلف اعم از نیروهای نظامی، پلیس انتظامی، مدیران حمل و نقل عمومی، جمعیت هلال احمر و ... کوشش می کنند تدابیر امنیتی و رفاهی را برای مردم فراهم آورده و از هیچ تلاشی فروگذار ننمایند. «اما در این میان باید فصلی برای آسان

کردن اقامه نماز به خصوص در این ایام در کشور گشوده شود و به هیچ وجه از آن غفلت ننمود. لذا هر کسی و قشری از مردم و مسئولین باید کنکاش کند و سهم خود را از این فریضه همگانی بیابد و بدان دست زند».^۲

اکنون بحمدالله به همت کمریستگان اقامه امر نماز، حرکت تازه‌ای در جهت کشانده شدن دل‌ها به سمت نماز به راه افتاده و لازم است از ظرفیت عظیم این عطیه الهی بیشترین بهره برده شود.

«مردم، مساجد را با حضور در نمازهای جماعت که بهترین شیوهی نمازگزاردن است، رونق بخشند. در همه بناهای عمومی و جای‌هایی که همواره به طبع حال، مردمی در آن گرد می‌آیند؛ مانند فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های قطار و بندرها و عزیزتگاه‌های خودروهای همگانی و ادارات دولتی و بوستان‌های شهری و مانند اینها، نمازخانه‌ها یا مساجدی بنا کنند و افزون بر این، مردم، هر زمین پاکیزه و مناسبی را به هنگام درآمدن وقت نماز، مسجد به شمار آورند و در آن به نماز بایستند».^۳

وقتی مسافرانی که سفرهای خود را از طریق وسائط عمومی و جمعی به مقصد می‌رسانند، مشاهده می‌کنند در همه مراکز عمومی، جایگاه‌های مناسبی برای نماز پیش‌بینی شده، مساجد و نمازخانه‌ها پاکیزه و مرتب و رغبت‌انگیز است، نماز در وقت فضیلت و به جماعت گزارده می‌شود، در هر محیطی، برجستگان و بزرگان آن بر دیگران پیش‌قدم شده و عملاً اعتنا به نماز را به دیگران می‌آموزند و در همه جا حرکت به سمت نماز و شتافتن بدان محسوس است، به طور قطع به اقامه این فریضه الهی اهتمام خاصی





خواهند داشت. از این رو «برنامه ریزان وسایل نقلیه سفری مانند قطار و هواپیما و غیر آن، حفظ وقت و امکان نماز مسافران را در برنامه ریزها در نظر بگیرند. در میان جاده های بیابانی، مسجد به قدر کافی ساخته شود و در شهرهای سر راه در همه بیست و چهار ساعت، مسجد باز و آماده وجود داشته باشد».^۴

«فراهم ساختن فضای مادی و معنوی برای اقامه نماز در بوستان ها و گردشگاه ها و نمایشگاه ها و امثال آن، از توصیه های پیشین من است که بر آن تأکید می‌ورزم».^۵

درستی فهمید ... اگر در جامعه اسلامی نماز در جایگاه شایسته خود قرار گیرد، همه تلاش های سازنده مادی و معنوی، راه خود را به سمت و سوی آرمان ها می‌گشاید و جامعه را به نقطه مطلوب آرمانی اسلام می‌رساند. اگر از اهمیت نماز غفلت شود و نماز مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد، این مسیر به درستی طی نخواهد شد و تلاش ها و مجاهدت ها تأثیر لازم را در رساندن به قله ای که اسلام برای جامعه بشری ترسیم کرده است، نخواهد داشت».^۸

سؤال مهم و جدی

«اکنون این سؤال بسیار جدی و مهم برای این جانب مطرح است که: مسئولان اجرایی مخاطب این مطالبات تا چه حد به وظیفه خود عمل کرده اند؟ مدیریت حمل و نقل، چه اندازه وظیفه ای را که از آنان خواسته شده است به انجام رسانده اند؟».^۹

حرکت جهادی

«همه باید در این حرکت بزرگ که شایسته است جهاد نامیده شود، خود را ملتزم و متعهد بدانند».^۶ بیش از همه، مسئولان و مدیرانی که در ایام نوروز نیروی انسانی کلانی در قبضه امر و نهی آنهاست. به خصوص مدیران وسائط حمل و نقل. هریک به گونه ای که می‌توانند و می‌باید در این حرکت همگانی سهیم گردند و تکلیف ویژه خود را ادا کنند.

«امروز همه شما خود را طرف این خطاب بشمرید و نماز را، حقیقت مقدس و گوهر درخشان را که عطیه الهی به امت محمد مصطفی ﷺ است قدر بشناسید. در چنین وضعی است که جامعه اسلامی ما توانسته است نماز را اقامه کند و مصداق این آیه کریمه گردد که: «الَّذِينَ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»^۷»
 «با این همه باید اعتراف کنیم که هنوز مجموعه ما مسئولان نظام اسلامی وظیفه خود را در این باره به تمام و کمال ادا نکرده ایم. اهمیت نماز را باید به

پی‌نوشت‌ها

۱. مقتل مقرر، ص ۲۰۱.
۲. پیام رهبر معظم انقلاب به سومین اجلاس سراسری نماز. همان.
۳. همان.
۴. پیام رهبر معظم انقلاب به هفتمین اجلاس سراسری نماز.
۵. پیام رهبر معظم انقلاب به دوازدهمین اجلاس سراسری نماز. همان.
۶. همان.
۷. پیام رهبر معظم انقلاب به سومین اجلاس سراسری نماز.
۸. پیام رهبر معظم انقلاب به بیست و یکمین اجلاس سراسری نماز.
۹. پیام رهبر معظم انقلاب به دوازدهمین اجلاس سراسری نماز.





بررسی فعالیت تبلیغی حوزه علمیه در ترویج نماز

مهدی منتظری

مصاحبه

سال‌ها است که در میدان تبلیغ و مدیریت تبلیغی، مشغول فعالیت و نوآوری است. حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسن نبوی را از سال ۱۳۷۸ به عنوان معاون تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه‌های علمیه می‌شناسند. از جمله رسالت‌های این معاونت می‌توان از نشر معارف تشیع، تأمین نیازهای تبلیغی دینی مردم، و اصلاح آسیب‌ها در تبلیغات دینی و همچنین مدیریت نیروهای حوزوی در عرصه تبلیغ و بدنه نظام اسلامی نام برد. نشریه قنوت با موضوع حوزه و ترویج نماز در ایام نوروز دقایقی میهمان ایشان بود که حاصل این دیدار را با هم مرور می‌کنیم.

◀ **نهادهای و سازمان‌های مختلفی داعیه‌دار و متولی مباحث فرهنگی و بحث ترویج نماز در کشور هستند. در این میان حوزه علمیه چه وظیفه‌ای برای**

خود تعریف کرده است؟ حوزه یکی از مسئولیت‌های خود را این می‌داند که در هر جایی که یک مجموعه انسانی دور هم جمع شده باشند، با برنامه‌ریزی و فرستادن روحانی به آنجا، تبلیغ دین کند و نماز جماعت را برپا نماید و احکام اسلامی را به گوش مردم برساند. اساساً حوزه وظیفه تربیت نیرو و مبلغ دینی را دارد.

◀ **برای تربیت طلاب موفق در عرصه ترویج نماز، چه برنامه‌ای دارید؟** برای پرورش و تأمین امام جماعت به طور خاص، در حوزه مدارس به نام مدارس سفیران هدایت طراحی و فعال شده که هم‌اکنون مشغول تربیت طلاب هستند. طرح سفیران هدایت در حال حاضر ۱۱۰ مدرسه علمیه در سراسر کشور دارد. طلابی که در این مدارس پذیرش می‌شوند، پنج سال درس می‌خوانند و

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۵۳

قنوت

طرح سفیران
هدایت در حال
حاضر ۱۱۰ مدرسه
علمیه در سراسر
کشور دارد. طلابی
که در این مدارس
پذیرش می‌شوند،
پنج سال درس
می‌خوانند و پس
از فارغ التحصیل
شدن، از جمله
فعالیت‌های آنها
این است که در
نقاط مختلف و
مورد نیاز کشور
امام جماعت
می‌شوند. این
طرح هم‌اکنون
۲۵۰۰ فارغ
التحصیل داشته
است.

ماهنامه فرهنگ ترویجی
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۵۴
قوت



پس از فارغ التحصیل شدن، از جمله فعالیت‌های آنها این است که در نقاط مختلف و مورد نیاز کشور امام جماعت می‌شوند. این طرح هم‌اکنون ۲۵۰۰ فارغ التحصیل داشته است. فارغ التحصیل شده‌ها موظف هستند پنج سال تمام، یعنی به اندازه زمان تحصیل، کار تبلیغی کنند. پس از پایان پنج سال کار تبلیغی مدرک تحصیلی آنها داده می‌شود.

◀ **امسال جهت اعتلای فرهنگ نماز در ایام عید نوروز چه فعالیت ویژه‌ای دارید؟**
نماز مخصوص ایام نوروز نیست و باید برای ترویج و تقویت آن در طول سال زحمت کشیده شود. اما بدیهی است که در ایام نوروز از نماز استقبال بیشتری می‌شود؛ زیرا محیط فراهم‌تر است. ما سه هزار روحانی ثابت در مساجد و در مناطقی داریم که هیچ روحانی ندارند. آنها در ایام نوروز فعال هستند.

◀ **این‌طور که متوجه شدم، حوزه بیشتر در مساجد سرمایه‌گذاری کرده است؛ درحالی‌که مثلاً در ایامی مانند نوروز در مکان‌هایی چون پارک‌ها و بوستان‌ها و هتل‌ها و اماکن تفریحی دیگر، جمعیت زیادی حضور دارند. آیا حوزه برای این ظرفیت آماده چاره‌ای اندیشیده است؟**
واقعیت این است که الان برای تأمین روحانی مساجد با مشکل جدی روبه‌رو هستیم؛ چه رسد به جاهای دیگر. در ایران حدود هشتاد هزار مسجد وجود دارد طبق آمار، بیست هزار مسجد فاقد روحانی است. هم‌اکنون حدود ۱۱۰۰۰۰ مدرسه وجود دارد که از تعداد کل

روحانیون ایران بیشتر است و نیاز به روحانی دارند. نماز در آموزش و پرورش برای ما خیلی اهمیت دارد و من آن را مهم‌تر از دانشگاه می‌دانم. بازارها نیاز به روحانی دارد. به تعداد کارخانه‌های کشور، روحانی نیاز داریم؛ درحالی‌که ما در تأمین مساجد دچار مشکل هستیم؛ چه رسد به جاهایی مانند نیروهای مسلح.



ما نیازهای اولیه جامعه خود را نتوانستیم پوشش دهیم. دلیل آن هم کمبود روحانی است.

◀ **راه حل چیست؟**

حوزه حداقل نیاز به افزایش ۲۰۰ درصدی زیرساخت‌های خود دارد. بحث دیگر

هم اکنون در تعداد
زیادی از پاساژهای
شهر قم، نماز
جماعت برگزار
می شود. هنگام
ظهر فرشی یا موکتی
انداخته می شود و
مهر و آمپلی فابری
تهیه شده و اذان
در محیط پاساژ
طنین اندازی شود
و در نهایت نماز
جماعت برپا
می گردد. سعی
شده است در این
طرح از روحانیونی
استفاده شود که
نیازهای دینی بازار
را خوب تشخیص
می دهند

مورد نیاز کشور تأمین شود.
**◀ آیا تا به حال کار مقطعی در ایام نوروز
انجام شده است؟**
 بله، برای مثال مکانی مانند تخت جمشید
 در ایام نوروز محلی شده بود برای عده ای
 که جلوی قبر کوروش سجده می کردند.
 این جریان آرام آرام به گردهمایی سالانه
 در زمان تحویل سال تبدیل شده بود. از

تأمین زندگی یک روحانی است. طلبه ای
 که کار تبلیغی می کند و زن و بچه اش را
 به شهر و دیار غربت برده است، باید
 که حداقلهای زندگی اش تأمین شود.
 طلبه ای به خاطر مشکلات اقتصادی در
 یک اداره استخدام می شود، به نماز و
 تبلیغش نمی رسد. از سوی دیگر منابع ما
 محدود است. الان موقع جذب و ثبت نام



کنار این جریان نمی شد به سادگی عبور
 کرد. ما چندین سال در هنگام تحویل
 سال و نوروز، در تخت جمشید و پاسارگاد
 سرمایه گذاری ویژه کردیم. در طول این
 چند سال مبلغانی را به آنجا فرستادیم که
 هنگام تحویل سال و پس از آن در طول

طلبه ها در حوزه است. بر اساس آمار
 که به من دادند، امسال نسبت به سال
 گذشته دچار افت جذب هستیم.
 مردم باید در کنار روحانیون، به حوزه
 کمک کنند و در مناطق خود، افراد را
 تشویق کنند تا به حوزه بیایند و نیروی



در ایران حدود هشتاد هزار مسجد وجود دارد طبق آمار، بیست هزار مسجد فاقد روحانی است. هم اکنون حدود ۱۱۰۰۰۰ مدرسه آموزش و پرورش وجود دارد که از تعداد کل روحانیون ایران بیشتر است و نیاز به روحانی دارند.

ماهنامه فرهنگ ترویجی
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۵۶
قنوت

تعطیلات نوروز آنجا بودند و نماز جماعت می خواندند. گاهی ده نماز جماعت در تخت جمشید برگزار می شد که اتفاقاً استقبال هم بسیار خوب بود.

◀ اگر در ایام دیگر سال فعالیت های موردی و خلاقانه ای داشته اید، بفرمایید. بازارها برای ما اهمیت ویژه ای دارند. امیرالمؤمنین سه مرتبه پشت سر هم این کلام را تکرار کردند که اول احکام را یاد بگیرید، بعد به تجارت بپردازید. زمان های قدیم در بازارها مسجد می ساختند؛ اما امروزه پاساژها با آنکه بزرگ تر از بازارهای قدیمی است، هیچ مسجدی در آنها وجود ندارد. ما طرح برگزاری نماز جماعت در پاساژهای قم را شروع کردیم. هم اکنون در تعداد زیادی از پاساژهای شهر قم، نماز جماعت برگزار می شود. هنگام ظهر فرش یا موکتی انداخته می شود و مهر و آمپلی فایری تهیه شده و اذان در محیط پاساژ طنین انداز می شود و در نهایت نماز جماعت برپا می گردد. سعی شده است در این طرح از روحانیونی استفاده شود که نیازهای دینی بازار را خوب تشخیص می دهند و بر اساس آن مطالعات و بحثشان را تنظیم می کنند. مثلاً باید به احکام و اخلاق معاملات خوب احاطه داشته باشند. این طرح در شهر قم جواب داده است؛ لذا بنا داریم در حد توان در شهرهای دیگر نیز آن را اجرا کنیم.

◀ شنیده ایم حوزه اقدام به اعزام مبلغ برای حضور در ورزشگاه ها و استادیوم ها کرده است. خوب است در مورد این نوع

تبلیغ نیز مقداری توضیح دهید.

تجربه بسیار بسیار خوبی بود. حدود صد هزار نفر شش هفت ساعت قبل از مسابقه استقلال و پیروزی به ورزشگاه می آیند. چند ساعت قبل از شروع بازی فریاد می زنند و تشویق می کنند و کار دیگری ندارند. از این فرصت استفاده کردیم و صد مبلغ با لباس روحانیت، داخل ورزشگاه آزادی بین تماشاچی ها فرستادیم. قرار بود آنها، هم کار تبلیغی کنند و هم نماز جماعت ظهر برگزار شود. خودم هم رفتم و از نزدیک شاهد ماجرا بودم. حرکت بسیار تأثیرگذاری بود. برخورد مخاطبان، عکس تصور ما بود. دیدیم خیلی جوان های خوبی هستند، ولی متأسفانه ما با آنها ارتباط برقرار نکرده ایم. بنده خودم در ورزشگاه حضور داشتم و دیدم که همه احترام می کنند؛ البته به سبک و لحن خودشان. از این صد مبلغ در این مدت مسئله های فراوانی پرسیدند و گرفتاری هایشان را مطرح کردند و البته گاهی انحرافاتشان را و از ما توقع داشتند که راه نجات را به آنها نشان دهیم.

◀ و کلام آخر برای خوانندگان نشریه:

در این ایام، ثبت نام برای حوزه انجام می شود. اگر افرادی علاقه مند هستند سربازی آقا امام زمان را انجام دهند و به خاطر خدا عمر و جوانی شان را بگذارند و در راه ترویج دین و فرهنگ نماز تلاش کنند، حوزه علمیه با آغوش باز پذیرای آنها خواهد بود.

راهیان معراج

تبلیغ نماز در کاروان های راهیان نور

را به یاد من برپادار». هدف از اقامه نماز، فقط رعایت قالب و ظاهر آن نیست، بلکه توجه به عمق آن، یعنی حضور است. نماز، نخستین دستورکار و برنامه عملی انبیای الهی است. جایگاه نماز به هیچ روی قابل

تبلیغ دین، تبلیغ بندگی و ذکر پروردگار است که مهم ترین جلوه آن، نماز است: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي؛^۱ هَمَانًا مِّنْ خَدَاوَنَدِمِ كَمَا جَزَىٰ مِنَ خَدَاوَنَدِمِ وَنَمَازٍ





مخاطب غالباً جوان راهیان نور، با هر فکر و سلیقه، شهدا را به عنوان الگوی خود برای نزدیک شدن به خدا پذیرفته است؛ از این رو بیان رابطه شهدا با نماز و خاطرات مربوط به آن، وی را به اندیشه وادار می‌کند و همین که ذهنش درگیر مسئله نماز به عنوان مهم‌ترین گام بندگی و سعادت می‌شود، خودموقیتی شیرین و ارجمند خواهد بود.

ماهنامه فرهنگ ترویج
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

چشم‌پوشی نیست و مبلغ دین با توجه به اهمیت آن، می‌تواند نماز را اساس تبلیغ خود قرار دهد. مبلغی که تبلیغ و جهاد ترویجی او، بر اساس نماز پایه‌گذاری شود، از عاملان نشر ذکر خدای یگانه خواهد بود؛ چراکه بیش از از هشتاد آیه قرآن کریم و نیز نزدیک به یک‌سوم روایات درباره نماز است؛ از این رو مبلغ نماز نیز جایگاه ویژه‌ای نزد پروردگار متعال خواهد داشت.

شناسایی و یافتن فرصت‌ها و عرصه‌های گوناگون برای تبلیغ نماز محور، شناخت آفت‌های دنیایی در بی‌توجهی به نماز و البته چگونگی تبلیغ نماز، سه گام مهم برای یک مبلغ نماز در آغاز رسالت او است. که اهمیت خاصی برای وی خواهد داشت. راهیان نور و مجالس ذکر و یادمان شهدا، از بهترین فرصت‌ها و عرصه‌های تبلیغ نماز محورا است.

زائران شهدا، با شنیدن حماسه عزت، سلحشوری و بندگی مجاهدان فی سبیل الله و شهدا، خانه دل خود را از زنگار روزگار می‌تکانند و آماده‌تر از هر زمان دیگر، پذیرنده ذکر پروردگارند. این موقعیت مناسبی که شهیدان به مبلغ نماز هدیه می‌دهند، بی‌بدیل است و بسیار ارزشمند. بی‌توجهی به نماز، به تأخیر انداختن آن، بی‌حالی و بی‌اهمیتی به نماز جماعت، قضا شدن نمازها (به ویژه نماز صبح) و ... آفت‌هایی است که بر دل‌ها اثر می‌گذارد و در فرصت راهیان نور، می‌توان در این زمینه آفت‌زدایی کرد.

مخاطب غالباً جوان راهیان نور، با هر فکر و سلیقه، شهدا را به عنوان الگوی خود برای نزدیک شدن به خدا پذیرفته است؛ از این رو بیان رابطه شهدا با نماز و خاطرات مربوط به آن، وی را به اندیشه وادار می‌کند و همین که ذهنش درگیر مسئله نماز به

عنوان مهم‌ترین گام بندگی و سعادت می‌شود، خودموقیتی شیرین و ارجمند خواهد بود. برای چگونگی بیان این مسئله، به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱. «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»^۲ بر نمازهای پنج‌گانه مواظبت کنید، به ویژه نماز میانه^۳ و فروتنانه در برابر خدا [به نماز] بایستید».

پیام: حفاظت از نماز و انتظار بر طاعت پروردگار

خاطره: برادر شهید بزرگوار حمزه ابادری: در زمین کشاورزی نزدیک روستا مشغول کار بودیم. می‌خواستیم هر چه زودتر کار تمام شود تا برگردیم به خانه که ناگهان حمزه دست از کار کشید و به طرف شیراب رفت. با تعجب به او گفتم: کجا می‌روی؟ گفت: مگر صدای اذان را نمی‌شنوی؟ وقت نماز است. گفتم: بیا کار را تمام کنیم، بعد می‌رویم نماز می‌خوانیم. با حالت عجیبی به من گفت: چطور این قدر به نفس خودت اهمیت می‌دهی، اما به خدای خودت نه؟ و بعد رفت تا نماز را در اول وقت به جا آورد.

۲. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»^۴ نماز را از زوال خورشید (هنگام ظهر) تا نهایت تاریکی شب [= نیمه شب] برپا دار و همچنین قرآن فجر [= نماز صبح] را؛ چرا که قرآن فجر، مشهود (فرشتگان شب و روز) است».

فقیهان از آیه مذکور، اقامه نماز در اول وقت را استنباط کرده‌اند.^۵

پیام: اهتمام به نماز اول وقت

خاطره: یکی از هم‌زمان شهید حمیدرضا نوبخت: با حمیدرضا در جزیره مینو (بین آبادان و خرمشهر) بودیم. روزی برای انجام دادن کاری، به طرف اهواز حرکت کردیم.

فصل تابستان بود و گرمای طاقت فرسای خوزستان، همه را اذیت می کرد. ناگهان در نزدیکی های اهواز، حمیدرضا خودرو را کنار جاده متوقف نکرد. دلیل توقف را پرسیدیم. او گفت: مگر صدای اذان را نشنیدی؟ به او گفتم: تا اهواز راهی نمانده است و در آنجا زیر سرپناهی نماز می خوانیم. حمیدرضا نگاه معنی داری به من کرد و گفت: تو از کجا می دانی تا اهواز زنده هستیم؟ سپس با مقدار آبی که در ماشین داشتیم، وضو گرفتیم و همان جا نماز را در اول وقت به جا آوردیم.

۳. «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا؛ قرآن فجر (نماز صبح)، مشهود (فرشتگان شب و روز) است». اگر نماز صبح در اول فجر اقامه شود، فرشتگان شب و روز هر دو آن را ثبت می کنند^۱ و «مشهود» بودن نماز صبح نیز ممکن است به همین معنا باشد؛ یعنی هر دو گروه فرشتگان، آن را مشاهده کرده و بر آن گواهی می دهند.^۲

پیام: توجه به نماز صبح در اوج خستگی

خاطره: برادر سهراب صدرنشین، هم‌رزم سردار شهید حاج علی اکبر رحمانیان: در پایگاه امیدیه بودیم. چند دقیقه‌ای به اذان صبح مانده بود. علی اکبر را دیدم که بعد از چهار شبانه‌روز از منطقه عملیاتی برگشته بود. خستگی شدید در چهره‌اش آشکار بود. فکر کردم می‌خواهد استراحت کند و بعد نماز صبح بخواند؛ چون خواب از چشمانش می‌بارید؛ ولی تا اذان را گفتند، جانمازش را پهن کرد و آماده نماز شد. به او گفتم: خسته هستی؛ کمی دراز بکش، بعد نماز بخوان. لبخندی زد و گفت: ما الان برای همین نماز داریم می‌جنگیم. وقتی به نماز ایستاد، دیگر آثار خستگی را در او نمی‌دیدم.

۴. «وَ أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»^۱ و نماز را به یاد آرید و زکات را بپردازید و همراه رکوع کنندگان، رکوع کنید (نماز را با جماعت بخوانید)!

پیام: ارزش و جایگاه نماز جماعت

خاطره: یکی از هم‌رزمان شهید مهدی باکری: به ما گفت: من تندتر می‌روم، شما پشت پشت سرم بیایید! تعجب کرده بودیم. سابقه نداشت بیش از صد کیلومتر سرعت بگیرد. غروب نشده رسیدیم گیلان غرب. جلوی مسجدی ایستاد. ما هم پشت سرش. نماز که خواندیم سریع آمدیم بیرون؛ داشتیم تندتند پوتین‌ها مان را می‌بستیم که زود راه بیفتیم... گفت: کجا با این عجله؟! می‌خواستیم به نماز جماعت برسیم که رسیدیم.

بخشی از وصیت شهید علی اصغر پرورده: برادران مسلمان و خواهرانم! نماز معیار قبولی طاعت‌ها است؛ پس نماز جماعت را ترك نکنید. شما فکر می‌کنید که شهدا از چه طریق به این سعادت رسیده‌اند؟ مطمئن باشید که از طریق همین نماز جماعت‌ها است.

خاطره: یکی از هم‌رزمان شهید مهدی باکری: به ما گفت: من تندتر می‌روم، شما پشت سرم بیایید! تعجب کرده بودیم. سابقه نداشت بیش از صد کیلومتر سرعت بگیرد. غروب نشده رسیدیم گیلان غرب. جلوی مسجدی ایستاد. ما هم پشت سرش. نماز که خواندیم سریع آمدیم بیرون؛ داشتیم تندتند پوتین‌ها مان را می‌بستیم که زود راه بیفتیم... گفت: کجا با این عجله؟! می‌خواستیم به نماز جماعت برسیم که رسیدیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. طه: ۱۴.

۲. بقره: ۳۸.

۳. بر اساس برخی از روایات، مراد از نماز وسطی، نماز ظهر است.

۴. اسراء: ۷۸.

۵. الحلاف، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۹۲.

۶. کافی، کلینی، ج ۳، ص ۲۷۵.

۷. تفسیر المیزان.

۸. بقره: ۴۳.



نماز، نهار، ۲۰ دقیقه

بررسی وضعیت نمازخانه‌های بین راهی

نصرالله رزاقی

یادداشت



باید سریع کارمان را انجام بدهیم و وضو بگیریم و خود را به نمازخانه گرم برسانیم. من و پسرم به سمت توالت مردانه رفتیم و خانم‌ها هم به سمت دیگر....

تاریخ حکایت از آن دارد که ایرانیان قدیم، در راه‌ها و در فواصل معین، مکان‌هایی را ایجاد کرده بودند که محل توقف و استراحت مسافران و کاروان‌های زیارتی، تجاری و بازرگانی بوده است. احداث بناهای مذکور از دوران هخامنشیان شروع شد؛ و در دوره اشکانیان گسترش یافت، اما دوره

وقت نماز رسیده بود و من هم از رانندگی خسته شده بودم و نیاز به کمی استراحت داشتم. تا مقصد فاصله زیادی مانده بود و باید در جایی توقف کوتاهی می‌کردیم تا هم به نمازمان برسیم و هم حال و هوایی تازه کنیم...

کمی جلوتر، تابلویی دیده می‌شد. ما را به یکی از توقف‌گاه‌های بین‌راهی هدایت می‌کرد. بعد از چند ساعت رانندگی این فرصت خوبی برای استراحت بود. ظاهرش که تعریفی نداشت، ولی حُب، در بیابان کهنه کفشی نعمت است!! هوا تقریباً سرد بود و کمی هم باد می‌وزید؛

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۶۰ **قنوت**



اسلامی و قرن پنجم (ق.ه) را می‌توان عصر شکوفایی هنرهای اسلامی به ویژه هنر معماری نام برد؛ زیرا گسترش شبکه راه‌های تجاری و احداث کاروان‌سراهای متعدد در مسیر جاده‌ها و داخل شهرها در این دوره بوده است، به طوری که بقایای برخی کاروانسراهایی که در آن دوره ساخته شده همچنان در کنار جاده‌های ایران پابرجاست.

امروزه نیز در کنار بسیاری از جاده‌های کشور، جایگاه‌هایی برای ارائه خدمات عمومی و رفاهی به رانندگان و مسافران در نظر گرفته شده است. این خدمات که در قالب مجتمع‌های اقامتی تفریحی تعریف شده‌اند فعالیت‌های بالفعل و بالقوه زیادی دارد که می‌تواند در جهت توسعه و توازن منطقه‌ای از آن بهره برد. طبق آمار در حال حاضر حدود ۵۰۹ مجتمع خدماتی در کشور فعال هستند و در حدود ۴۱۶ مجتمع نیز در حال ساخت می‌باشند و با تعداد درخواست‌های احداث این‌گونه مجتمع‌ها می‌توان گفت که در مجموع حدود ۱۴۴۰ مجتمع خدماتی و رفاهی در راه‌های اصلی و فرعی کشور توسط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای به بهره‌برداری رسیده و یا در حال تکمیل است.

یکی از فعالیت‌هایی که این مراکز باید داشته باشند، ارائه خدمات فرهنگی و مذهبی به مراجعین است. هر چند که بسیاری از این مراکز در عرصه خدماتی چون خدمات تجاری، بهداشتی، امدادی و انتظامی، جهانگردی و

پذیرایی و فرهنگی مذهبی فعال هستند، اما برخی مجتمع‌ها و به امور فرهنگی مذهبی اهمیتی نمی‌دهند. برای بعضی‌ها شاید بدترین خاطره و تجربه مسافرت، حضور در یکی از این مجتمع‌ها باشد. اولین نیاز راننده و مسافر بعد چند ساعت پیمایش جاده، سرویس بهداشتی است. متأسفانه بارها دیده شده که یک مجتمع اقامتی دارای سرویس بهداشتی و چند توالت است، اما با مراجعه به آنجا مشاهده می‌شود تعدادی از آن‌ها به دلایلی قفل و بند دارد و تعدادی هم به دلیل رعایت نکردن مسائل بهداشتی و نظافت امکان استفاده ندارند. لذا باید در یک صف طولانی در نوبت ایستاد.

از این مرحله که عبور کنید، برای شستشو و وضوگرفتن، با مخزن‌های پر از خالی مایع دستشویی مواجه می‌شوید، لذا باید از مواد شوینده‌ای که بر اساس تجربه برای این‌گونه موارد گذاشته شده، استفاده کرد؛ البته اگر مجبور نشوید به دلیل خراب بودن تعدادی از شیرهای آب دوباره در صف شستشو بایستید.

از مواردی مثل نظافت نداشتن، عدم وجود صابون و خراب بودن سرویس‌های بهداشتی که بگذریم، مراکزی نیز هستند که سرویس بهداشتی آنها مشترک بین آقایان و بانوان است (یا اینکه باید بالاجبار از آب سرد شاید بهتر باشد بگوییم آب یخ) استفاده کرد که این امر به خصوص برای بیماران و کودکان و کهنسالان بسیار مشکل‌آفرین است.

طبق آمار در حال حاضر حدود ۵۰۹ مجتمع خدماتی در کشور فعال هستند و در حدود ۴۱۶ مجتمع نیز در حال ساخت می‌باشند و با تعداد درخواست‌های احداث این‌گونه مجتمع‌ها می‌توان گفت که در مجموع حدود ۱۴۴۰ مجتمع خدماتی و رفاهی در راه‌های اصلی و فرعی کشور توسط سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای به بهره‌برداری رسیده و یا در حال تکمیل است.

از مواردی مثل نظافت نداشتن، عدم وجود صابون و خراب بودن سرویس های بهداشتی که بگذریم، مراکز نیز هستند که سرویس بهداشتی آنها مشترک بین آقایان و بانوان است و یا اینکه باید بالاچار از آب سرد [شاید بهتر باشد بگوییم آب یخ] استفاده کرد که این امر به خصوص برای بیماران و کودکان و کهنسالان بسیار مشکل آفرین است.

و این تازه اول راه است!! برنامه ریزی سفر و حرکت و توقف به ویژه در فرهنگ دینی ما به گونه ای است که یکی از زمان های توقف به شکلی طراحی می شود که بتوان بین نماز، غذا و استراحت جمع کرد و همه را یک جا انجام داد. بنابراین معمولاً بعد از سرویس بهداشتی خانواده ها و مسافری مشغول اقامه نماز و انجام امور عبادی می شوند.

در بعضی از مجتمع های خدماتی باید به دنبال نمازخانه گشت؛ زیرا نمازخانه ها چه در فضای بیرونی تعریف شده باشد و چه در فضای داخلی، به دلیل نبودن تابلوی راهنمایی، برای رسیدن به آن باید پرس و جو کرد تا بتوان در فرصتی که در اختیار است به همه امور رسید؛ به ویژه اگر مسافر اتوبوس باشید و راننده یک فرجه بیست دقیقه ای داده باشد برای نماز و غذا!!!

نمود نظارت را در این مکان ها به خوبی می توان مشاهده کرد. خستگی و کوفتگی راه از یک طرف و سختی های دست به آب شدن و وضو گرفتن هم از طرف دیگر. با خودت فکر می کنی که با اقامه یک نماز با حال می توانم کمی از این سختی ها رها شوم. اگر نمازخانه در مجاورت سرویس بهداشتی قرار نداشته باشد و از بوی آن در امان باشید، وارد یک اتاق کوچک سه در چهار می شوید. نور اتاق بسیار ضعیف است و چشمانتان سوسو می زند. در تاقچه ای که در گوشه اتاق است از بین مهرهای شکسته و سیاه، یکی را که فکر می کنید بهتر است

انتخاب می کنید و بعد کل اتاق را برانداز می کنید تا جایی را که تمیزتر است برای اقامه نماز انتخاب کنید. وقتی که روی موکت راه می روید این حس به شما دست می دهد که روی موزائیک قرار گرفته اید.

تشخیص قبله برایت دشوار است، ولی با کمی دقت به در و دیوار می توان جهت فلشی را مشاهده کرد که انگار توسط یکی از نمازگزاران رسم شده است. «الله اکبر»؛ نماز را می بندید. رکوع رفته و برای انجام سجده، پیشانی را به مهر نزدیک می کنید. در حالی که به سمت پایین می آید احساس بدی به سراغتان می آید؛ یک بوی بد، بوی پا. وقتی به سجده گاه می رسید با خود فکر می کنید که من که در ماشین پتو و زیرانداز داشتم؛ اگر در همان فضای بیرون و نماز می خواندم، هم از و گرمای خورشید استفاده می کردم، هم از هوای تازه و مطبوع و هم یک جای نرم تر در اختیار داشتم.

مسائلی که گفته شد و خیلی دیگر از مسائل، چیزهایی هستند که با اندک توجهی می توان همه آن ها را رفع کرد؛ بدون این که هزینه آن چنانی برای متولیان آن داشته باشد؛ چرا که بسیاری از مراکز خدماتی هزینه استفاده و نظافت سرویس بهداشتی را از مراجعین دریافت می کنند. قرار نیست تجهیز نمازخانه گرم و نرم و راحت روزانه اتفاق بیافتد، بلکه یک بار هزینه می شود و تا چند سال باید رسیدگی، مراقبت و نظافت شود.

چادرهایی از جنس مسجد

مصاحبه با حجت الاسلام علامه مهري نماينده ولي فقيه در هلال احمر استان قم



مهدی رزاقی

مصاحبه



معاونت‌های مختلفی دارد که بعد از بسیج، بیشترین عضو جوان را دارد. بیش از دو میلیون جوان در هلال احمر عضوند که به برنامه و طرح نیاز دارند. برای نمونه طرح برگزاری نماز به صورت جماعت را داشتیم و در دانشگاه نماز جماعت را برگزار کردیم و در سازمان ملی جوانان نیز برای شرکت‌کنندگان در کلاس‌ها نماز جماعت تشکیل دادیم.

اما طرح هلال معرفت؛ همان‌طور که می‌دانید، هلال احمر در زمان‌هایی که ترافیک زیادی وجود دارد، پایگاه‌های امداد می‌زند. مثلاً در نیمه شعبان در اطراف چمکران پایگاه دارد. ما گفتیم در این پایگاه‌های امدادی، همان‌گونه که یک پزشک و امدادگر هست، یک روحانی هم در کنار سایر نیروها پاسخ‌گوی نیازهای دینی و معرفتی مردم باشد. درخواست ما

ما شنیده بودیم که هلال احمر طرحی دارد به نام هلال معرفت. برای خود بنده همیشه هلال احمر با واژه امداد رسانی جسمی معنا داشته است. وقتی با این طرح مواجه شدم، برایم بسیار جالب بود که هلال احمر در کنار امداد جسمی از امداد معنوی و روحی هم غافل نبوده است. به همین علت از حضرت عالی تشکر می‌کنم. من تمایل دارم این طرح را از زبان خود شما به خوانندگان نشریه قنوت معرفی کنم.

طرح‌های خوب و جدیدی در جای‌جای کشور وجود دارد که این نشریه می‌تواند با اطلاع‌رسانی آنها، در گسترش آنها سهیم باشد. هلال احمر یک نهاد بزرگ و بین‌المللی است و مردم کمتر با آن آشنایی دارند. بیشتر، آن را با صیغه امداد و نجاتش می‌شناسند؛ حال آنکه هلال احمر

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۶۳

قنوت



این بود که در این خیمه‌ها جای یک روحانی خالی بود و ما این کار را انجام دادیم و خوب هم جواب داد. در این خیمه‌ها حتماً نماز جماعت برگزار شود. برخی از نیروها به ما گفتند برای ما تاکنون اصلاً فرصتی نبوده که نماز جماعت بخوانیم. در دوره‌های دیگری که از سراسر کشور به اینجا می‌آیند، ما از این موضوع نیز غافل نبودیم و گفتیم نماز جماعت برگزار کنید. این هم یکی دیگر از فعالیت‌های ما است که امسال از طرف ستاد اقامه نماز استان از ما تقدیر شد.

در عید نوروز خیمه‌های زیادی در جاده‌ها و اماکن دیگر زده می‌شود. می‌شود اول وقت کنار جاده ایستاد و در نماز جماعتی که در این خیمه‌ها برگزار می‌شود، شرکت کرد، نیروی تازه‌ای گرفت و به راه ادامه داد. از طرف دیگر، همین‌که مردم ببینند عده‌ای در کنار جاده نماز جماعت می‌خوانند، خود این کار فرهنگ‌سازی در موضوع نماز است و آنان به خواندن نماز جماعت تشویق می‌شوند. اگر روحانی هم نبود، یک انسان متدین می‌تواند بایستد و نماز جماعت اقامه شود.

◀ چه اتفاقی افتاد که به این طرح رسیدید؟ به بیان دیگر، آیا نیاز مردم بود یا احساس مسئولیتی که خود هلال احمر داشت؟

یکی از وظایف ما ترویج فرهنگ اسلامی است؛ لذا باید دنبال خلأها و نیازها باشیم. من می‌دیدم که هنگام نماز، مردم فرادا نماز می‌خوانند. این شد که تصمیم گرفتیم در پایگاه‌های امداد نماز را ترویج



ما گفتیم در این پایگاه‌های امدادی، همان‌گونه که یک پزشک و امدادگر هست، یک روحانی هم در کنار سایر نیروها پاسخ‌گوی نیازهای دینی و معرفتی مردم باشد. در این خیمه‌ها جای یک روحانی خالی بود و ما این کار را انجام دادیم و خوب هم جواب داد.



کنیم. درست است که وظیفه هلال احمر امداد و نجات است، اما به امداد و نجات مادّی محدود نمی‌شود و شامل امداد و نجات معنوی نیز می‌شود. امداد فقط این نیست که به کسی که خانه‌اش خراب شده، یاری رسانیم؛ چه خرابی بالاتر از انحراف جوانان؟ لذا این طرح شکل گرفت.

◀ آیا بنا دارید این طرح را توسعه دهید؟

ما این طرح را به تهران داده‌ایم تا در سراسر کشور اجرا شود. حتی گفتیم برای بسیاری از استان‌ها که روحانی ندارند، می‌توانیم روحانی فراهم کنیم.

به نظر می‌رسد که امکان‌ش هم وجود دارد. مثلاً می‌شود از طلبه‌هایی که ایام عید به شهرستان خود می‌روند، استفاده کرد.

بله می‌شود. یکی از کانون‌های ما کانون طلاب است. کانون طلاب در کنار اینکه آموزش‌های امدادی می‌بینند، وظیفه جذب طلاب برای کارهای فرهنگی و دینی را نیز دارد. ما همین الان شش کانون طلاب داریم که می‌توان از این ظرفیت برای استان‌ها استفاده کرد.

◀ استقبال مردم چگونه بوده است؟ من فکر می‌کنم هلال احمر چون مردمی است، می‌تواند موفق باشد.

این یک ظرفیت بزرگ و یکی از امتیازات هلال احمر در مقایسه با دیگر نهادها است. در مورد استقبال مردم هم واقعاً استقبال خوب بوده است. گزارش‌های ما نشان می‌دهد که مردم از این طرح خرسند بوده‌اند.

◀ نمازهای جماعت در چادر برگزار می‌شود؟

بله. در اربعین گروهی را به کربلا و نجف اعزام کرده بودیم. بنا به گفته نهادهای اربزیاب، بهترین امکانات، امکانات خیمه‌های هلال احمر بوده است. ما می‌توانیم از این ظرفیت‌ها برای فرهنگ نماز استفاده کنیم. می‌شود این کار را با مردم انجام داد. ضمن آنکه وجود روحانی برای خود نیروها نیز بسیار مفید است. ثانیاً ممکن است مردمی که به چادرها می‌آیند، مشکل شرعی یا معرفتی داشته باشند؛ لذا طرح مباحث معرفتی و برگزاری نماز بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

◀ شایسته است که باید با نگاه بین‌المللی به این طرح نگاه کرد. در این راستا چه مشکلاتی دارید؟

یکی از مشکلات کمبود امام جماعت است. مشکل دیگر، عدم فرهنگ‌سازی در مورد نماز جماعت در جامعه است. البته ما در قم با این مشکل کمتر مواجه هستیم. از ظرفیت‌هایی مثل مساجد جاده‌ها، باید استفاده کرد.

◀ فضاسازی خاصی هم می‌شود؟

در حد وسعمان سعی می‌کنیم فضاسازی کنیم. متأسفانه بدترین مکان‌ها را به نمازخانه‌ها اختصاص می‌دهند. من همیشه توصیه کرده‌ام که بهترین مکان را به نماز جماعت اختصاص دهند. نباید کاری کنیم که مردم از نماز متنفر شوند.

بسیار ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

درست است که وظیفه هلال احمر امداد و نجات است، اما به امداد و نجات مادّی محدود نمی‌شود و شامل امداد و نجات معنوی نیز می‌شود. امداد فقط این نیست که به کسی که خانه‌اش خراب شده، یاری رسانیم؛ چه خرابی بالاتر از انحراف جوانان؟

یک چادر (دو امداد

سید محمد علوی

یادداشت

چند پیشنهاد برای بهتر برگزار شدن نماز جماعت در چادرهای هلال احمر:



۱. بهترین مکان یعنی جایی که آب در دسترس مسافر باشد، سرویس بهداشتی دور نباشد، زمین زیر چادر دارای پستی و بلندی اذیت کننده نباشد، برای رسیدن به چادرها مکان همواری در نظر گرفته شود و....

۲. همه چیز در حد یک نمازخانه استاندارد باشد؛ حتی به موکت یا فرشی که در چادر نماز انداخته می شود، باید توجه ویژه نمود. تمیزی زیرانداز چادرها محیطی امن و راحت را برای نمازگزاران فراهم می آورد.

۳. نبود یا کمبود مهر نماز. آن هم تمیز و تشکیل. در چادرهای نماز هلال احمر عذری غیر قابل بخشش است.

۴. امام جماعت رعایت حال مسافران و کارمندان هلال احمر را نموده و در کمترین زمان ممکن نماز و برنامه های مربوط به آن را انجام دهد.

۵. جهت رفاه حال نمازگزاران، بیرون از چادرها با انداختن چند موکت یا فرش، مکان مناسب تر و بزرگ تری ایجاد نمود.

۶. خوب است اساسنامه ای تهیه شود و در آن تذکراتی مبنی بر اینکه چادر مکانی است برای نماز و دعا، نه استراحت طولانی مدت و مواردی از این قبیل نوشته شود و بر سر در چادر نصب شود.

۱. بعضی از مسافران و نیروهای هلال احمر بعد از نماز تمایل به خواندن قرآن و ادعیه مفاتیح دارند. بودن تعدادی قرآن و مفاتیح در چادرهای هلال احمر خالی از لطف نیست.

۲. از قبل فکری برای جدا بودن خانم ها از آقایان در هنگام اقامه نماز شود.

۳. آمپلی فایر یا بلندگو فراموش نشود. این وسیله جهت رساندن صدای اذان و نماز یا بیان مسائل توسط روحانی یا اعلام و تذکر برخی موضوعات به مسافران و کادر هلال احمر بسیار ضروری است.

۴. جهت ایجاد جذابیت در بین نمازگزاران و برطرف شدن خستگی سفر و کار، می توان در بین دو نماز به صورت کوتاه مسابقاتی همراه با اهدای یک یادگاری از هلال احمر برگزار نمود.

۵. یادمان باشد فضا سازی هنرمندانه درون چادر و قسمت بیرونی آن، تأثیر بسزایی در روحیه مخاطب خواهد داشت. می توان محیط چادر را طوری تزئین نمود که احساس معنویت و آرامش روانی و آسایش ذهنی را به ارمغان آورد.

۶. این نکته بسیار اهمیت دارد: چادرها در بهترین مکان ممکن افراشته شوند.

ماهنامه فرهنگ ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۶۶

قنوت



مردم به نماز کم توجهی می‌کنند؛ مساجد هم کم رونق می‌شود، نماز جماعت و نماز اول وقت، حتی از طرف خود ما و امثال ما مورد غفلت قرار می‌گیرد. تا به حال نتوانسته ایم برای این موضوع کاری بکنیم. یکی از دوستان پیشنهاد کرده است که از بچه‌های نوجوانان استفاده کنیم؛ اما به نظر می‌رسد که نمی‌توان بی‌گدار به آب زد؛ لذا باید بر اساس یک برنامه اصولی پیش رویم.

حاج آقا گفت: این یکی از بهترین پیشنهادهایی است که تا به حال شنیده‌ام. معلوم می‌شود این آقایی که این مطلب را مطرح کرده است،

«حقایق و معارف دینی برای اینکه در جامعه شکل گیرد و اجرا شود، نیازمند یاری است. باید در شعار و عمل آنها را جدی گرفت و مانند یک درخت، آبیاری و محافظت کرد. همه نسل‌ها باید در این مسیر حرکت کنند. فرزندان ما باید از کودکی ضمن آموزش نماز، یاد بگیرند که چگونه بندگان خدا را در عبادت او یاری کنند».

سخنان حاج آقا جلیلی به اینجا که رسید، فرمانده پایگاه گفت: حاج آقا! از قضا یکی از مسائلی که در چند سال گذشته، ذهن بنده را به خود مشغول کرده، همین موضوع است. واقعیت این است که هر سال در عید نوروز،



همیار نماز

فاطمه حسنا عطاریه

متولد ۱۳۸۶

صادره: ب

ذهن خلاقى دارد. به نظرم بهتر است به خودش بگوئيد كه طرحى براى اين كار آماده كند.

در جلسه هفته بعد، آقای حسینی طرح خودش را مطرح کرد تا بر اساس آن، نوجوانان محل برای نوروز آماده شوند. خلاصه آن طرح از این قرار است:

در موضوع نماز خانواده‌ها یکسان نیستند. بعضی نه نماز می‌خوانند و نه ارزشی برایش قائلند. در مقابل، بسیاری، هم نماز می‌خوانند و هم آن را به پا می‌دارند. در این میان البته خانواده‌هایی هم هستند که کاهل‌اند؛ به این معنی که نماز را قبول دارند، اما در عمل سستی می‌کنند.

برای گروه اول که بچه‌ها نمی‌توانند و نباید کاری کنند. برای دسته دوم هم که لازم نیست کاری انجام دهند. عمده برنامه‌ها باید برای گروه سوم باشد.

برای اینکه نوجوانان بتوانند در ایام نوروز یاری‌گر نماز باشند، باید از ظرفیت‌های موجود خود بهره ببرند؛ ظرفیت‌هایی مثل نوشتن، خواندن، اظهار محبت و بازی. همچنین آنها می‌توانند از ابزارهایی همچون گوشی تلفن همراه نیز در این مورد استفاده کنند. پیشنهادهای این طرح با توجه به این ظرفیت‌ها مطرح شده است.

۱. سالنامه

هنگام تحویل سال، از بهترین و شیرین‌ترین دقایق عمر ما محسوب

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۶۸ قنوت

می‌شود. همه اعضای خانواده کنار سفره هفت سین می‌نشینند و سعی می‌کنند آخرین لحظات سال را با دعا و مناجات سپری کنند. نوجوانان می‌توانند در همان آخر سال نامه‌ای برای خدا بنویسند و اسم آن را «سالنامه» بگذارند و آن را جزء هفت سین سفره قرار دهند. مفاد این نامه می‌تواند قدردانی از الطاف الهی در سال گذشته، درخواست‌هایی برای سال جدید و همچنین تعهد به برخی مسائل مهم در این سال باشد. پایبندی به نماز اول وقت می‌تواند در این نامه برجسته شود. آنها متن این نامه را که قبلاً آماده کرده‌اند، سر سفره هفت سین برای اعضای خانواده می‌خوانند.

۲. خاطرات نماز

نوجوان برای بیان اهمیت نماز نمی‌تواند به صورت مستقیم به گفتگو با والدین خود یا میهمانان یا صاحبخانه بپردازد. برای این کار بهتر است از روش غیرمستقیم استفاده شود. او می‌تواند با اختصاص یک دفتر خاطرات برای نماز در همان ایام نوروز، از بزرگ‌ترها بخواهد شیرین‌ترین خاطره خود را در مورد نماز در آن دفتر برایش بنویسند. خوب است اصرار کند که یا خاطره به خط خود افراد به صورت کوتاه در دفتر نوشته شود یا اینکه برای وی نقل شود تا او آن را با سلیقه خود یادداشت کند.



ابلی



۳. گفتگوی مستقیم

قرار داده است که در گفتار ایشان وجود ندارد. یکی از بهترین روش‌ها این است که خود نوجوان در عمل مقید به نماز اول وقت باشد. در خانه خود یا در میهمانی یا در مسافرت، هر موقعی که اذان گفته شد، او از دیگران عذرخواهی کند و به نماز مشغول شود و سپس به جمع آنها بپیوندد.

۷. جریمه

برخی والدین رابطه دوستانه‌ای با نوجوانان خود دارند. در این نوع خانواده‌ها نوجوان می‌تواند قبل از هر مسافرتی با سرپرست خانواده شرط کند که تمام نمازها را باید اول وقت بخوانیم. اگر بر اثر کوتاهی سرپرست خانواده، نماز فراموش یا دیر خوانده شود، او را جریمه کند و به ازای هر رکعت، هزار تومان صدقه از او بگیرد و به صندوق صدقه بپردازد. او می‌تواند برای بامزه‌تر شدن این کار، دفترچه جریمه نماز درست کند و مثل پلیس راه، بزرگ‌ترها را جریمه کند.

البته این کارها الزاماتی دارد:

۱. موجب اذیت و آزار دیگران نشود.
۲. خود نوجوان مقید به رعایت اخلاق اسلامی مثل حجاب (برای دختران)، رعایت محرم و نامحرم، نزاکت در رفتار و گفتار باشد.
۳. نوجوان توسط افراد خبره آموزش لازم را فرا گرفته باشد.

مطالب و لطایفی در مورد نماز وجود دارد که برای همه جالب توجه است. نوجوان می‌تواند با یادگیری و به خاطر سپردن این لطایف در خلال گفتگوهای جمع، آنها را مطرح کند. مثلاً نماز مثل لیمو شیرین است؛ هرچه از اول وقتش بگذرد تلخ‌تر می‌شود. یا مثلاً نماز مثل چراغ است، تا زمانی که سیمش وصل نشود نور نمی‌دهد. مباحثی مثل آثار و فواید نماز برای سلامتی بدن، خاطرات برخی تازه‌مسلمان‌ها از نماز، ریاضی و نماز و هر مطلب جالب دیگری، می‌تواند در این راستا باشد.

۴. بازی

نوجوان می‌تواند با مدیریت بازی کودکان از ظرفیت آنها در یادآوری نماز استفاده کند. او وارد بازی ایشان می‌شود و در مورد نماز سؤالاتی مطرح می‌کند. برنده کسی است که قبل از همه جواب آن سؤال را از پدر یا مادر خود پرسد و بگوید.

۵. گوشی

نوجوان می‌تواند با تنظیم ساعت گوشه‌ی تلفن همراه یا نصب برنامه‌هایی مثل باد صبا در آن، مواقع نماز را به صورت غیرمستقیم و نامحسوس یادآوری کند.

۶. عمل

خدای متعال در عمل انسان‌ها آثاری



يك نماز خوردنی

خاطری از يك دختر یازده ساله

مهدی رزاقی

مصاحبه



دهید خودم تصمیم بگیرم و در کار من دخالت نکنید. پدرم سکوت کرد. زیب ساک پدر را باز کردم و بطری آبی که در آن بود، بیرون آوردم و سطلی را هم که زیر صندلی آویزان بود، از صندلی جدا کردم. تصمیم گرفتم با همان آب و در همان سطل وسط اتوبوس وضو بگیرم و نشسته روی صندلی نمازم را بخوانم. همین که مشغول وضو بودم، شاگرد راننده پرسید: چه کار می‌کنی؟ ماجرا را توضیح دادم و او همه چیز را به راننده گفت. راننده که از آینه ماشین وضو گرفتن مرا می‌دید، خوشش آمد و گفت: دخترم من به احترام نماز شما دقایقی توقف می‌کنم. با خوشحالی از او تشکر کردم و از ماشین پیاده و مشغول نماز شدم. تمام مسافران اتوبوس از کار من تعجب کرده بودند و به یکدیگر نگاه می‌کردند. برخی هم گفتند: ما هم نماز نخواندیم. آفرین برای این دختر و اراده و عزم او. همین دختر روز قیامت برای ما حجت است. نمازم که تمام شد، دیدم هفده نفر از مسافران به نماز ایستاده‌اند. این شیرین‌ترین نماز من بود که در بیابان توانستم نماز و یاد خدا را زنده کنم.

خدا وعده داده هر کس برای او حرکتی کند، مهر و محبتش را در دل‌ها می‌نشاند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَانُ وُدًّا». مریم: ۹۶.

خوشحال بود و در پوست خودش نمی‌گنجید. درست است که سن و سالش کم بود، اما قدم برداشتن در راه اعتقاد که سن و سال نمی‌شناسد. برای آنکه به همه بگویند شما هم می‌توانید در راه آرمانتان محکم قدم بردارید و پیروز شوید، قلم و کاغذ را برداشت و شروع کرد به نوشتن:

ستاد اقامه نماز، سلام!

شیرین‌ترین نمازی که خوانده‌ام این بود:

در سفری همراه پدر و مادرم در اتوبوس نشسته بودم و به زمین و آسمان نگاه می‌کردم. خورشید را دیدم که کم‌کم غروب می‌کرد. یادم آمد نماز ظهرم را نخوانده‌ام. به پدرم گفتم: از راننده درخواست کن توقف کند تا نمازم را بخوانم. پدرم گفت: راننده به خاطر نماز يك دختر بچه توقف نمی‌کند و اگر هم توقف کند، ممکن است بعضی از مسافران ناراحت شوند. گفتم: خودم به راننده می‌گویم. پدر گفت: گوش نمی‌دهد. گفتم: به راننده پول بدهیم تا دقایقی توقف کند. پدر گفت: با پول توقف نمی‌کند. پدر که اصرارم را دید، با تندی گفت: ای کاش نمازت را می‌خواندی و مزاحم مردم نمی‌شدی. حالا سرجایت بنشین و بعداً نمازت را قضا کن. به پدرم گفتم: خواهش می‌کنم امروز به من اجازه

ماه‌نامه فرهنگی ترویجی

بیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۷۱

عنایت



راضیه روشن

یادداشت

ماهنامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

قنوت ۷۲

نوروز و نهال بندگی

راهکارهای ترغیب کودکان به نماز در فرصت نوروز

نوآوری، طراوت، جوانی، نشاط و همچنین یادمان مهربانی و محبت به یکدیگر، دیدوبازدید خویشاوندان، محکم کردن روابط دوستی و مهربانی میان دوستان، آشنایان و زدودن کینه‌ها است. هرچند نوروز یک عید دینی نیست، در روایات متعددی، تکریم و گرامی داشته شده و

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا؛ خانواده خود را به نماز فرمان ده و برانجام آن شکیبا باش»^۱.

تاریخ و فرهنگ کهن ما ایرانیان، یادمان‌های ارزشمندی برای ما به یادگار گذاشته است. «نوروز»، عیدی شرقی و سرشار از ارزش و معنویت است. نوروز نماد

زمانی برای اظهار بندگی و تواضع در برابر پروردگار شمرده شده است.

نماد عبودیت و خضوع در اسلام، «نماز» است که جایگاه بسیار مهم و تعیین کننده‌ای در آیات و روایات دارد. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام نماز در میان عبادات، به مثابه «اسم اعظم و بلکه خود اسم اعظم»^۲ در میان دیگر اسماء الهی است. با توجه به شأن رفیع نماز و ظرفیت بدیع نوروز، بر آن شدیم راهکارهای تبلیغ و ترویج نماز برای کودکان را به اجمال بررسی کنیم.

امام زین العابدین علیه السلام در بیان حقوق فرزند می‌فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَإِنَّ تَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافَ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ بَشْرِهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزْوَجَلْ وَ المَعُونَةُ عَلَى طَاعَتِهِ؛ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلٌ مَن يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابِتٌ عَلَى الإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقِبٌ عَلَى الإِسَاءَةِ إِلَيْهِ!»؛ و اما حق فرزندت این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا، منتسب به توست و بی‌گمان، تو درباره‌ی خوب تربیت کردن او و راهنمایی کردنش به سوی خداوند عزوجل و یاری کردن وی در فرمان برداری از پروردگار، مسئولی؛ پس در کار او، همانند کسی عمل کن که می‌داند برای نیکی کردن به او پاداش می‌گیرد و بر بدی کردن به او مجازات می‌شود».^۳ توجه دادن آن حضرت به والدین نسبت به اینکه راهنمایی و یاری فرزند در طاعت خداوند، مستلزم ثواب یا عقاب خواهد بود، بیان‌گر فریضه بودن تربیت دینی کودکان است؛ فریضه‌ای که بهترین ساعات و لحظه‌ها را برای ادای آن باید صرف کرد و طبق آیه

شریفه، بر آن شکیبایی ورزید. نوروز همواره برای کودکان و فرزندان ما، روزهای به یادماندنی و شیرینی بوده است. تشویق و دعوت کودکان به نماز در روزهای جذاب نوروز، بی‌گمان نقش مؤثری در علاقه آنان به نماز خواهد داشت. البته در این تلاش دینی، شکیبایی، ابتکار و خوشرویی بزرگ‌ترها در ماندگار شدن آن بسیار مؤثر است. برای دستیابی به این مقصود، به برخی از راهکارهای کاربردی و اجرایی اشاره می‌شود.

۱. در جمع خانواده، دوستان و آشنایان معمولاً فرد یا افرادی حضور دارند که محبوب و مورد علاقه فرزندان هستند. کودکان از این افراد الگو می‌پذیرند و حرف شنوی دارند و این یک ظرفیت خوب برای تبلیغ نماز خواهد بود. در عید دیدنی‌ها، از آن شخص محبوب کودک بخواهیم که از نماز برای کودک سخن بگوید؛ با جمع کردن بچه‌های فامیل در دیدوبازدیدها، نماز جماعت برپا کند؛ از مفاهیم نماز در ضمن بازی و استفاده از هیجان گروهی، بهره‌بردار؛ شعرهای دسته‌جمعی آماده کند و همخوانی و گروه سرود تشکیل دهد. فراموش نکنیم که کودکان ما به کارهای جمعی، واکنش بسیار مثبتی نشان می‌دهند.

۲. برای کودکان، داستان‌ها و خاطره‌هایی درباره‌ی نماز، از بزرگان، شهدا و مفاخر بیان کنیم؛ داستان‌هایی که در آن، نماز رکن و بخش جذاب داستان باشد، نه حاشیه و قسمت ملال‌آور آن. در این خاطره‌ها یا داستان‌ها که حتی می‌تواند شخصی هم باشد، آثار نماز و مشکل‌گشایی آن برجسته





از مهم‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین رسم نوروز، نباید غافل شد. کودکان در عید دیدنی‌ها، چشم‌انتظار عیدی هستند. والدین، پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها و دیگر بزرگ‌ترهای موقعیت‌شناس، می‌توانند هنگام بخشش اذان یا بعد از خواندن نماز، عیدی را از زیر سجاده درآورده و به کودک دهند. این کار نماز را برای کودک شیرین‌تر و مهم‌تر خواهد کرد؛ افزون بر اینکه شخص نمازگزار را فرد کریم و بخشنده‌ای برای الگوگیری خواهد یافت.

ماهنامه فرهنگ ترویجی
پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۷۴

قنوت

شود. برای نمونه می‌توانیم توسل «ابن سینا» به نماز برای رفع مشکلات علمی‌اش را برای کودکان بازگو کنیم.

۳. از مهم‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین رسم نوروز، نباید غافل شد. کودکان در عید دیدنی‌ها، چشم‌انتظار عیدی هستند. والدین، پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها و دیگر بزرگ‌ترهای موقعیت‌شناس، می‌توانند هنگام پخش اذان یا بعد از خواندن نماز، عیدی را از زیر سجاده درآورده و به کودک دهند. این کار نماز را برای کودک شیرین‌تر و مهم‌تر خواهد کرد؛ افزون بر اینکه شخص نمازگزار را فرد کریم و بخشنده‌ای برای الگوگیری خواهد یافت.

۴. در جمع‌های خانوادگی و دیدوبازدیدهای نوروز، کودکان دوست دارند یک اتاق اختصاصی برای بازی‌های گروهی خود داشته باشند. این مکان اختصاصی را به گونه‌ای فضا سازی کنید که پیامی از نماز، نصیب ضمیر ناخودآگاه کودک شود. کودکان در دریافت پیام‌های غیرمستقیم، بسیار توانمند هستند؛ مانند پهن کردن یک سجاده زیبا در گوشه اتاق و گذاشتن ظرف آجیل کنار آن.

۵. فراموش نکنیم بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کار در تربیت و تشویق دینی کودک، پایبندی خود بزرگ‌ترها به احکام است. در عید دیدنی‌ها و حتی مسافرت‌های نوروزی، با اقامه نماز اول وقت و به جماعت، شور و نشاطی به یادماندنی برای کودکان خود به یادگار بگذاریم. کودکان مشتاق کارهای گروهی با بزرگ‌ترهای خود هستند.

۶. برگزاری مسابقات کوچک درباره نماز

در جمع کودکان؛ مانند دانستن ذکر رکوع، حفظ بودن سوره، آشنایی با وضو و اهدای جایزه، در یادسپاری و انتقال مفاهیم ارزشمند نماز به آنان، کارآیی مناسبی دارد و کنجکاوای نسبت به نماز را در فرزندانمان ایجاد خواهد کرد.

۷. گفتگوی دامنه‌دار، کوتاه و برنامه‌دار در مورد نماز با بچه‌های بالای نه سال، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری تفکر عاقلانه درباره نماز در آنها باشد. به این صورت که در مهمانی‌های متعدد که بستر آن در نوروز بسیار مهیا است، با قرائت آیه یا روایتی درباره نماز، از آنها بخواهیم پیرامون آن نظر دهند و در نهایت به یک جمع‌بندی پیام‌دار برسیم. از کودکان بخواهیم در صورت امکان، سخنان خود را یادداشت کنند.

۸. در مسافرت‌های نوروزی، کودکان را به طبیعت زیبای بهاری و نشاطی که از آن می‌گیرد، توجه دهیم. این تذکر باید با یادآوری خالق همراه باشد که چنین آفریده و شایسته پرستش و بندگی است. به فرزند خود بگوییم که اولین و مهم‌ترین راه بندگی این خدای زیبا آفرین، خواندن نماز است. جلوه‌های زیبایی آفرینش را در چشم کودکان تقویت کنیم تا جلوه‌های نیاز به نماز در ذهن و ضمیر او ماندگار و تقویت شود.

پی‌نوشت

۱. طه: ۱۳۲.

۲. امام خمینی، آداب الصلوه، ص ۹.

۳. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۲.

نماز، نوروز دل

یادداشت شفاهی حجت الاسلام والمسلمین استاد گنجی



ماهنامه فرهنگی ترویجی

پیش شماره سوم / فروردین ۱۳۹۴

۷۵

قنوت

«گمان می‌کنی که جرم کوچکی هستی، حال آنکه درون تو عالم بزرگی نهفته است.» ۱. در این جمله، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند که همه عوالم در وجود انسان جمع است. یکی از این عوالم، عالم طبیعت است. طبیعت چهار فصل دارد که هر فصلی ویژگی‌های خود را دارد. قلب

انسان‌ها نیز دارای همین چهار فصل است. گاهی قلب تابستانی است؛ قلب پرحرارت از شهوت، پرحرارت از ریاست، پرحرارت از تعلق و وابستگی به دنیا است. گاهی دل‌ها زمستانی است؛ یعنی مرده است و آیات و روایات، هیچ اثری در آنها ندارد. گاهی دل پاییزی است؛ یعنی بسیار پژمرده است. اما برخی



برخی دل‌ها بهاری است؛ بانشاط و پرانرژی، همانند نوروز. نوروز فصل حیات است، در نوروز زمین زنده و بهار شروع می‌شود؛ لذا به ما یاد داده‌اند در اولین روز نوروز «يَا مُخَوِّلَ الْخَوَّلِ وَالْأَخْوَالَ خَوِّلْ خَالَتَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْخَالِ» را بخوانیم؛ یعنی خدایا، این طبیعت به فرمان تو دگرگون شد، ما نیز علاقه‌مندیم قلبمان از فصل تابستان، زمستان و پاییز نجات پیدا کند و یک تحول عظیم در درونش ایجاد شود.

دل‌ها بهاری است؛ بانشاط و پرانرژی، همانند نوروز. نوروز فصل حیات است، در نوروز زمین زنده و بهار شروع می‌شود؛ لذا به ما یاد داده‌اند در اولین روز نوروز «يَا مُخَوِّلَ الْخَوَّلِ وَالْأَخْوَالَ خَوِّلْ خَالَتَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْخَالِ» را بخوانیم؛ یعنی خدایا، این طبیعت به فرمان تو دگرگون شد، ما نیز علاقه‌مندیم قلبمان از فصل تابستان، زمستان و پاییز نجات پیدا کند و یک تحول عظیم در درونش ایجاد شود.

راه‌های رسیدن به حیات و نوروز قلب در آیات و احادیث مطرح شده است. یک عامل بسیار مهم که سه فصل تابستان و زمستان و پاییز را از بین می‌برد، نماز است؛ چون نماز در زندگی، قلب، فکر و اندیشه ما تحول ایجاد خواهد کرد. حیات طیبه‌ای که همه‌ی انبیا برای آن آمده‌اند، با نماز ایجاد می‌شود. به محضر مبارک رسول الله عرضه داشتند: فلان جوان نماز می‌خواند، اما در کنار نماز کارهای خلافی هم از او سر می‌زند. حضرت فرمودند: «سرانجام، نماز او را از آن کارهای خلاف بازمی‌دارد». نماز انسان را دگرگون می‌کند و از گناه بازمی‌دارد. قرآن کریم می‌گوید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۲ نماز (آدمی را) از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. فحشا، گناهان علنی و منکر گناهان مخفی است. نماز هر دو نوع گناه را از بین می‌برد و انسان را از گناهان بازمی‌دارد. امام زین العابدین (علیه السلام) در مناجات تائیین به خدای

منان عرضه می‌دارد: «خدایا! گناهان بر من لباس خواری پوشانده، و دوری از تو جامه درماندگی بر تنم پیچیده، و بزرگی جنایتم دلم را می‌رانده است». گناه مرگ قلب را در پی دارد؛ اما نماز جلوی مرگ قلب را می‌گیرد و اگر مرده باشد، آن را احیا می‌کند و اگر نمرده باشد، حیاتش را استمرار می‌بخشد. در یکی از زیارت‌های حضرت ولی‌الله الاعظم می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَی رَبِیعِ الْأَنْامِ وَ نَضْرَةُ الْأَيَّامِ»^۳. توضیح آنکه هر چیزی بهاری دارد. بهار طبیعت، نوروز است. بهار قرآن ماه مبارک رمضان است. بهار عمر، جوانی است. بهار دل‌ها، حضرت ولی‌الله الاعظم است. همان‌طور که بهار پیام‌آور تحول و دگرگونی است، حضرت ولی‌الله الاعظم نیز دگرگونی را در قلب ما ایجاد می‌کند. این یکی از ویژگی‌های زیبای حضرت ولی‌الله الاعظم است که نماز نیز در جایگاه خود این دگرگونی را ایجاد می‌کند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «كُلُّ يَوْمٍ لَا يَعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهَوَ يَوْمٌ عِيدٌ؛ هر روزی که خدا نافرمانی نشود، آن روز عید است». نماز ما را از فحشا و منکر بازمی‌دارد؛ پس با نماز هر روزمان عید می‌شود.

یکی از زیبایی‌های فصل بهار و نوروز، طراوت و نشاط و شادابی طبیعت است. انسان وقتی شادابی طبیعت را می‌بیند، در وجود خود نیز احساس شادابی می‌کند. نماز بی‌ظن‌ترین شادابی و نشاط را برای ما به ارمغان می‌آورد؛



چنان که حضرت رسول الله وقت نماز که فرا می‌رسید، می‌فرمودند: «أَرِحْنَا يَا بِلَالُ». یعنی نماز عامل و مایه نشاط و راحتی و آرامش و آسایش درون انسان محسوب می‌شود. امام زین العابدین (علیه السلام) نیز در مناجات المریدین عرضه می‌دارد: «و فِيمَ تَأْتِيكَ رَوْحِي وَ رَاحَتِي» زیباترین مناجات نماز است. نماز جامع دعا، جامع مناجات، راز و نیاز و نجوا است؛ لذا با نماز انسان به نشاط و شادابی می‌رسد.

بهار فصل اعتدال است. اتفاقاً خدای منان بشر را معتدل آفریده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ»^۶ [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم». طبیعت بشر اعتدال‌گرا است. با بندگی می‌توانیم به اعتدال برسیم و زیباترین عامل اعتدال، نماز است. با نماز از افراط و تفریط، نجات پیدا می‌کنیم و به برکت آن، در اخلاق، عقاید، عبادات، سبک و روش زندگی اعتدال پیدا می‌کنیم؛ لذا حضرت رسول الله فرمود: «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مَوْضُوعٍ وَ خَيْر عَادَةٍ» نماز بهترین موضوع دینی است برای رسیدن به حیات، نشاط، اعتدال و ارتباط با حضرت حق. بعد فرمودند: «فَمَنْ شَاءَ اسْتَكْتَرْ وَ مَنْ شَاءَ اسْتَقَلَّ»^۷ هر که می‌خواهد فراوان بخواند، هر که می‌خواهد کم بخواند؛ اما بدانند نماز بهترین موضوع و بهترین عادت است. مردم از نوروز سیر نمی‌شوند؛ اما اولیای الهی از آفریننده نوروز سیر نمی‌شوند. پیغمبر اکرم فرمودند: «من هیچ گاه از

نماز سیر نمی‌شوم». انسان هنگامی که در فصل نوروز و بهار به سبزه‌ها نگاه می‌کند، چشمش روشن می‌شود. پیامبر نیز فرمود: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ وَ حَبَّهَا إِلَيَّ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعَ الطَّعَامَ وَ إِلَيَّ الضَّمَانَ، الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَشَيْعَ وَ إِنَّ الضَّمَانَ إِذَا شَرِبَ رَوْحِي وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ»^۸ همانا خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و نماز را محبوب من نموده؛ همان‌گونه که طعام را برای گرسنه و آب را برای تشنه. گرسنه با خوردن، سیر، و تشنه با نوشیدن، سیراب می‌گردد، اما من هرگز از نماز سیر نمی‌شوم». یعنی نماز همه‌ی خلأها، تشنگی‌ها و گرسنگی‌ها را از بین می‌برد و عامل و موجب چشم روشنی می‌شود. باشد که وقتی وقت نماز فرا می‌رسد، فریاد برآوریم:

مصلحت دیدن آن است که یاران همه کار بگذارند و سر‌ظره یاری گیرند

بهار فصل اعتدال است. اتفاقاً خدای منان بشر را معتدل آفریده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ»^۶ [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم». طبیعت بشر اعتدال‌گرا است. با بندگی می‌توانیم به اعتدال برسیم و زیباترین عامل اعتدال، نماز است. با نماز از افراط و تفریط، نجات پیدا می‌کنیم

پی‌نوشت

۱. اسرار الحکم، ج ۱، ص ۲۶۵.
۲. عنکبوت: ۴۵.
۳. مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۴. نهج البلاغه، حکمت ۴۲۸.
۵. شیخ بهایی، مفتاح الفلاح، ص ۱۸۲.
۶. تین: ۴.
۷. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۳۰۸.
۸. شیخ طوسی، أمالی، ص ۵۲۸.

قبله‌ام یک گل سرخ

خوانشی بر بندهای آغازین شعر بلند «صدای پای آب» سهراب سپهری

و بکری از مفاهیم معنوی آشنا می‌سازد؛ مفاهیمی که مخاطب تا قبل از آن، بارها و بارها به آنها نگریسته، اما هیچ‌گاه این نگاه‌های عقیم، منجر به دیدن و کشف آن حقایق نشده بود.

شاعر مخاطبی را که در فصل بهار فقط سرسبزی طبیعت را نظاره‌گر است و میان آنچه در مقابل دیدگانش قرار دارد با افق‌های پیش روی یک روح موحد عاشق، آن هم از نوع مسلمانان، ارتباطی نمی‌یابد؛ با خود همراه می‌کند و ردای کهنه عادت‌ها را از قامت‌هایش می‌ستاند و جامه‌ای از جنس نور و روشنی بر قامتش می‌پوشاند.

او خود را مسلمان می‌خواند؛ اما نه از جنس مسلمانان شناسنامه‌ای؛ عبادت و نماز گزاردنش نیز تابع قوانین و قراردادهای معمول نیست که قبله‌ای یک‌سویه داشته باشد و حداکثر در پنج نوبت با دایره‌ای حقیر و شعاعی محدود، به مهری و سجاده‌ای ختم شود.

او مسلمان است؛ اما در هر زاویه‌ای و هر سمت و سویی که گل سرخی روییده باشد، قبله‌ای را می‌بیند که می‌تواند به سویش نماز عشق خواند؛ نمازی که سجاده‌اش تکه گلیمی و مهرش از خاک و گل نیست. از جانماز او آب حیات می‌جوشد و پیشانی‌اش را بر نور جمال معشوق می‌ساید. اگر دیگران سجاده چند و جب در چند وجب خود

«صدای پای آب» اولین شعر بلند و معروف شاعر و نقاش معاصر، زنده‌یاد سهراب سپهری است که سیری آفاقی-انفسی از تجربه‌های شخصی شاعر را روایت می‌کند.

شاعر در جای جای این روایت به معرفی و کشف زوایای پید و پنهان زندگی خود می‌پردازد و آنگاه که از دریچه واقعیت‌ها به پیرامون خود می‌نگرد، بی‌هیچ دخل و تصرفی در آنچه که هست، این‌گونه می‌سراید:

اهل کاشانم

روزگارم بد نیست

تکه نانی دارم، خرده هوشی، سرسوزن ذوقی...

و در چند سطر پایین‌تر، این‌گونه ادامه می‌دهد:

پدرم نقاشی می‌کرد

تارهم می‌ساخت، تارهم می‌زد

شاید اگر افق دید شاعر به همین نگاه رئالیستی منحصر می‌شد، سیر صعودی چنین رویکردی، به افت کیفی و سیر نزولی سایر ابعاد هنری اثر منجر می‌شد. خوشبختانه شاعر با جایگزین کردن هوشمندانه نگاهی سمبلیک، نمادین و استعاری، به خوبی مخاطب را به فراسوی مفاهیم و معانی قراردادی، تکراری، بی‌روح و فرسوده واژگان روزمره امروزی سوق می‌دهد و چشمان بهت‌زده او را با تصاویر دل‌انگیز

را می‌کشایند، او سجاده‌ای دارد به گستردگی دشت‌های پهناور.

در نماز او افکار پربیشان پرسه نمی‌زنند تا تنها در «السلام علیکم» به خود بیایند و خود را در محراب بیابند. نماز او حکم ماهی را دارد که طیف‌هایی از خورشید رخ محبوب را منعکس کرده است. چنین نمازی آن قدر خالص است که می‌توان هرگونه ناخالصی را از ورای آن دید؛ همچون رودخانه‌ای که دیدن شن‌ها و سنگریزه‌های اعماق آن، شاهدهی است برپاکی، شفافیت و زلالی‌اش.

چه زیبا است نمازی که ذره‌ذره‌اش تبلوری است از بندگی و سربر آستان حضرت دوست نهادن؛ نمازی که اقامه یا عدم اقامه‌اش به پخش شدن یا پخش نشدن اذانی ضبط‌شده از بلندگوهای فلزی گلدسته‌هایی آجری بستگی ندارد و مؤذنش بادی است که گاه و بی‌گاه، هرکجا که باشد، بر گلدسته‌های سروهای راست قامت، قد علم می‌کند و ندای توحید را در گوش آسمانیان زمینی نجوا می‌کند. این نماز با آدابی دیگرگونه در هنگام برخاستن علف به «تکبیره الاحرام» و قامت راست کردن موج به «قد قامت الصلاة» به جماعت اقامه می‌شود.

کعبه چنین مسلمانی نمی‌تواند از سنگ و کلوخ باشد و محدود به نقطه‌ای کوچک از این کره خاکی. او به هر سمتی که رو

کند، نشانی از بی‌نشانی‌های معشوق را می‌یابد که می‌تواند به سویش نماز محبت اقامه کند؛ چه بر لب آبی باشد و چه در سایه‌سار درختان اقاقی؛ چه در باغ و چه در شهر و ... آری، فقط در چنین کعبه‌ای ست که حتی از سیاهی «حجر الاسود» ش، روشنی می‌تراود؛ پس چه خوش است همراهی و هم‌نوا شدن با این نیایش بهاری و شاعرانه:

من مسلمانم

قبله‌ام یک گل سرخ

جانمازم چشمه، مُهرم نور

دشت سجاده من

من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم

در نمازم جریان دارد ماه، جریان دارد

طیف

سنگ از پشت نمازم پیدا است

همه ذرات نمازم متبلور شده است

من نمازم را وقتی می‌خوانم

که اذانش را باد، گفته باشد سر گلدسته

سرو

من نمازم را پی «تکبیره الاحرام» علف

می‌خوانم

پی «قد قامت» موج

کعبه‌ام بر لب آب

کعبه‌ام زیر اقاقی‌ها است

کعبه‌ام مثل نسیم، می‌رود باغ‌به‌باغ،

می‌رود شهر به شهر

«حجر الاسود» من روشنی باغچه‌ها

است...



دو تا بشرط داره!

لباسی شبیه کشیش ها



در یکی از سفرهای خارجی اش وقت نماز ظهر، ماشین را کنار یک پارکینگ نگه داشت و همان جا نماز خواند. مردم که تعجب کرده بودند، دورش جمع شدند. پلیس را هم خبر کردند که بیاید؛ شاید از حرکات این مردی که لباسی شبیه لباس کشیش ها دارد، سر در بیاورد. نمازش که تمام شد، پلیس پرسید چه می‌کند؟ شهید بهشتی گفت: «من مسلمانم و این هم یکی از عبادت‌هایی است که باید انجام بدهیم». بعد پرسید: «چطور شما که با مذهب‌ها و مردم مختلف سرو کار دارید، این را نمی‌دانید؟». مأمور پلیس عذرخواهی کرد و گفت: «ما فکر می‌کردیم شما دارید شعبده بازی می‌کنید!».

منبع: کتاب سید محمد حسینی بهشتی
نویسنده: افسانه وفا
انتشارات: روایت فتح

زندگی اش مثل آدم‌های دیگر بود. هم خوب درس می‌خواند و هم خوب تدریس می‌کرد و هم از تفریحش کم نمی‌گذاشت. شده بود استاد علم و زندگی طلبه‌ها. وقتی جوان بود، روزهای جمعه با طلاب برای تفریح از شهر خارج می‌شدند؛ اما قبل از حرکت می‌گفت: اگر می‌خواهید با شما بیایم شرط دارد! طلبه‌ها که نمی‌خواستند بدون آقا روح الله تفریح کنند، می‌گفتند: هر شرطی باشد قبول است. آقا روح الله می‌گفت: به این شرط با شما بیرون می‌آیم که

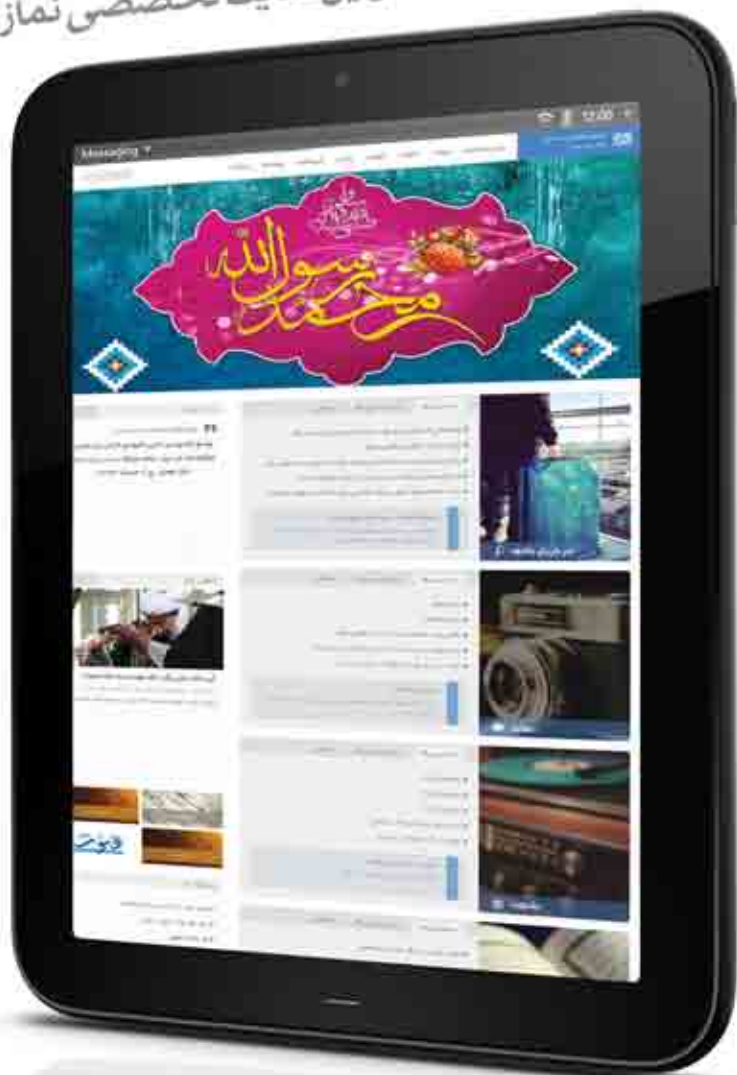
۱. نماز را اول وقت بخوانیم؛

۲. در تفریح غیبت نشود.

برای آقا روح الله یا همان امام خمینی خودمان، اطاعت از دستوره‌های خدا و نماز اول وقت در زندگی حرف اول و آخر را می‌زد.

WWW.QUNOOT.NET

اولين سايت تخصصي نماز



رسول خدا ﷺ فرمود:
فاطمه ﷺ یاره تن من است.
فاطمه ﷺ نور دو چشم من است...
هنگامی که فاطمه ﷺ در مقابل
پروردگار خود در میان محراب
عبادت می ایستد، نور او برای ملائکه
آسمان نظیر نور ستارگان برای اهل
زمین می درخشد. خداوند به ملائکه
خود می فرماید: ای ملائکه من! به
فاطمه ﷺ که برترین کنیزان من
است، نظر کنید که چگونه در مقابل
من قرار گرفته است. اعضا و جوارح
او از خوف من می لرزد. فاطمه ﷺ یا
توجه قلبی مشغول عبادت من شده
است. من شما را شاهد می گیرم که
شیعیان وی را از آتش ایمن می دارم.

اصول شیخ صدوق ص ۹۹

